



فصلنامه علمی - تخصصی افق اندیشه

(پژوهش های امت اسلامی با تأکید بر افغانستان)

سال اول، شماره اول، بهار و تابستان ۱۴۰۲

صاحب امتیاز: بنیاد علمی-فرهنگی افق اندیشه (با مجوز رسمی)

مدیر مسئول: حجت الاسلام والمسلمین دکتر سید حسن صالحی

سر دبیر: دکتر سید مهدی هاشمی

○ مدیر داخلی و دبیر اجرایی: دکتر سید عقیل سجادی

○ ویراستار: محمد حسین زکی

○ همکاران اجرایی: دکتر محمد آصف تقوی

○ شمارگان: ۱۰۰۰ نسخه

هیأت تحریریه:

- دکتر عبدالقادر کمالی سرپلی • دکتر محمد آصف تقوی • دکتر سید مهدی هاشمی
- دکتر سید عقیل سجادی • دکتر احمد ذبیح افشاگر • دکتر سید حسن آقا حسینی
- دکتر سید باقر محمدی • محمد حسین زکی • روح الله روحانی بدخشانی

نشانی: کابل، پل سوخته، سرک کاتب هزاره، چهارقلعه

www.ofoghandi sha.com

Email:journal@foghandi sha.com



مسئولیت صحت مقاله بر عهده نویسنده یا نویسندگان است.

نسخه دیجیتال این مجله در سایت افق اندیشه به آدرس www.ofoghandi sha.com قابل دسترسی می باشد.

شیوه‌نامه مقالات

برای حفظ اعتبار علمی و تخصصی مقالات، توجه به نکات زیر ضروری است:

۱. هدف مجله گسترش مطالعات در زمینه وضعیت جهان اسلام با تأکید بر اوضاع افغانستان است.

۲. مقاله ارسالی باید دارای ویژگی‌های زیر باشد:

۱. فرضیه و استدلال.

۲. نوآوری و به روز بودن موضوع.

۳. تنوع و استفاده از منابع متعدد اصلی و جدید.

۴. رعایت شیوه نگارش و قواعد ویراستاری.

۳. تنها مقاله‌هایی قابل بررسی هستند که قبلاً منتشر نشده‌اند و نویسنده متعهد به نشر آن در جای دیگر نیست.

در ضمن مقاله‌های ارائه شده برای بررسی و چاپ، نباید هم‌زمان به مجله‌های دیگر ارائه شده باشند.

۴. ساختار مقاله به این ترتیب باشد:

صفحه اول مقاله باید شامل نام و نام خانوادگی نویسنده (نویسندگان)، عنوان (رتبه علمی)، آدرس، تلفن و پست الکترونیکی نویسنده (نویسندگان) باشد.

پس از مشخصات نویسندگان، چکیده فارسی و واژه‌های کلیدی درج گردد.

عنوان: کوتاه، گویا و بیان کننده محتویات مقاله.

چکیده: ۲۰۰ تا ۲۵۰ کلمه (معادل ۱۵ سطر) و شامل بیان مسئله، هدف، چگونگی پژوهش، نکته‌ها، یافته‌های مهم و نتیجه.

واژه‌های اصلی: بین ۴ تا ۶ کلمه و ایفا کننده نقش نمایه و فهرست، برای تسهیل در جست‌وجوی الکترونیکی.

طرح مسئله: بیان کننده مسئله تحقیق، روش، ضرورت و هدف آن.

متن اصلی مقاله.

نتیجه: منطقی، مفید و بیان کننده بحث و ارائه یافته‌های تحقیق.

فهرست منابع: ترتیب عناصر اطلاعات کتاب‌شناختی به ترتیب حروف الفبا، به این شرح:

کتاب: نام خانوادگی، نام [نام مشهور]، عنوان کتاب، نام مترجم یا مصحح، نام ناشر، محل نشر، سال انتشار، شماره چاپ.

مقاله: نام خانوادگی، نام، "عنوان مقاله"، نام مجله، جلد، شماره مجله، شماره صفحات مقاله در مجله، سال انتشار.

درج ارجاعات مربوط به منابع در متن به صورت (نام خانوادگی، تاریخ انتشار اثر، جلد / شماره صفحه)، پس از نقل مطلب.

درج شکل لاتینی نام‌های خاص و واژه‌های خارجی در پاورقی.

در منابع لاتینی، اسم نویسنده و سایر اطلاعات لازم به فارسی و شکل لاتین آن، در پاورقی آورده شود. حجم تمام بخش‌های مقاله حداکثر ۲۵ صفحه باشد.

۵. اگر مقاله‌ای خارج از ضوابط راهنمای تدوین مقاله باشد، قبل از ارایه به هیأت تحریریه و داوران، به نویسنده اعلام خواهد شد.

۶. حق رد یا قبول و ویراستاری مقالات برای مجله محفوظ است و مقالات دریافتی برگردانده نمی‌شود.

۷. مقالات ترجمه پذیرفته نمی‌شود؛ مگر همراه با نقد و بررسی باشد.

۸. مقاله‌ها باید در صفحات A۴، با قلم لوتوس، فونت ۱۳ تنظیم شود و به ایمیل journal@foghandi-sha.com ارسال شود.

۹. اگر مقاله‌ای از سوی چند نویسنده باشد، ارائه مقاله و تمام مکاتبات باید توسط نویسنده اول انجام شود وگرنه، نویسندگان باید به صورت کتبی یک نفر را، به عنوان نماینده، برای انجام کلیه مراحل به دفتر مجله معرفی نمایند.

۱۱. تایید نهایی مقاله‌ها برای چاپ، پس از نظر داوران، با هیأت تحریریه مجله است.

فهرست مطالب

یادداشت مدیر مسئول

حجت الاسلام دکتر سید حسن صالحی..... صفحه ۵

فقه مقارن به مثابه راهکار وحدت در جهان اسلام با تأکید بر دیدگاه آیت الله محسنی و شیخ
سلتوت

سید رضا انوری / دکتر سید آصف کاظمی..... صفحه ۱۱

مدیریت راهبردی تقریب در افغانستان (تحلیل SWOT)

روح الله حمیدی / محمد انور جعفری..... صفحه ۵۳

راهکارهای تقریب و همگرایی مذاهب اسلامی در پرتو نقل و عقل با رویکرد جامعه افغانستان

محمد جواد عرفانی..... صفحه ۸۹

همزیستی مسالمت آمیز قومی و مذهبی در افغانستان؛ موانع و راهکارها (با تأکید بر
آموزه های اسلامی و سیره عملی پیشوایان دینی)

علی مدد فهیمی..... صفحه ۱۱۸

امام ابوحنیفه و مبارزه با افراط گرایی مذهبی

عصمت الله محمدی..... صفحه ۱۴۷

یادداشت مدیر مسئول

دانش و فرهنگ پیشران توسعه و پیشرفت در هر جامعه محسوب می‌شود و به هر میزانی که دانش و فرهنگ در جامعه توسعه یابد، آثار و نمادهای آن در تمامی عرصه‌های زندگی انسان نمایان می‌شود. علم و دانش زیرساخت توسعه فرهنگی را نیز فراهم می‌سازد و از این رو، توسعه فرهنگی مبتنی بر گسترش علم و دانش است. از سوی دیگر، توسعه فرهنگی زمینه‌های رشد و شکوفایی حوزه‌های مختلف اجتماعی، اقتصادی، سیاسی جوامع انسانی را در پی دارد و لذا توسعه فرهنگی بنیاد اساسی تمدن انسانی را تشکیل می‌دهد. بنابر این، توسعه فرهنگی مبتنی بر علوم انسانی - اسلامی زمینه‌ی اصلی تمدن اسلامی را فراهم می‌سازد.

فعالیت‌های علمی و فرهنگی در کشور افغانستان دارای اهمیت مضاعف می‌باشد؛ زیرا کشور افغانستان بر اثر تجاوز نظامی و فرهنگی بیگانگان و از بین رفتن زیرساخت‌های اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، آموزشی و ... از مشکلات متعددی رنج می‌برد؛ همه عوامل ذکر شده به علاوه هجوم فرهنگی، زمینه‌ی جنگ‌های خانمان سوز داخلی، شکاف‌های عمیق قومی، زبانی و مذهبی را ایجاد کرده است و در پی آن منازعات سیاسی و بحران‌های اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی در افغانستان تشدید گردیده است.

با توجه به مشکلات فرهنگی - اجتماعی یاد شده و ضرورت فعالیت در این عرصه، بنیاد افق اندیشه در واپسین روزهای سال ۱۳۹۹ تأسیس گردید تا به نوبه خود، در جهت فعالیت‌های علمی - آموزشی، پژوهش و توسعه علم و دانش، گسترش فرهنگ اسلامی، ترویج ارزش‌ها و عنعنات ملی در افغانستان سهمی داشته باشد.

معرفی فعالیت های بنیاد افق اندیشه

الف-سایت افق اندیشه

بنیاد افق اندیشه یک سایت علمی، فرهنگی و اجتماعی تحت عنوان افق اندیشه راه اندازی کرده است. این سایت دارای بخش های مختلف و متنوع مانند دین و اندیشه، فرهنگی-اجتماعی، قرآن، همایش ها و نشست ها، اخبار، آموزش و چند رسانه ای است. با توجه به کثرت سایت های معرفی در فضای مجازی از سویی و فقدان مراجع اطلاع رسانی مناسب نسبت به فعالیت های علمی و فرهنگی در حوزه های علمیه افغانستان، سایت افق اندیشه تلاش می نماید تمام بخش های سایت را در پاسخ به نیازهای علمی-فرهنگی افغانستان به ویژه حوزه های علمیه افغانستان توسعه دهد. بدین منظور سایت افق اندیشه با اجتناب از نقل مطالب تکراری در سایت های مشابه به تولید مطالب متناسب با اهداف سایت و نیازهای علمی-فرهنگی حوزه های علمیه افغانستان مبادرت ورزیده است. این ویژگی که امتیاز بارز این سایت، علمی محسوب می شود، موجب شده است تا این سایت در مدت کوتاهی که از راه اندازی آن میگذرد به مرجع علمی شناخته شده برای حوزه های علمیه افغانستان مبدل گردد به گونه ای که بر اساس گزارش ها و پایش های معتبر روزانه بیش از هزار نفر بازدید کننده از مطالب علمی-فرهنگی سایت بهره مند می شوند.

□ معرفی شخصیت ها و حوزه های علمیه

یکی از بخش های سایت افق اندیشه، معرفی شخصیت ها و حوزه های علمیه می باشد که معرفی شخصیت های علمی برجسته افغانستان و حوزات علمیه و مراکز علمی - فرهنگی افغانستان را وجهه همت خویش قرار داده است. با وجود محدودیت منابع در

معرفی شخصیت های علمی افغانستان که از مظلومیت و گم نامی دانشمندان این خاک عالم خیز ناشی می شود تاکنون ۵۷ نفر از عالمان طراز اول افغانستان اعم از مراجع و اساتید درس خارج و سطوح عالیه معرف شده اند. البته با توجه به فراوانی شخصیت های علمی در افغانستان در تلاشیم بتوانیم در ادامه مسیر تمام شخصیت های علمی و تأثیرگذار حوزه های علمیه را علی رغم دشواری ها معرفی نماییم.

همچنین به منظور معرفی حوزه های علمیه و مراکز فرهنگی فعال در افغانستان پرسش نامه ای حاوی ۳۵ سؤال حاوی اطلاعات کلی در مورد مشخصات کلی حوزه یا مرکز فرهنگی، ساختمان و معماری، تاریخچه، امکانات و خدمات به طلاب و مراجعان، برنامه های فرهنگی، برنامه های آموزشی، برنامه های پژوهشی، آموزش های کاربردی و ویژگی های بارز حوزه علمیه یا مرکز فرهنگی طراحی شده است و تلاش می شود با همکاری مسؤولان مدارس و مراکز فرهنگی این پرسش نامه ها تکمیل شده بانک اطلاعات کاملی از حوزه ها و مراکز فرهنگی فعال در افغانستان فراهم آید.

□ راه اندازی کتابخانه مجازی

یکی از بخش های فعال سایت افق اندیشه کتابخانه مجازی آن می باشد. این کتابخانه مجازی شامل کتاب های مختلف و متنوع در موضوعات تفسیر قرآن، نهج البلاغه، تاریخ اسلام، کتاب های درسی حوزه و شروح آن، عقاید و دیگر موضوع های مورد نیاز اقشار مختلف جامعه افغانستان خصوصا طلاب علوم دینی می باشد. کاربران می توانند با مراجعه به بخش کتابخانه سایت ضمن آشنایی با منابع ارائه شده، از دانلود رایگان کتاب بهره مند شوند. گفتنی است با توجه به گستره فعالیت های سایت افق اندیشه در گام نخست

منابع ضروری و مورد نیاز حوزه های علمیه در اولویت قرار گرفته است و به تدریج به تعداد و تنوع کتاب های قابل داندلود افزوده خواهد شد.

□ برگزاری مسابقه کتابخوانی

به منظور آشنایی هرچه بیشتر طلاب با سیره نبوی و ترویج فرهنگ کتاب خوانی مسابقه کتاب خوانی بر اساس کتاب سیری در سیره نبوی شهید مطهری در سطح حوزه های علمیه و به صورت مجازی برگزار شد. این مسابقه با استقبال بی نظیر شرکت کنندگان مواجه شد به گونه ای که ۶۰۰ نفر در ثبت نام اولیه این مسابقه شرکت کردند و از این میان علی رغم مشکلاتی که به ویژه در مناطق دورست در زیرساخت های فضای مجازی وجود داشت ۵۶۰ نفر موفق شدن در مسابقه شرکت نمایند. جالب توجه است که علی رغم دشواری و تعداد زیاد سؤالات تعداد ۳۳ نفر از شرکت کنندگان به تمامی سؤالات پاسخ صحیح دادند و ۱۳۵ نفر فقط یک پاسخ اشتباه داشتند. در این مسابقه کتابخوانی طلاب بیش از ۴۰ مدرسه از حوزه های علمیه افغانستان شرکت داشتند که مدارس از هرات و دایکندی بیشترین شرکت کننده و بهترین نتایج را کسب نمودند. استقبال حوزه های علمیه خواهران و شرکت طلاب خواهر در این مسابقه کتابخوانی بسیار چشم گیر و غیر قابل پیش بینی بود باتوجه به استقبال طلاب از این مسابقات در آینده هم این قبیل مسابقات تداوم خواهد داشت

ب- انتشار مجله پژوهشی

در راستای رسالت مؤسسه افق اندیشه در تقویت بنیان های علمی همگرایی و هم زیستی ملت مسلمان افغانستان مجله افق اندیشه با عنوان مجله علمی-تخصصی افق اندیشه

(پژوهش های امت اسلامی با تأکید بر افغانستان) نیز راه اندازی شده است که اولین شماره آن به خواننده محترم پیشکش می گردد.

ج- برگزاری دوره آموزشی-پژوهشی تقریب مذاهب اسلامی

این دوره به همت مؤسسه افق اندیشه و با همکاری مرکز آموزش های کوتاه مدت و فرصت های مطالعاتی جامعه المصطفی العالمیه در قم ویژه فضایی دارای مدرک دکتری و سطح ۴ برگزار شد. از میان داوطلبان پس از گذراندن مصاحبه های علمی دشوار ۸۰ نفر از طلاب نخبه افغانستانی که دارای شرایط پذیرش بودند پذیرفته شدند. این داوطلبان پس از آنکه مرحله مقدماتی دوره را به صورت غیرحضوری گذراندند در دوره اصلی شرکت نمودند و پس از شرکت در ۲۰۰ ساعت جلسات کارگاهی این دوره را به اتمام رساندند. داوطلبانی که موفق شدند با انجام فعالیت های آموزشی و پژوهشی دوره هر دو مرحله را به اتمام رسانند می توانند در دوره تکمیلی شرکت نمایند.

د- فعالیت های تبلیغی

اعزام بیش از ۴۵۰ نفر از مبلغان برجسته افغانستانی در ایام ماه محرم و ماه مبارک رمضان. این مبلغان در سطح افغانستان و در ایران در بین مهاجرین افغانستانی مشغول به تبلیغ معارف اسلامی بوده اند.

ه- برنامه های در دست اقدام

مؤسسه افق اندیشه با نگاه آینده پژوهانه، جامع، کلان و راهبردی که به وضعیت فرهنگی جامعه افغانستان دارد و با توجه به رسالت و چشم اندازی که برای خود در این راستا

ترسیم نموده است، برنامه های کوتاه مدت، میان مدت و بلند مدت را مد نظر دارد که مهمترین اولویت-های این برنامه ها عبارتند از:

۱. توسعه فعالیت های فرهنگی، تبلیغی، پژوهشی و آموزشی مؤسسه افق اندیشه در چارچوب نقشه راه و برنامه بلند مدت مؤسسه

۲. برگزاری دوره تقریب در سطح حوزه علمیه مشهد، کابل و سایر حوزه های علمیه

۳. برگزاری دوره های پژوهشی-مهارتی به صورت حضوری در حوزه های علمیه

۴. فعال سازی بخش خواهران مؤسسه افق اندیشه با ظرفیت طلاب و اساتید خواهر

۵. توسعه بخش علمی سایت به منظور پاسخ گویی به نیازهای آموزشی-پژوهشی طلاب حوزه های علمیه افغانستان

۶. بهره گیری از امکانات سایت در راستای هوشمند سازی حوزه های علمیه و توسعه زیرساخت های فناوری در سطح حوزه های علمیه

۷. راه اندازی دوره های آموزشی مهارت افزایی به صورت مجازی و هدفمند ویژه طلاب حوزه-های علمیه

۸. راه اندازی حوزه علمیه مجازی به صورت برخط(آنلاین) و برون خط(آفلاین)

فقه مقارن به مثابه راهکار وحدت در جهان اسلام با تأکید بر دیدگاه آیت الله محسنی و شیخ شلتوت

سید رضا انوری^۱

سید آصف کاظمی^۲

چکیده

تاریخ معاصر جهان اسلام با چالش‌ها و بحران‌های متعددی گریبان گیر است. رهایی از این بحران‌ها مستلزم نظریه پردازی و رفتار آگاهانه هست. مسئله وحدت و همگرایی یکی از اهداف مهم شریعت اسلامی و دستورهای عقلی است و از طرفی وحدت و همگرایی یکی از دغدغه‌های مصلحان بزرگ تاریخ به شمار می آید. هدف از پژوهش حاضر که بر اساس روش جستاری اسپریگنز تدوین شده است به بررسی راهکار ارائه شده به وسیله دو منادی بزرگ وحدت در جهان اسلام یعنی شیخ محمود شلتوت و آیت الله محمد

۱. دانش پژوه دکتری قرآن و علوم (با گرایش مدیریت) مجتمع آموزش عالی قرآن وحدیث (جامعه المصطفی العالمیه). anvari.mr09@yahoo.com (نویسنده مسئول)

۲. استادیار مدعو مجتمع آموزش عالی تاریخ، سیره و تمدن اسلامی (جامعه المصطفی العالمیه)، kazemi.asef@gmail.com

آصف محسنی است و به این پرسش پاسخ می‌دهد که آن دو شخصیت چه راهکاری برای رسیدن جهان اسلام به وحدت ارائه دادند؟ نتیجه پژوهش نشان می‌دهد که برای رسیدن به وحدت و همگرایی اسلامی ابتدا باید وضعیت موجود را فهم نموده و با شناسایی علل و موانع و ترسیم راهکار به سمت وضعیت مطلوب و آرمانی یعنی وحدت اسلامی با توجه و تقویت فقه مقارن و تطبیقی عبور کنیم. از نظر آنان مشترکات موجود فقهی در میان فرق اسلامی عامل وحدتی پایدار و ماندگار است و مسلمانان در اصول عقیدتی و بسیاری از احکام عملی اسلامی با یکدیگر اشتراک دارند.

واژگان کلیدی: وحدت اسلامی، تعصب، استعمار، اشتراک فقهی، تقلین، فقه مقارن.

مقدمه

تفرقه و واگرایی در تاریخ معاصر جهان اسلام تبدیل به بحران سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و مذهبی و مسئله پیچیده‌ای شده است. روشن است که آینده مطلوب جهان اسلام، در گرو وحدت و همگرایی جوامع اسلامی است. کشورهای اسلامی تنها در شرایطی می‌توانند به عنوان یک قطب قدرتمند در جهان آینده ایفای نقش کنند که از واگرایی‌ها به سمت همگرایی رهنمون شوند. توصیه‌ها و دستورات قرآن، پیامبر عظیم‌الشان (صلی‌الله علیه و آله) اسلام و ائمه معصومین (علیهم‌السلام)، برای درک ضرورت و اهمیت مسئله وحدت و همبستگی بسیار گویا و صریح است. از این رو خدشه نمودن به مسئله وحدت مسلمانان، از هیچ مسلمانی و با هیچ بهانه‌ای پذیرفتنی نیست. همگرایی و وحدت امت اسلامی یکی از اصول مسلم اسلامی است، ولی متأسفانه به دلایلی و تحت تأثیر عوامل بیرونی و درونی، این اصل اصیل اسلامی که در متون دینی ما بدان توصیه و تأکید فراوان شده است؛ مورد غفلت قرار گرفته است. رسیدن به وحدت و همگرایی یکی از آمال و

آرزوهای دیرین نخبگان و اندیشمندان اسلامی بوده است و فرهیختگان امت اسلام برای تحقق آن راهکارهای مؤثری ارائه داده‌اند.

بدون تردید سهم عمده وحدت و همگرایی امروز جهان اسلام متعلق به عالمان و مصلحان بزرگی است که عمر شریف و ارزشمند خود را صرف آگاهی و بیداری امت اسلامی نمودند تا در پرتو آن به شناخت و درک صحیحی از بایدها و نبایدهای منافع و مصالح جهان اسلام نائل گردند. آنان عالمان بصیر و فقیهان شجاع و مصلحان دلسوزی بودند که به‌رغم فشار ظالمان و ستمگران و طعن و تهمت‌های متحجران و کج‌اندیشان هیچ‌گاه دست از مبارزه نکشیدند و تمام‌قد در برابر آنان ایستادند تا چهره حقیقی و تابناک اسلام عزیز را به امت اسلامی معرفی نمایند. در این پژوهش تلاش داریم دیدگاه شیخ محمد شلتوت و آیت‌الله محسنی را در مورد راه‌حل رسیدن به وحدت و همگرایی موردبررسی قرار دهیم.

آیت‌الله‌العظمی محسنی از جمله منادیان وحدت و مراجع برجسته شیعیان افغانستان بود، که همواره وحدت مسلمین و همگرایی مذاهب اسلامی را در کانون توجه خود داشت. برخی معتقدند که هر شخصی یک کلیدواژه شخصیت دارد، اگر بخواهیم برای آیت‌الله محسنی کلیدواژه بیابیم آن واژه وحدت و همگرایی است. محمدآصف محسنی فرزند محمد میرزا محسنی در ۶ اردیبهشت ۱۳۱۴ در شهر قندهار به دنیا آمد. وی در سال ۱۳۳۲ به نجف رفت و در طول سه سال، دروس سطوح را به پایان رسانید. سپس به دروس خارج فقه، رجال و حدیث و اصول پرداخت و نزد سید محسن حکیم و سید ابوالقاسم خوئی و حسین حلی و سید عبدالاعلی سبزواری به شاگردی پرداخت و بعد از ۱۲ سال تحصیل در نجف به زادگاهش قندهار بازگشت و در یک مدرسه مذهبی در شهر قندهار به تدریس علوم دینی پرداخت و سپس حسینی بزرگ قندهار و مدرسه علمیه آن

شهر را بنیان نهاد. محسنی به دنبال کودتای کمونیستی هفت ثور افغانستان را ترک و به سوریه رفت و چند ماهی در شهر دمشق به تدریس علوم حوزوی پرداخت. او سپس به ایران رفت و در حمل (فروردین) ۱۳۵۸ با جمعی از روحانیان افغانستان مقیم حوزه علمیه قم، حزب حرکت اسلامی افغانستان را بنیان نهاد. با سقوط رژیم دکتر نجیب الله و حاکمیت نخستین دولت مجاهدین در کابل، وی دبیر و سخنگوی شورای رهبری دولت مجاهدین بود. پس از وقوع جنگ‌های داخلی بین گروه‌های مجاهدین، او کابل را ترک کرد و چند سالی مقیم شهر اسلام‌آباد پاکستان شد و در سال ۱۳۷۶ پاکستان را ترک نمود و مقیم شهر قم در ایران شد. او در این شهر به تدریس خارج فقه، علم الرجال و علم کلام پرداخت. بعد از سقوط حکومت طالبان، به کابل بازگشت و تا پایان عمرش در این شهر سکونت داشت. از مهم‌ترین اقدامات وی در کابل ساخت حوزه بزرگ علمیه خاتم النبیین، احداث دانشگاه خاتم النبیین، احداث شبکه تلویزیون تمدن، احداث شورای علمای شیعه افغانستان، احداث شورای اخوت اسلامی افغانستان و رسمیت مذهب جعفری در قانون اساسی افغانستان می‌باشد. (محسنی، تقریب مذاهب؛ از نظر تا عمل، ۱۷-۱۳۸۶). ایشان سرانجام پس از عمری تلاش، فعالیت و خدمات ارزنده‌ای به حوزه‌ها، در ۱۴ اسد (مرداد) ۱۳۹۸ در اثر بیماری در شهر کابل درگذشت. پیکر وی در ۱۵ اسد/مرداد ۱۳۹۸ در محوطه ساختمان حوزه علمیه خاتم‌النبیین در کابل که خود آن را بنیان نهاده بود به خاک سپرده شد.

شخصیت تقریبی دیگر شیخ محمود شلتوت، عالم بزرگ دینی مصر است که در سال ۱۳۱۰ قمری برابر با ۱۸۹۳ میلادی در یکی از بخش‌های بحیره مصر متولد شد. وی در دانشگاه اسکندریه تحصیلات خود را شروع و بعد از فراغت از تحصیل در ۲۵ سالگی به عنوان استاد در این دانشگاه شروع به تدریس کرد. شلتوت در سال ۱۹۱۹م هم‌زمان با

انقلاب مصر با نوشتن مقالات و سخنرانی با مردم همراه شد. (سلهب، ۲۰۰۸: ۲۱) وی در سال ۱۳۴۶ق به دعوت شیخ مصطفی المراغی رئیس وقت دانشگاه الازهر در این دانشگاه شروع به تدریس مشغول کرد؛ ولی بعد از کناره‌گیری المراغی از ریاست الازهر به دلیل اختلاف با دربار مصر، شلتوت نیز از تدریس در این دانشگاه کناره گرفت و به وکالت در محاکم شرعی پرداخت. شیخ شلتوت در سال ۱۳۵۵ق با بازگشت شیخ مصطفی المراغی به دانشگاه الازهر دوباره به تدریس فراخوانده شد. وی در سال ۱۳۷۷ق توسط رئیس جمهور مصر به عنوان ریاست دانشگاه الازهر برگزیده شد (احمدی، ۱۳۸۳: ۱۹-۳۰) و تا زمان وفاتش در سال ۱۳۸۳ق در قاهره در این منصب باقی ماند. (سلهب، الشیخ محمود شلتوت، ۲۰۰۸م، ص ۲۳)

۱. مفاهیم و روش تحقیق

قبل از پرداختن به فقه مقارن و نقش آن در وحدت جهان اسلام لازم است برخی از مفاهیم کلیدی، پیشینه و روش تحقیق موردبررسی و تبیین قرار گیرد.

۱-۱. جهان اسلام

مفهوم جهان اسلام در دهه‌های اخیر رواج یافته است و مرکب از دو واژه «جهان» و «اسلام» است که به تدریج در ترکیب‌های گوناگون و با کاربردهای گوناگون به کار رفته است. به مجموعه‌ای از کشورها با ویژگی‌های اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی خاص که مشخصه اصلی و مشترک اعضای یک کلیت در قرن اخیر است، واژه جهان اطلاق گردیده است. اصطلاح جهان اسلام، اول‌بار در سال ۱۹۰۶ مطرح شد و قبل از آن جغرافی‌دانان اسلامی از اصطلاح سرزمین‌های اسلامی، مملکت اسلامی و بلاد اسلامی استفاده می‌کردند. (مؤمنی، ۱۳۸۶: ۱-۳)

ملاک و معیارهای متفاوتی را می‌توان برای تعریف جهان اسلام در نظر گرفت و ارائه یک معیار و شاخص فراگیر برای تعریف این مفهوم، امکان‌پذیر نیست. اندیشمندان معیار جمعیت (اسعدی، ۱۳۶۶، ۱: اول)، معیار عضویت در سازمان همکاری اسلامی (گلی زواره، ۱۳۷۲: ۶۱) و معیارهای فرهنگی (مستوفی‌المالکی، ۱۳۸۲: ۱۵) را در تعریف این مفهوم در نظر گرفتند. معیار فرهنگی در تعریف این مفهوم از اهمیت و کثرت بیشتری برخوردار است. راینهارد شولتسه مفهوم جهان اسلام را به مثابه «سرزمین فرهنگی» با ویژگی‌های قومی یاد کنند. (شولتسه، ۱۳۸۹: ۱) به‌طور خلاصه از چهار رویکرد عمده برای تعریف جهان اسلام می‌توان یاد کرد: ۱. رویکرد بین‌المللی و دولت-ملت محور، شامل کشورهای عضو سازمان همکاری اسلامی؛ ۲. رویکرد کشور محور، یعنی کشورهایی که دارای اکثریت جمعیت مسلمان هستند؛ ۳. رویکرد جمعیت محور، شامل جمعیت مسلمانان در هر نقطه‌ای از کره زمین ۴. رویکرد امت محور.

از آنجایی که این مفهوم تاکنون تغییر و تحول زیادی یافته است و امروزه نمی‌توان معیار دولت، ملت و امت را از تعریف این مفهوم حذف کرد، زیرا دو مفهوم دولت و ملت از عناصر کلیدی جهان امروز و عنصر امت نیز پیشینه تاریخی این مفهوم را تشکیل می‌دهد که مفاهیم مانند «دارالاسلام» نشانگر آن است. از این رو می‌توان گفت جهان اسلام عبارت است از مجموعه‌ای از گروه‌ها و کشورهایی که ویژگی‌های اقتصادی، اجتماعی، سیاسی، تمدنی، تاریخی و فرهنگی خاص، آنان را به‌عنوان یک کل پیوسته باهم مرتبط می‌سازند و از طریق گسترش همان ویژگی‌ها، پابندی و ارتباط خود را حفظ و در جهت یکپارچگی آن تلاش می‌کنند.

۱-۲. وحدت اسلامی

وحدت و همگرایی از مفاهیمی است که در گرایش‌های علمی مختلف قابل مطالعه است. وحدت اسلامی یکبار ناظر به اتحاد جهان اسلام است و یکبار به عنوان یک امر دینی برگرفته از کتاب و سنت به عنوان وظیفه و دینی در راستای دستیابی به دستورات الهی بر آن تأکید شده است. وحدت اسلامی عبارت است از اینکه فرق اسلامی یکدیگر را به طور صحیح بشناسند از تفکر و اعتقادات هم آگاهی و اطلاع داشته باشند و از نزاعی که قرآن کریم از آن ما را نهی کرده است (سوره انفال، آیه ۴۶) دوری گیریم و برای حفظ، دفاع و گسترش کیان ساحت مقدس قرآن، اصول ثابت، مشترکات اسلامی و امت یکپارچه و کلیت جهان اسلام هم‌نوایی و هم‌صدایی داشته باشند (صادقی اردستانی، بیتا، ۵۰۲) شاید وحدت اسلامی معادل مفهوم همگرایی^۳ باشد که فرایند و شرایطی است که در آن، سازمان‌های اجتماعی، اقتصادی، سیاسی، امنیتی و دستگاه‌های ارتباطی واحدهای مختلف، با حذف عوامل اختلافی و تعصب برانگیز به نفع اهداف جمعی و منافع مشترک، به گونه‌ای به هم نزدیک می‌گردند که نظام جدیدی از روابط، جایگزین نظام پیشین می‌گردد. (سیف زاده، ۱۳۸۴: ۱۹۲)

آیت‌الله محسنی همگرایی و وحدت اسلامی را این گونه تعریف نموده است: «تقریب یعنی همکاری در ترویج و حفظ مشترکات دینی که بسیار زیاد است؛ و معذور داشتن همدیگر در اختلافات، روی اصل: للمصیب اجران و للمخطیء اجرٌ واحد و برادری و دوستی روی اصل انما المؤمنون اخوه، در زندگانی اخلاقی، اجتماعی، سیاسی و بالاخره عدم توهین به پیشوایان و اصول مذهبی سایر اهل مذاهب اسلامی». (محسنی، ۱۳۸۶:

۱۰۳، ۱۰۷) از نظر ایشان «معنای وحدت اسلامی در بعد نظری، همکاری کردن در مشترکات دینی است که زیاد هم هستند. در بعد عملی، توهین نکردن به مذهب دیگری، نشکستن غرور طرف و بدگویی نکردن به رهبران مذهبی آنها مهم است». (همان، ۶۳)

شیخ محمود شلتوت وحدت اسلامی را این گونه تعریف می‌کند: «برادری دینی بین قلوب مسلمین پیوند برقرار می‌کند و آنها را همچون خانواده ای واحد می‌سازد. مسلمان از خوشحالی مسلمان، خوشحال و از ناراحتی او ناراحت می‌شود. هنگامی که گمراه شد او را هدایت و هنگامی که اغفال شد او را ارشاد و هنگامی که ضعیف شد به او رحم می‌کند؛ و در یک جمله، آن گونه که برای خود می‌پسندد با او رفتار می‌کند.» (شلتوت، ۱۹۵۹: ۴۴۵)

۳-۱. فقه مقارن

فقه مقارن نیز مانند دیگر مفاهیم دارای تعریف جامع نیست ولی در یک تعریف نسبتاً جامع باید گفت: فقه مقارن یا فقه تطبیقی که مرحله تکامل یافته علم الخلاف است، به دانشی اطلاق می‌گردد که در آن، آراء تمامی عالمان مذاهب، ملاحظه شده و آنگاه برترین آنها بدون تعصبات فرقه‌ای گزینش می‌گردد. در تبیین نکته فوق باید گفت فقه مقارن از بدو پیدایش تاکنون اشکال و مراحل گوناگونی را گذرانده است که به تبع هر تغییر و تحولی تعریف خاصی برای آن ذکر شده است. این تعریف مورد قبول بسیاری از عالمان بزرگی نظیر شیخ محمود شلتوت، محمد مدنی قرار گرفته است و فقه مقارن از سال ۱۹۳۶ م بر اساس روش فوق در دانشگاه الازهر مصر تدریس می‌شود (بی‌آزار شیرازی، ۱۳۸۵: ۱۵۰ برای اطلاع بیشتر رک: حسینی رودباری، ۱۳۹۲، ۵۲-۷۷؛ جناتی، ۱۳۷۴)

به گواهی گزاره‌های تاریخی، شخصیت‌های زیادی در طول تاریخ تاکنون نقش فراوانی در تکامل فقه مقارن داشته‌اند که در رأس آنان باید از شخصیت‌های بزرگ جهان اسلام نظیر امامین صادقین (ع) نام برد. در این زمینه سخن امام ابوحنیفه به‌خوبی گویای این مطلب است آنجا که می‌گوید: «فقیه‌تر از جعفر بن محمد ندیدم؛ زیرا منصور خلیفه عباسی از من خواست مسائل مشکلی را برای پرسش از او تهیه کنم. من ۴۰ مسئله معروف فراهم کردم و نزد منصور رفتم که در حیره بود، جعفر بن محمد را دیدم که در سمت راست خلیفه نشسته بود. مسائل را یک‌به‌یک مطرح کردم و او جواب می‌داد و می‌گفت شما در این مسئله چنین می‌گویید و اهل مدینه چنان می‌گویند و ما نیز چنین می‌گوییم، چه بسا از ما تبعیت کنند و چه بسا از آنان تبعیت کنند و چه بسا هردو مکتب با ما مخالفت نمایند تا اینکه هر ۴۰ مسئله تمام شد، آنگاه ابوحنیفه گفت آیا چنین نیست که دانشمندترین مردم عالم‌ترین آن‌ها به اختلاف مردم است» (بی‌آزار شیرازی، ۱۳۸۵: ۱۴۰، به نقل از: مناقب ابوحنیفه موفق، ج ۱، ص ۱۷۳).

رهبران و امامان دیگر مذاهب نیز هریک به‌گونه‌ای در تکامل و گسترش این دانش نقش وافر داشتند. دلیل این امر آثار و سیره آنان است که اغلب آنان تقلید و تعصب بر مذهب خاصی را برننافته و از پیروانشان می‌خواستند که به ادله آنان و ادله سایر مذاهب در احکام شرعی نگریسته و بعد از مقایسه آنان با یکدیگر گفتار احسن را برگزینند و در این راستا چه بسا حنفی قول مالکی و حنبلی قول شافعی را می‌گویند. در اینجا به‌عنوان نمونه گفتار برخی از رهبران و عالمان مذاهب اسلامی را که فقه مقارن و جستجوی منابع ادله و اقوال را تنها راه رسیدن به قول حق و صواب می‌دیدند، بیان می‌کنیم: ابوحنیفه می‌گوید: «جایز نیست کسی بدون آنکه منابع و ادله فتاوی ما را بداند، آن‌ها را بپذیرد» ایشان به ابویوسف می‌گوید: «ای یعقوب در برداشت و رفتار ما دقت کن که از کجا آن را به دست آورده‌ایم؛

زیرا ما انسان هستیم امروز سخنی می‌گوییم و فردا از آن عدول می‌کنیم». (حسینی رودباری، ۱۳۹۲: ۵۲-۷۷)

۴-۱. روش بحران اسپریگنز

روش بحران اسپریگنز که در این تحقیق از آن استفاده خواهد شد یکی از روش‌های انتقادی به حساب می‌آید. روش‌های انتقادی از دهه ۱۹۸۰ به بعد مطرح گردید. این اصطلاح حداقل به دو معنا مورد استفاده قرار می‌گیرد: معنای خاص که شامل دیدگاه‌های متأثر از مکتب انتقادی فرانکفورت و دیدگاه آنتونیو گرامشی می‌گردد و معنای عام، که شامل طیفی گسترده از دیدگاه‌های انتقادی که در مقابل جریان اصلی قرار می‌گیرد و خواستار تغییر وضع موجود است و شامل دیدگاه‌های انتقادی خاص متأثر از مکتب فرانکفورت، پساتجددگرایی و پساساختارگرایی و دیدگاه‌های مارکسیستی و نو مارکسیستی را در بر می‌گیرد. در این معنا نظریه انتقادی تلاشی میان‌رشته‌ای تلقی می‌گردد که علم سیاست، روابط بین‌الملل، جامعه‌شناسی، تاریخ، روانشناسی و سایر رشته‌ها را ترکیب می‌کند تا نظریه متفاوت، بدیل و برداشت واقع‌گرایانه ارائه کند. (مشیرزاده، ۱۳۸۹: ۲۱۴-۲۱۳)

روش بحران اسپریگنز در واقع راه فهم اندیشه سیاسی را آموزش می‌دهد و قائل به بهره‌گیری از روش‌های تاریخی، فلسفی و انسان‌شناسی در مطالعه علوم سیاسی است. (اسپریگنز، ۱۳۷۰: ۳۰ - ۲۲) از دید وی، هدف نظریه‌های سیاسی، آماده ساختن بینشی از جامعه سیاسی با نگاهی انتقادی به منظور درک و فهم‌پذیر شدن آن و رفع نارسایی‌ها و کاستی‌های آن و بازگرداندن سلامت به جامعه از طریق مواجهه باریشه‌های بی‌نظمی و

غلبه بر آن‌هاست. (همان، ۳۰-۲۲) نظریه بحران دارای چهار مرحله مشاهده و شناسایی مشکل، علل مشکل، جامعه آرمانی و ارائه راهکار است. (همان، ۴۳، ۱۸۱ و ۲۳۵)

۲. فقه مقارن و مسئله وحدت در جهان اسلام

روش جستاری بحران اسپریگنز در چهار مرحله تحلیل وضع موجود، شناسایی علل وضع موجود، جامعه و آرمانی و برنامه اقدام و عملی تدوین می‌گردد که تلاش می‌گردد چهار مرحله مذکور به‌ویژه برنامه اقدام و راهکار وحدت و همگرایی اسلامی موردبررسی قرار گیرد.

۱.۲. وضعیت موجود وحدت و همگرایی در جهان اسلام

اولین مرحله روش بحران به این پرسش می‌پردازد که هم‌اکنون همگرایی در جهان اسلام در چه وضعیتی قرار دارد؟ ازاین‌رو باید وضعیت امروزی همگرایی موردبررسی قرار گیرد. درواقع حرکت اول برای حل مشکل، فهم مشکل است. ما باید درک کنیم که در چه شرایطی قرار داریم و مشکلات و چالش‌های ما کدام است؟ به‌وضوح شاهدیم که جهان اسلام، طی دو سده اخیر و به‌ویژه در چند دهه گذشته، با بحران واگرایی و تفرقه فزاینده‌ای روبه‌رو است.

وضعیت کنونی و بحرانی تفرقه و واگرایی در جهان اسلام مسئله‌ای نیست که بر کسی پوشیده باشد. ازاین‌رو به‌صورت اجمالی در پاسخ به پرسش اول اسپریگنز باید گفت که یکی از برجسته‌ترین ویژگی کنونی جهان اسلام، واگرایی و تفرقه است (میرترابی، ۱۳۹۰: ۲۸۴) و به قول شهید صدر: «امروز وضع مسلمانان تقریباً نقطه مقابل فواید تعالیم مقدس است». (ایرانی، ۱۳۸۸: ۷۰) جهان اسلام در این دوره وضعیت سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و روانی مناسب در نظام بین‌الملل ندارد. احساس انزوا، سرکوب، عصبانیت و ناامیدی

ویژگی‌های جهان اسلام هست. از نظر اقتصادی و سیاسی اغلب کشورهای اسلامی فاقد استقلال بوده و وابستگی شدید سیاسی و اقتصادی به دنیای غرب دارند. (قربانی شیخ‌نشین و سیمبر، ۱۳۹۰: ۱۲۲؛ ولی پور زرومی، ۱۳۸۱: ۳۴۶) وضعیت اجتماعی مسلمانان نیز در جایگاه خوبی قرار ندارد. از نظر اجتماعی امروزه هفت نفر از هر ده نفر افرادی که به دنبال پناهندگی هستند، از کشورهای اسلامی هستند. مشکلات اجتماعی، سیاسی و اقتصادی منازعات کشمیر، چین، فلسطین، افغانستان را نیز به این مشکلات باید افزود. از نگاه اقتصادی نیز دلارهای نفتی کشورهای اسلامی که دنیای اسلام به آن امید بسته بود، نه تنها مسئله پیشرفت کشورهای اسلامی را حل نکرد بلکه در بانک‌های اروپایی و آمریکایی واریز شده و روزبه‌روز بر فقر بسیاری از کشورهای اسلامی افزود. (قربانی شیخ‌نشین و سیمبر، ۱۳۹۰: ۱۲۳-۱۲۵)

وضعیت کنونی جهان اسلام را، منادی تقریب و فقیه روشن‌ضمیر آیت‌الله محسنی در تحلیل و گفتاری بسیار گویا بیان داشته است. ایشان معتقد است وضعیت امروزی به‌راستی آزاردهنده و تکان‌دهنده و اسف‌انگیز است. جهل، عصیت‌های قوی، نژادی و بی‌اعتمادی در بین مسلمانان بی‌داد می‌کند. به فرموده آیت‌الله محسنی: «وضع امروزی ما واقعاً اسفناک و حتی گریه‌آور است». (محسنی، ۱۳۷۱: ۱۹۵) ما باهم اختلاف داریم، ولی این اختلاف‌ها باید به دشمنی منجر گردد؟ آیا لازم است که جنگ به خاطر این اختلافات ادامه پیدا کند؟ در فقه، اختلافات وجود دارد، ولی این‌ها باعث تکفیر نمی‌شوند. (محسنی، ۱۳۸۶: ۲۲) ایشان در ادامه می‌نویسد: در تمام علوم انسانی، اختلاف‌نظر میان دانشمندان وجود دارد و همین تفاوت فکری، اختلاف علمی را نیز به دنبال دارد و هیچ‌گاه از زندگانی بشر جدا نخواهد شد. پس چرا اختلافات شیعه و سنی موجب دشمنی و دوری می‌گردد؟ آیا این از وسوسه‌های دشمنان اسلام نیست؟ (همان: ۵۳)

از دیدگاه ایشان در کشورهای اسلامی استبداد و اختناق و زورگویی حکم فرما است و آزادی و عدالت وجود ندارد لذا حکومت‌ها پایگاه مردمی ندارند و فاصله بین توده‌های مردم و طبقات حاکمه بسیار زیاد است، قهراً دولتمردان به قدرت‌های خارجی وابسته‌اند و نتیجه طبیعی آن این است که اجراءات نان در راستای خواسته‌های خارجی‌ان صورت می‌گیرد و این دولت‌ها بهترین کانال‌هایی برای تطبیق افکار الحادی غرب و شرق هستند و امروز جهان اسلام از این راه ضربات سخت متوالی را متحمل می‌شود که با ادامه وضع موجود هیچ تحول مثبتی در زندگانی اجتماعی و سیاسی و اقتصادی مسلمانان رخ نخواهد داد بلکه اوضاع رو به وخامت بیشتری می‌گراید و آینده ما تاریک‌تر از گذشته و حاضر سیاه ما به نظر می‌رسد. (محسنی، ۱۳۷۱: ۱۹۶-۱۹۷)

ایشان می‌نویسد: «ما در دنیای امروزی آبرو نداریم، استقلال واقعی نداریم در دام استعمار و استثمار قدرت‌های ملحد جهان سقوط کرده‌ایم، منابع خدادادی ما در اختیار ما و استفاده ما نیست و همه چیز ما برای دیگران است. زمامداران ما نوکران ابرقدرت‌ها هستند. در کشورهای ما آزادی و عدالت اجتماعی و کرامت انسانی وجود ندارد، ما بی‌خبر از همه چیز به جان هم افتاده‌ایم، اختلافات مذهبی و سیاسی و محلی و کشوری ما از حدود عقلایی خود گذشته است و ما واقعاً ذلیل و زبون شده‌ایم. اسلام از زندگانی ما دور شده است و حتی در بسیاری از کشورها نزدیک است رخت سفر بربندد و از سرحدات و مرزها (نعوذبالله) خارج گردد». (محسنی، ۱۴۱۱، ۱: ۲۰) به‌راستی اگر رابطه مسلمانان دنیا با محبت و صمیمی می‌بود و ما علی‌رغم اختلاف نژاد و زبان و ملیت و مذهب با هم برادر و خواهر و مهربان می‌بودیم و در برابر همدیگر احساس مسئولیت می‌داشتیم آیا وضع جهان اسلام از وضع ذلت‌بار امروزی ما به مراتب بهتر نبود؟ (محسنی، ۱۳۷۴، ۲: ۸۷)

۲,۲. دلایل و موانع وحدت و همگرایی در جهان اسلام

مرحله مهم دوم از روش جستاری اسپریگنز، تشخیص علل نابسامانی و بی‌نظمی است. مرحله تشخیص علل مسئله تا حدودی از مشاهده بی‌نظمی نشئت می‌گیرد زیرا مشاهده بی‌نظمی علائم مرض‌های را نشان می‌دهد که علل آن‌ها مورد مطالعه است. با وجود این، نتایج مرحله تشخیص در ابتدا روشن نیست زیرا صرف مشخص کردن علائم ورشکستگی، علل آن را توضیح نمی‌دهد. در این مرحله پاسخ به سؤال‌های زیر که چه چیز خراب است؟ علل درد چیست؟ آیا مشکل ریشه سیاسی، شخصی یا اجتماعی دارد؟ علل طبیعی است و یا مصنوعی؟ دارای اهمیت فراوان هستند. (اسپریگنز، ۴۱) البته ناگفته پیداست که مرحله تشخیص موضوع مرحله مشکلی است و این مرحله می‌تواند سرچشمه جدایی مکاتب مختلف باشد؛ زیرا اگر علل مسئله اساسی، عام و قراردادی نباشد راه‌حل نیز نمی‌تواند به‌درستی طرح گردد و نمی‌تواند منطقاً مسئله را از میان بردارد. (همان، ۸۱) نظریه‌پرداز اگر در این مرحله‌ای از جستار، خطا کند به‌جای سبک کردن مشکلات به آن‌ها می‌افزاید. از طرف دیگر، اگر به‌غلط بعضی مشکلات را که قابل حل نیستند قابل حل تشخیص دهد، پیروان نظریه خود را به دنبال غیرممکن فرستاده است. (اسپریگنز، ۹۰)

وقتی علل نابسامانی جهان اسلام که واگرایی مهم‌ترین آن است را مورد مطالعه قرار می‌دهیم درمی‌یابیم که این دیدگاه عوامل تاریخی را مهم‌ترین عوامل و علل واگرایی می‌داند. دشمنان به‌ویژه استعمار نیز پیوسته کوشیدند تا در راه تحقق همگرایی در جهان اسلام مانع ایجاد نمایند. روشن است که مهم‌ترین علت واگرایی جهان اسلام از خارج مرزهای اسلامی هدایت می‌گردد و اراده بیگانگان مشهود و معلوم است؛ اما این تنها علت واگرایی نیست بلکه مسئله به‌گونه‌ای رشد کرده که در بسیاری مواقع نیاز به حضور دشمنان نبوده است و واگرایی از درون جوامع اسلامی ظهور کرده و در داخل مرزهای

اسلام، کسانی به تفرقه‌افکنی و ایجاد شکاف در صفوف مسلمین پرداخته‌اند. از این رو، تهاجم گسترده غرب به جهان اسلام بازتاب‌های گوناگونی را در پی داشت. و دارد علل بیرونی و اگرایی و نابسامانی در جهان اسلام، استعمار و سیاست‌های کشورهای سلطه‌گر است. استعمارگران برای واگرایی و به حاشیه راندن همگرایی در جهان اسلام، سیاست‌های مختلفی در پیش گرفته‌اند که هر کدام سهمی به دامن زدن در واگرایی اسلامی داشته است. (برای اطلاع بیشتر رک: کاظمی، ۱۳۹۳، ۱۳۹۴ و ۱۳۹۹) البته علل درونی و اگرایی در جهان اسلام کم‌اهمیت نیستند، بلکه بخشی مهم نابسامانی، علل درونی دارند. بازیگران داخلی و عامل سیاست‌های استکبار بوده و با وام گرفتن از تجربه تاریخی غرب و به کمک آنان منازعات مذهبی و تاریخی اسلامی را برجسته می‌سازند و تلاش دارند مؤلفه‌های وحدت‌بخش در جهان اسلام را به چالش کشیده و به حاشیه ببرند. آنان با مطرح ساختن اختلافات مذهبی و تاریخی و ترکیب آن‌ها و به‌کارگیری آن مفاهیم عملاً در پی سیاست‌های خویش در جهان اسلام هستند. (کاظمی، ۱۳۹۴) عصبیت‌های مذهبی نابجا نسبت به مذاهب (صفوی، ۱۳۸۷: ۴۱) چهل و نسبت‌های ناروا (صفوی، ۱۳۸۷: ۴۱)، اختلافات و نزاع‌های مذهبی بی‌پایان و بی‌فایده، حاکمیت دولت‌های خودکامه و استبداد داخلی در کشورهای اسلامی (ولایتی و سعیدمحمدی، ۱۳۸۹: ۱۶۸-۱۶۹)، وجود ناهمگونی در نظام‌های حکومتی و ساختارهای سیاسی کشورهای اسلامی، عصبیت‌های قومی و جنبه‌های ناسیونالیستی و ملی‌گرایی افراطی، جدایی دین از سیاست، بحران مشروعیت در جهان اسلام (موثقی، ۱۳۷۸: ۷۴-۱۰۱) از مهم‌ترین علل درونی و اگرایی هستند که بسیاری از کشورهای اسلامی به دام آن افتادند که حاصل آن تفرقه و واگرایی بوده است. (همان، ص ۱۷۲)

در مرحله دوم بر اساس تحلیل‌های مذکور یک «سناریوی محتمل» تدوین می‌گردد که سیمای آینده مسئله را به صورت تداوم شرایط کنونی و بدون هیچ تغییر عمده‌ای در جهت‌گیری‌ها نمایش خواهد داد. این مرحله از چشم‌انداز، پاسخ به پرسش به کجا می‌رویم؟ است و بیانیه روند نیز خوانده می‌شود. در پاسخ این پرسش باید گفت که اگر نخبگان جهان اسلام نتواند چشم‌انداز آینده اسلامی را درست ترسیم کنند و یا جامعه اسلامی در عملیاتی ساختن آینده تصویر شده کوتاهی نمایند، سرنوشت دنیای اسلام بسیار مبهم و غبارآلود خواهد بود. چالش بزرگ جهان اسلام از دیرباز تاکنون، همواره مسئله عدم وحدت و فقدان راهبری مشخص در امور جهانی و تعاملات درون دستگاهی بوده است. این روند در آینده نیز اگر این وضعیت کنترل نشود سبب گسترش پیچیدگی‌های درونی، بزرگنمایی اختلافات در میان کشورهای اسلامی و به ویژه سوءاستفاده‌های فراوان سایر قدرت‌ها در دامن زدن به تهدیدات و چالش‌های ساختگی باهدف غارت منابع گوناگون و سلطه بر جهان اسلام خواهد شد. متأسفانه دشمنان اسلام با استفاده از عوامل خود در جهان اسلام از یکسو و با بهره‌برداری از جهل و تعصب و خودخواهی برخی از عناصر تأثیرگذار سیاسی و مذهبی در میان جوامع اسلامی، توانسته‌اند اختلاف جزئی فکری و اعتقادی میان مذاهب را که بسیار طبیعی است و لازمه تفکر اجتهادی در میان مذاهب و صاحب‌نظران اسلامی است را به دشمنی و خشونت و تکفیر و جنگ و خونریزی بین مسلمین تبدیل کنند، به حدی که برخی از این جریان‌ها از هرگونه گفت‌وگوی علمی و هرگونه تلاش برای صلح و دوستی و هرگونه اقدام برای تقریب و نزدیک کردن دیدگاه‌ها امتناع می‌ورزند. این وضعیت کشتار، جنگ، تفرقه، کینه‌ورزی،

عقب‌ماندگی، ویرانی و آوارگی را در دهه‌های اخیر برای جهان اسلام به ارمغان آورده است که برآمده از جهل، تعصب و نتیجه سیاست‌های خصمانه و استعماری قدرت‌های غربی است. برخی از کشورهای اسلامی نظیر عربستان سعودی از طریق هزینه گزاف دلارهای نفتی و با انتشار ارزش‌های مذهبی وهابی و سلفی، اقدام به جنگ‌های فرقه‌ای، نیابتی و ساختگی میان نموده و تاکنون نقش تخریبی گسترده‌ای در زمینه واگرایی ایفا کرده است. عربستان از دیپلماسی نفتی برای این امر و ترویج وهابی‌گری استفاده می‌کند. (هانتر، ۱۳۸۰: ۱۷۴ و ۲۵۶)

آیت‌الله محسنی برخوردار شیعه و سنی را «جنگ در تاریکی» می‌داند و معتقد است نه جنگ راه‌حل است و نه حذف و نابودی فیزیکی افراد، نه محو مذاهب و عقیده و اندیشه، نه سنی ساختن شیعه و نه شیعه ساختن سنی، نه ادغام مذاهب و نه دست کشیدن از مذهب، نه دامن زدن به اختلاف و نه قطع رابطه و بستن مرزها و روابط دوستانه با یکدیگر و نه در هیچ چیز دیگری از این قبیل. (جوادی غزنوی، ۱۳۸۷: ۲۸۵ نقل از شیعه و سنی چه فرقی دارند؟) ایشان منشأ عمده اختلافات موجود در میان مسلمانان جهان و یا حداقل، دور شدن آنان از همدیگر چهار نوع است: نژادی، مانند عرب، ترک، فارس و ...؛ سیاسی، مانند ایرانی، پاکستانی، ترکی، افغانی، مصری ... که می‌شود این نوع را به اختلاف ناسیونالیستی و ملی‌گرایی نام‌گذاری نمود؛ این نوع اختلاف قومی و قبیله‌ای که در بسیار از کشورهای اسلامی مشهود است؛ مذهبی. نوع اول و سوم مهار شدنی است و می‌شود از آن جلوگیری نمود. راه علاج دوم مبارزه پیگیر برای از بین بردن حکومت‌های غیر اسلامی و حتی ضد اسلامی موجود است. باوجود این نوع حکومت‌ها، مسلمانان هیچ‌گاه روی خوشبختی را نخواهند دید. (محسنی، ۱۳۸۶: ۳۳-۳۴) این‌گونه دولت‌ها به‌طور خلاصه در چند مورد اثر سوء دارد: استثمار دولت‌های کوچک؛ ایجاد عداوت و حداقل

دوری بی مورد میان مسلمانان جهان به عناوین واهی که برادران دین همدیگرند؛ جلوگیری از همکاری نیروهای سازنده و در نتیجه عقب ماندگی جهان اسلام؛ به وجود آمدن دولت های فاسد، نااهل بی کفایت و ستمگر در جوامع اسلامی؛ وقوع جنگ ها و خونریزی ها بین مسلمانان به عناوین احمقانه که مکرراً شاهد آن هستیم. (همان: ۳۴-۳۵)

ایشان معتقد است که «همکاری و گفتگوهای مثبت با مذاهب اسلامی در شرایط واجب است چه به عنوان حکم اولی و چه به عنوان حکم ثانوی؛ زیرا در غیر این صورت اگر وضعیت به سمت خشونت و تفرقه پیش رود ضرر آن چند برابر خواهد بود». (همان: ۱۹، ۲۶، ۷۴)

بنابراین، در صورت ادامه یافتن این روند وضعیت کنونی هیچ گاه ما را به همگرایی و تقریب نخواهد رساند بلکه روزه روز زمینه های واگرایی در جهان اسلام بیشتر می گردد.

۳،۲. وحدت و همگرایی اسلامی به مثابه وضعیت مطلوب و آرمانی

بازسازی ذهنی و جامعه آرمانی و مطلوب یکی دیگر از مراحل روش اسپریگنز است. از این رو باید گفت که اگر نخبگان جهان اسلام نتوانند آرمان شهر همگرایی را درست ترسیم نکنند و یا جامعه اسلامی در عملیاتی ساختن آینده تصویر شده، کوتاهی نمایند، سرنوشت دنیای اسلام بسیار مبهم و غبار آلود خواهد بود و سبب گسترش پیچیدگی های درونی، بزرگنمایی اختلافات بیشتر میان کشورهای اسلامی گردیده و موجب سوء استفاده های فراوان سایر قدرت ها در دامن زدن به تهدیدات و چالش های ساختگی باهدف غارت منابع گوناگون و سلطه بر جهان اسلام خواهد شد.

آرمان‌شهر، جامعه آرمانی و چشم‌انداز مطلوب مسلمانان در کوتاه‌مدت و وحدت اسلامی و در درازمدت «امت واحده اسلامی» است که وعده و خواست قرآن کریم است.^۵ از این رو بسیاری از متفکران اسلامی، همگرایی و وحدت اسلامی را زمینه‌ساز جامعه مطلوب در نظر می‌گیرند. مفهوم وحدت و همگرایی و همچنین دعوت به آن در جهان اسلام همواره به‌عنوان موضوعی ایدئال برای روشنفکران و اندیشمندان اسلامی برای رسیدن به امت واحده اسلامی، مطرح بوده است. در تاریخ معاصر نیز مهم‌ترین تلاش‌های مصلحان اجتماعی و طلایه‌داران همگرایی، وحدت و همگرایی در جهان اسلام برای رسیدن به امت اسلامی بوده است. (فوزی تویسرکانی، ۱۳۷۷: ۲۲)

به باور لمبتون، امت در قلب اندیشه و آموزه سیاسی اسلام جای دارد که صرفاً رشته‌های ایمانی آنان را پیوند می‌زنند مرزهای دیگر از دیدگاه اسلام اعتبار نداشته و نهادهای داخلی امت هم بر اساس ایمان دینی مشترک استوار است. (لمبتون، ۱۳۷۴: ۵۴) مفهوم امت در نظام اسلامی جنبه ماوراء ملی دارند و دارای ویژگی‌های خاصی مانند یگانگی^۶، میانه‌روی^۷، برادری^۸، ممتازی^۹ و ... است. از نظر اسلام «امت» مهم‌ترین ملاک تقسیم‌بندی جوامع بشری است. (جوان آراسته، ۱۳۷۹: ۱۶۱)

^۵ إِنَّ هَذِهِ أُمَّتُكُمْ أُمَّةً وَاحِدَةً وَأَنَا رَبُّكُمْ فَاعْبُدُونِ. سوره انبیا، آیه ۹۲ و سوره مؤمنون، آیه ۵۲.

^۶ إِنَّ هَذِهِ أُمَّتُكُمْ أُمَّةً وَاحِدَةً وَأَنَا رَبُّكُمْ فَاعْبُدُونِ. سوره انبیا، آیه ۹۲ و سوره مؤمنون، آیه ۵۲.

^۷ وَكَذَلِكَ جَعَلْنَاكُمْ أُمَّةً وَسَطًا لِتَكُونُوا شُهَدَاءَ عَلَى النَّاسِ وَيَكُونَ الرَّسُولُ عَلَيْكُمْ شَهِيدًا. سوره بقره، آیه ۱۴۳.

^۸ إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ إِخْوَةٌ فَأَصْلَحُوا بَيْنَ أَخَوَيْكُمْ وَاتَّقُوا اللَّهَ لَعَلَّكُمْ تُرْحَمُونَ. سوره حجرات، آیه ۱۰.

^۹ كُنْتُمْ خَيْرَ أُمَّةٍ أُخْرِجَتْ لِلنَّاسِ تَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَتَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَتُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ. سوره آل عمران، آیه ۱۱۰.

این گام هسته‌ی مرکزی فرآیند چشم‌انداز سازی است که هدف تدوین چشم‌انداز، چیزی است که آرمان و آرزوی ماست و می‌خواهیم در آینده به آن دست‌یابیم. در این گام بر اساس «سناریوی محتمل» که در مرحله قبلی گذشت یک «سناریوی مرجع» تدوین می‌گردد. مطالعه این مرحله پاسخ به این پرسش است که کجا می‌خواهیم باشیم؟ درواقع در این مرحله بیانیه چشم‌انداز مورد بررسی قرار می‌گیرد.

آرمان و سناریوی مرجع در جهان اسلام می‌تواند «تقریب»، «همگرایی اسلامی» و «امت واحده اسلامی» باشد. همان‌طوری که گذشت همگرایی یعنی وجود روحیه برادری دینی و همکاری و تعاون پیروان مذاهب اسلامی بر اساس اصول مشترک اسلامی و اتخاذ موضع واحد برای تحقق اهداف و مصالح عالیه امت اسلامی و موضع‌گیری واحد در برابر دشمنان اسلام و احترام به التزام قلبی و عملی هر یک از مسلمانان به مذهب خود. (تسخیری، ۱۳۸۳ همان) بیانیه چشم‌انداز و سناریوی مرجع می‌تواند امت اسلامی باشد. مفهوم «امت» مفهومی عقیدتی است و به مجموعه‌ای از انسان‌ها اطلاق می‌گردد که هدف و مقصد واحدی آنان را گرد هم جمع نموده باشد. مرز میان «امت‌ها» مرز عقیدتی است. همه آنان که بر محور توحید، نبوت و معاد متمرکز گشته‌اند، امت واحده اسلامی را تشکیل می‌دهند. از نظر اسلام «امت» مهم‌ترین ملاک تقسیم‌بندی جوامع بشری است. (جوان آراسته، ۱۳۷۹: ۱۶۱) از منظر و دیدگاه پژوهشگر برتر جهان اسلام و از منادیان تقریب آیت الله محسنی، آینده تصویر شده نه همگرایی و تقریب و نه زندگی مسالمت‌آمیز، بلکه زندگی مؤمنانه و برادرانه شیعه و سنی است که قرآن از آن یاد می‌کند. (حجرات، ۱۰) ایشان در این زمینه معتقد است: ایذا و رنجاندن مؤمن حرام است (احزاب ۵۹) و مراد از

مؤمن به حکم اصالت الاطلاق، مطلق است که حکم اسلام و ایمان بر آن شده است و لفظ مؤمن در زمان وحی عمومیت داشته است. (محسنی، ۱۳۸۷، ج ۱: ۳۴) از طرفی تمام خطاب‌های قرآن «یا ایها الذین آمنوا»، «قد افلح المؤمنون» همه مذاهب را شامل می‌گردد و ایمان به خدا و پیامبر را شامل می‌شود. لذا آنان مؤمن هستند و ما نیز مؤمن هستیم. (محسنی، ۱۳۸۶: ۲۴، ۶۴) از این رو شیعه و سنی مؤمن هستند و فقط درجات ایمان تفاوت دارد.

آرمان تقریب و همگرایی اسلامی و آینده تصویرشده را از دید ایشان به‌طور خلاصه می‌توان چنین برشمرد: وحدت اسلامی، مردم‌سالاری اسلامی، امت اسلامی، جهان‌شمولی اسلامی، آزادی و عدالت اجتماعی، حقوق و دیدگاه‌های اسلامی، باید جایگزین گفتمان سیاست خارجی دولت‌های گردد که ادعای هویت اسلامی را دارند و ارزش‌های فرهنگی و اجتماعی و دین خود را گرامی می‌شمارند. (محسنی، ۱۳۸۷: ۱۰۳-۱۰۹)

۴.۲. فقه مقارن به مثابه راهکار و راه حل وحدت در جهان اسلام

مرحله چهارم بحران اسپریگنز، یک فرآیند مستقل و کامل برنامه‌ریزی راهبردی یا برنامه‌ریزی اجرایی و اقدام‌الست که راهبردها و اقدامات لازم را جهت هدایت موضوع به سمت درمان و ارائه راهکار ارائه می‌نماید. در گام آخر نظریه‌پرداز با توجه به اقدامات صورت گرفته در مراحل قبلی به ارائه درمان می‌پردازد. به‌طور خلاصه، باید اذعان کرد که دانشی که نظریه‌پردازان ارائه می‌کنند، تمایلات درمانی نیز دارد و ثمره بینش روشنگرانه، عقل عملی و یا به قول اسپریگنز، نوعی علم نجات است. (اسپریگنز، ۲۳۵)

برنامه درمان و راهکارهای نخبگان و اندیشمندان اسلامی برای خروج از بحران واگرایی

و رسیدن به همگرایی و تقریب دارای اهمیت فراوان است آنان برنامه‌های مهم و ارزشمندی را ارائه داده‌اند که باید در جای دیگر مورد بررسی قرار گیرد. در این نوشتار در پی بررسی و تحلیل دیدگاه و راهکارهای درمانی دو تن از برترین چهره‌های تقریبی تاریخ معاصر که هم آثار فراوان در این زمینه دارند و هم در زمینه عمل و اقدام خود با راه‌اندازی نهادهای نظیر دارالتقریب بین المذاهب الاسلامیه، از هم‌طرازان خویش پیشتازترند می‌پردازیم.

اندیشه وحدت یا اتحاد اسلامی در طی ادوار مختلف به مسیر تقریب مذاهب رهنمون گشت و فکر تقریب مذاهب نیز تقریب فقهی را به عنوان جدی‌ترین و کارآمدترین مسیر انتخاب نمود. (دهستانی، ۱۳۹۵)

از منادیان وحدت از منظر فقه مقارن آیت الله محسنی است که در این راستا تلاشهای ارزنده‌ای انجام دادند. ایشان برای وحدت واتحاد مسلمانان دو عنصر مهم را پیشنهاد می‌کند عنصر اول، برجسته سازی نقاط موارد توافق و مشترک که بین دو طرف در عقاید و معارف و اخلاق و فروع اسلامی وجود دارد که به صورت مکتوب بیان شود تا همگان بدانند که شیعیان و اهل سنت در اسلام و شرع با این مقدار از عقاید و فروع موافقت. وقتی برای همگان روشن شد که در مبانی و ارکان اسلام و حتی در ابعاد مهم معارف اسلامی و در قرآن کریم و روایات فراوانی از سنت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله وسلم عناصر مهم مورد توافق طرفین وجود دارد. بر اساس اصول فقه، شکی نیست که این قرار داد تأثیر مثبت و مهمی در دل مسلمانان خواهد گذاشت. مسلمانان پس از قرن‌ها فقدان یکدیگر را می‌یابند یا حد اقل شدت درگیری و خصومت را به حد اقل می‌رسانند و زندگی اجتماعی خود را شاد می‌کنند. (محسنی، ۱۳۷۹، ۲۶)

آیت الله محسنی معتقد است: «اتحاد مسلمانان جهان از یک طرف از ضروری ترین و حیاتی ترین پایه های تکامل و ترقی و استقلال و عزت دین و دنیای مسلمانان است ولی از طرف دیگر از سخت ترین و مشکل ترین و پیچیده ترین و پرمشقت ترین کارها».

(محسنی، ۱۳۷۱: ۲۰۵)

آیت الله محسنی رسیدن به همگرایی را از طریق رفتار مسلمانان قابل حصول می داند و از این رو راهکارهای ایشان بیشتر جنبه رفتاری و عملی دارد تا نظری و اندیشه ای. (برای اطلاع بیشتر رک: کاظمی، ۱۳۹۹: ۷۷-۱۰۰) آیت الله محسنی در این زمینه در پاسخ به سؤالی که چرا تقریب تاکنون پیشرفت چشم گیری نداشته است؟ می فرماید که: «به نظر من، سبب آن، تقصیر اکثر اصحاب تقریب است که به آمدن در کنفرانس ها و مجرد صحبت کردن و شنیدن سخنرانی ها بسنده می کنند و در کشورهای خویش هیچ فعالیتی فکری و عملی ای در این راستا ندارند و محافظه کاری می کنند. ما اگر اعتقاد محکمی به تقریب، به منظور تقویت موقف اسلامی در جهان داشته باشیم، حتماً خداوند متعال بیشتر از حال فعلی به ما توفیق خدمت مرحمت می فرماید». (محسنی، ۱۳۸۶: ۱۱۱) در زیر به مهم ترین راه های رسیدن به همگرایی که از سوی راهکاری مناسب برون رفت از بحران انحطاط اسلامی نیز به شمار می رود و از سوی دیگر زمینه ساز شکل گیری امت واحده اسلامی است از دیدگاه آیت الله محسنی اشاره می گردد.

شخصیت برجسته دیگر جریان حامی فقه مقارن شیخ شلتوت است که سهم بزرگی در رویکرد تقریب مذاهب داشت. (المعاونیه الثقافیه للمجمع العالمی للتقریب بین المذاهب الاسلامیه، ۲۰۰۴) بی شک وی از معدود عالمانی بود که به وحدت اسلامی و تقریب

مذاهب اسلامی اهتمامی ویژه داشت. شیخ محمود شلتوت با اشاره به نقش ممتاز علما درباره وحدت اسلامی، همه آنان را به وحدت و همگرایی فرا می خواند و می گفت: «من بار دیگر به نام خدا و به نام کتاب خدا و به نام وحدت اسلامی و به نام چنگ زدن به ریسمان محکم الهی، علمای شیعه و سنی را به تقریب و همبستگی دعوت می کنم. مسلماً گرامی ترین آنان نزد خدا کسی است که زودتر در این هدف مقدس سبقت گیرد و رخنه هایی را که در گذشته میان مسلمین پیدا شده است، ببیند و مجد و مجد و شعار ما را که عبارت از وحدت اسلامی است به ما بازگرداند». (بی آزار شیرازی، ۱۳۸۵: ۱۸۳)

شیخ شلتوت در مورد فتوای تاریخی اش می گوید: «من از دیرزمانی یعنی حدود سی سال قبل در صدد مطالعه فقه امامیه برآمدم و از عراق و ایران کتاب های فقهی امامیه را خواستم؛ ولی تا این اواخر که مصر زیر سلطه بود، کتاب ها به دستم نمی رسید. بعد از فتح کانال، کتب شما آمد و من مطالعه کردم. حجت بر من تمام شد و آن فتوا را دادم؛ بدون اینکه تحت تأثیر هیچ مقامی یا سخنی بروم». (همان، ۱۹۵)

ایشان کتاب نفیس «المبسوط» تألیف شیخ طوسی (ره) را برای شیخ الازهر و از اعضای دارالتقریب بین المذاهب الاسلامیه و رئیس کمیته فتوایی الازهر اهدا کرد که شیخ پس از مطالعه کتاب «المبسوط» شیخ طوسی تحت تأثیر این کتاب قرار گرفته و در اواخر عمرش گفته بود که «فقه شیعه از صاحب شریعت مستند دارد ولی فقه اهل سنت فاقد این استناد است. وی گفته بود چه آن موقع که مفتی مصر بودم و چه بعد آن، وقتی که به کمیسیون فتوا می رفتم، برای نظر دادن در مسئله ای حتماً قبل از آن کتاب المبسوط شیخ طوسی را مطالعه می کردم». (همان، ۲۳۵)

از مهم‌ترین اقدامات شیخ شلتوت در هنگام ریاست در دانشگاه الازهر، تدریس فقه شیعه در کنار دروس فقه مذاهب اهل سنت بود به صورت فقه مقارن که افق نوینی به روی اساتید و دانش‌پژوهان الازهر گشود. (علی احمدی، ۱۳۸۳: ۸۵-۸۶؛ بی‌آزار شیرازی، ۱۳۷۷: ۳۸۹) بر اساس فقه مقارن، یک محقق تمام نظریات و آرا فقهی مذاهب اسلامی را مطالعه نموده و هر حکمی که دلیلش قوی‌تر بوده را به اجرا درمی‌آورد. وی در مقایسه بین ادله علمای مذاهب مختلف یک اصل را قبول داشت و آن این بود که هر دلیل که قوی‌تر باشد، مورد قبول است و تأکید داشت که فقهای مسلمان باید به دور از تعصب‌ها و هواهای نفسانی هر رأی و اندیشه‌ای که در تحکیم مبانی اسلام مؤثرتر است و رفاه خانواده و اجتماع را بهتر تأمین می‌کند، از یکدیگر بپذیرند.

از ثمرات مهم تأسیس فقه مقارن، مقایسه برخی احکام اسلامی و تغییر یافتن و برعکس شدن برخی دیدگاه‌های فقهی بود که بعدها به صورت قانون رسمی مصر درآمد. شیخ شلتوت در این باره می‌فرماید: فراموش نمی‌کنم که تطبیق و مقارنه میان مذاهب را در دانشگاه شریعت درس می‌دادم و آرای مذاهب را در یک مسئله عرض می‌کردم. از جمله نظر مذهب شیعه را مطرح می‌نمودم و آن را برمی‌گزیدم چون پیرو دلیل بودم و در بسیاری از مسائل طبق نظر شیعه فتوا می‌دادم از جمله پیرامون قانون‌هایی که به احوالات فردی و شخصی ربط می‌یافت. استاد بزرگوار شیخ محمود شلتوت رئیس دانشگاه الازهر، در پاسخ این سؤال که بعضی از مردم چنین می‌اندیشند برای آنکه مسلمان عبادات و معاملاتش صحیح باشد حتماً باید به یکی از مذاهب چهارگانه معروف عمل کند فرمودند: «اسلام بر هیچ‌یک از پیروان خود، پیروی از مذهب معینی را واجب نکرده است؛ بر آنیم که هر مسلمان حق دارد ابتدا به ساکن، از هر کدام از مذاهبی که به طور صحیحی نقل و احکام آن در کتب ویژه آن مذهب تدوین شده است، تقلید کند و هر کس که از مذهبی

تقلید نماید، می‌تواند به مذهب دیگری، هر مذهبی که باشد، درآید و از این حیث، ایرادی بر وی وارد نیست». (بی‌آزار شیرازی، ۱۳۸۵: ۱۲۸)

شیخ محمود شلتوت در کتاب مقارنه المذاهب فی الفقه می‌نویسد: «چون روح اختلاف در متأخران پدید آمد و تعصب فرقه‌ای آنان را فراگرفت، قوانینی وضع کردند که مردم را از انتقال به سایر مذاهب باز می‌داشت و در اثر این قوانین به جای اینکه فقه مذاهب مورد تحقیق و بررسی قرار گیرد، به صورت التزاماتی تعصب‌آمیز درآمد و صاحب‌نظران را از اظهار رأی و نظر ممنوع داشت و راه تحقیق در کتاب خدا و سنت پیامبر (ص) را مسدود ساخت و موجب گشت که اجتهاد در فقه اسلامی متوقف گردد» (بی‌آزار شیرازی، ۱۳۸۵: ۱۵۰، به نقل از مقدمه مقارنه المذاهب فی الفقه). ایشان بر همین اساس دستور داد فقه مقارن میان مذاهب اسلامی در دانشکده الشریعه الازهر تدریس شود و آیین‌نامه آن را بدین صورت تنظیم کرد:

۱. تحقیقات و مطالعات مذاهب فقهی بدون فرق میان مذهب سنی و شیعه است و به‌طور خاص به دیدگاه فقهی، احکام و دلایل هریک از مذاهب چهارگانه اهل سنت و مذهب امامیه می‌پردازد. ۲. خالص کردن حکمی که دلیل راهنمای آن است از جهت‌گیری به‌سوی مذهب استاد یا شاگرد باشد که ثمره مقارنه محقق شود و رأی احسن و راجح میان آرای گوناگون آشکار گشته و تعصبات مذموم فرقه‌ای باطل گردد. ۳. در اصول فقه به‌طور خاص به بیان مواضع اصولی که مورد اختلاف مذاهب شش‌گانه اسلامی سابق است، همراه با بیان اسباب اختلاف پرداخته شود. ۴. علم مصطلح الحدیث و رجال حدیث شامل تحقیق و بررسی اصطلاحات حدیثی اهل سنت و مصطلحات مذهب امامی همچنین مشتمل بر تحقیق و بررسی رجال مشهور و اصحاب مسانید آن‌ها در فقه مذاهب خواهد بود، افزون بر توسعه‌ای که به تفصیل در مطالعات عالی دانشکده الشریعه داده شده است

(همان، ۱۵۰-۱۵۱، به نقل از: دعوه التقريب تاريخ و وثايق، چاپ مجلس اعلاى شئون اسلامى، ۲۲۳).

شيخ محمود شلتوت مى‌گويد: «از نظر فقهى، فقيه منصف كه هدفى جز تحقيق و بررسى و كشف حقيقت ندارد، نمى‌تواند در مسئله‌اى كه تحقيق مى‌كند از گفته مجتهدى يا دليلى كه مخالف با كتاب و سنت پيامبر نيست، چشم بپوشد و گرنه مصداق اين آيه خواهد بود كه مى‌فرمايد: «زنهار آنان كه دل به دوروى مى‌سپارند تا خود را از او مخفى دارند، آگاه باشند كه وقتى سر در جامه‌هاى خويش مى‌پيچند، خدا آنچه را پوشيده دارند و آنچه را آشكار گردانند، مى‌داند؛ زيرا كه او به اندرون دل‌ها به‌خوبى آگاه است» (همان، ۱۶۸).^{۱۲}

۲-۴-۱. احترام به مذاهب و پرهيز از تحريك احساسات

بهترين زمينه اتحاد مسلمانان احترام مذاهب به عقايد همدیگر و اجتناب از تحريك احساسات همدیگر است. هيچ‌گاه شيعه به فتواى امام ابوحنيفه عمل نخواهد كرد و سنيان نيز به نظر امام صادق (عليه السلام) عمل نمى‌كنند، ولى احترام امام صادق (عليه السلام) و ابوحنيفه به‌عنوان پيشواى مليون‌ها مسلمان بايد مسلم باشد. (همان، ۴۸؛ محسنى، ۱۳۹۴، ج: ۲۷؛ محسنى، ۱۳۸۲: ۲۱)

و سوء استفاده دشمن از تفرقه ميان مسلمانان كنند، وحدت اسلامى به وقوع خواهد پيوست و جهان اسلام يکپارچه در مقابل كفر جهانى خواهد ايستاد. شيخ محمود شلتوت با اشاره به نقش ممتاز علما درباره وحدت اسلامى، همه آنها را به وحدت فرامى‌خواند

^{۱۲} «أَلَا إِنَّهُمْ يَتَّبِعُونَ صُلُوحَهُمْ لِيَسْتَحْفُوا مِنْهُ أَلَا جِئَ يَسْتَعِشُونَ ثِيَابَهُمْ يَعْلَمُ مَا يُسِرُّونَ وَمَا يُعْلِنُونَ إِنَّهُ عَلِيمٌ بِذَاتِ الصُّدُورِ» (هود، ۵)

و می گوید: «اینک من بار دیگر به نام خدا و به نام کتاب خدا و به نام وحدت اسلامی و به نام چنگ زدن به ریسمان محکم الهی، علمای شیعه و سنی را به تقریب و همبستگی دعوت می کنم. مسلماً گرمی ترین آنان نزد خدا کسی است که زودتر در این هدف مقدس سبقت گیرد و رخنه هایی را که در گذشته میان مسلمین پیدا شده است، ببیند و مجد و شعار ما را که عبارت از وحدت اسلامی است به ما بازگرداند.» (بی‌آزار شیرازی، ۱۳۸۵: ۱۸۳)

نماز جماعت به امامت کاشف الغطاء: شیخ محمود شلتوت در سفری که به قدس شریف برای شرکت در کنفرانس اسلامی فلسطین داشت، به همراه دیگر علما، نماز جماعت را به امامت آیت الله کاشف الغطاء خواند. وی در این صحنه زیبا را که سنی و شیعه در صفی واحد ایستاده اند، این گونه توصیف می کند: «چه زیباست سیمای مسلمانان که نمایندگان آنان در کنفرانس اسلامی فلسطین در مسجدالاقصی جمع شدند و با یکی از بزرگان مجتهدین شیعه امامی استاد با فضیلت شیخ محمدحسین آل کاشف الغطاء نماز جماعت خواندند؛ بی آن که فرقی باشد میان کسی که خود را سنی می نامد و یا کسی که خود را شیعه می خواند؛ و دسته جمعی صفوف واحدی را پشت سر یک امام تشکیل دادند؛ زیرا همگی پروردگار واحدی را می خوانند و به سوی یک قبله روی دارند.» (بی‌آزار شیرازی، ۱۳۸۵: ۴۱)

۲-۴-۲. توجه به مشترکات اسلامی

امروزه یکی از اساسی‌ترین روش‌ها در جهت بالا بردن ارتباط سیاسی، اجتماعی و اقتصادی، یافتن مشترکات بین کشورها است. مسلمانان دارای مشترکات فراوانی در تاریخ، فرهنگ، دین، منابع و منافع، دشمن و هستند، از این رو علایق و پایبندی به این

مشترکات موجب افزایش میزان همبستگی و همگرایی بین مسلمانان و کشورهای اسلامی می‌گردد. (برای اطلاع بیشتر رک: کاظمی، ۱۳۹۶) آیت‌الله محسنی در زمینه مشترکات اسلامی می‌فرماید: «بیاید قطعیات را بگیریم و بحث در باره مشکوکات را رها کنیم. این کار بی‌خودی است. اصول کلی تمام مسلمانان یکی است. به‌زور مسلمانان را از هم جدا نکنیم. اصول کلی مسلمانان یکی است. به همان اصول مشترک اسلامی توحید، نبوت و معاد اکتفا کنیم و در همین مشترکات همکاری کنیم». (محسنی، ۱۳۸۶: ۱۰۴) پس معنای وحدت اسلامی در بعد نظری همکاری کردن در مشترکات دینی است که زیاد هم هستند. (همان: ۶۲) مشترکات شیعه و اهل سنت بسیار فراوان و نسبت اختلافات آنان بسیار ناچیز است. خدای واحد، پیامبر مشترک، قرآن واحد، اعتقاد به نبوت انبیای سلف و روز قیامت و ... (محسنی، ۱۳۸۷، ج ۲: ۹۱) آیت‌الله محسنی نقاط اشتراکی بین شیعه و سنی را در مورد اصول عقاید ۴۰ مورد می‌شمارد و در فروع دین ۱۹ مورد و ۹ مورد اختلافات که راه‌حل اختلافات را نیز بازگشایی نموده و معتقد است که این اختلاف‌ها صد درصد قابل حل و فصل هستند. (محسنی، ۱۳۸۶: ۳۸-۴۲)

ایشان در این زمینه جمله مهم و جالبی دارد و می‌فرماید: «اگر معنای تسنن و سنی‌گری متابعت سنت پیغمبر باشد که تمام شیعه سنی هستند و کسی که پیرو سنت آن حضرت نباشد کافر است! و اگر معنای تشیع محبت ائمه عترت و پیروی آن‌ها باشد باید تمام سنی‌ها شیعه باشند؛ زیرا محبت علی (ع) و اولاد آن حضرت بر همه لازم است، جمعی از علمای اهل سنت بر وجوب آن ادعای اجماع کردند. پس شیعه سنی است و سنی شیعه». (محسنی، ۱۳۸۵: ۱۰۲)

۲-۴-۳. مبارزه با تعصب‌های بی‌جا و جدا ساختن افراط‌گرایان از جامعه

اسلامی

آیت‌الله محسنی این مانع مهم همگرایی را تذکر داده و مسلمانان را از افتادن در این دام خطرناک بر حذر می‌دارد. ایشان می‌فرماید: «راه‌حل اساسی و اصولی، در آگاهی دادن مسلمانان، رفع تعصب و عصبیت‌های قومی و نژادی، گردآمدن بر حور و حول مصالح و منافع امت اسلامی و حفظ اصل اسلام به‌جای اصالت دادن به فرع است». (محسنی، ۱۳۸۶: ۲۱-۲۲) تعصبات خشک و احمقانه عوام و رهبران کم‌سواد که اختلافات جزئی مذهبی را بزرگ جلوه داده و سبب عداوت و بدبینی و حتی جنگ‌های دخیلی شده و روزگار مسلمانان را به تباهی کشاندند (همان: ۱۰۳، ۶۸، ۳۷)

از دیدگاه آیت‌الله محسنی حجم زیاد از واگرایی و تفرقه توسط افراط‌گرایان مانند غالیان و نواصب انجام می‌گیرد و آنان از دشمنان اصلی گفتمان تقریب به حساب می‌آید. با جدا ساختن آنان از دامن جامعه اسلامی مسیر همگرایی و تقریب هموار می‌گردد. ایشان معتقد است: «عوامل تفرقه و نفاق بسترسازان نفوذ و ورود عوامل خارجی و قدرت‌های سلطه‌گر و استعماری و آتش‌افروزان جنگ‌های داخلی بین شیعه و سنی، بیشتر گروه‌های افراطی و تند روان غالی و نواصب هر دو طرف می‌باشند که بنابراین تکلیف و وظیفه مسلمانان خودبه‌خود مشخص خواهد بود و آن عبارت است از براءت شیعه از غلات و براءت اهل سنت از نواصب و همه باید بدانیم که غلو و ناصبی‌گری در اسلام مشروعیتی ندارند». (محسنی، ۱۳۸۶: ۱۰۱) از این‌رو، مبارزه با ناسیونالیسم، ملی‌گرایی، نژادپرستی، وطن‌گرایی، قوم‌گرایی و تثبیت انترناسیونالیزم اسلامی از ضروریات همگرایی و رسیدن به چشم‌انداز است. (محسنی، ۱۳۷۱: ۲۰۴-۲۰۵؛ ۱۳۷۲: ۶۶)

از دیدگاه شیخ شلتوت نیز اولین عامل، ترک تعصب و حقیقت خواهی با رعایت همکاری و انصاف است. این امر به تحقق شرطهای دیگر کمک خواهد کرد؛ از جمله روی آوری به فرهنگ واحد اسلامی و بهره گیری از تمام نظریات. در این راه باید کتب و نشریاتی چاپ، و تبادل افکار و تضارب آراء انجام شود و دانشگاهها و مراکز علمی با یکدیگر آشنا، و تبادل استاد و دانش پژوه انجام شود و مشورت و دیدارهایی صورت گیرد و ارتباطات عاطفی مسلمانان تقویت شود و در فضایی برادرانه، مشکلات مورد بحث قرار گیرد تا آن گونه که رسول اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) فرمود، اگر عضوی از امت مسلمان به درد آمد، سایر عضوها را آرام و قرار نماند. (روزنامه جمهوری اسلامی، ۱۹/۱۰/۱۳۷۹: ۱۰)

شیخ محمود شلتوت در مقایسه بین ادله علمای مذاهب مختلف، یک اصل را قبول داشت و آن این که هر دلیلی را که قوی تر باشد بپذیرد؛ خواه از مذهب خودش باشد، خواه از مذهب دیگری: «فقهای مسلمان باید به دور از تعصب ها و هواهای نفسانی هر رأی و اندیشه ای را که در تحکیم مبانی اسلام مؤثرتر است و رفاه خانواده و اجتماع را بهتر تأمین می کند، از یکدیگر بپذیرند.» (کیهان، ۲۶/۸/۱۳۷۲: ۷)

۲-۴-۴. توجه به دشمن مشترک و قطع مداخلات آنان

این یک واقعیتی غیرقابل انکار است که قدرت های استکباری از دشمنان اصلی گفتمان تقریب به حساب می آید و آنان نمی خواهند مسلمانان به اتحاد و همگرایی برسند؛ زیرا در آن صورت جلوی بسیاری از مداخلات آنان گرفته شده و منافع آنان از این آب گل آلود تأمین نمی شوند. ایشان در آثار و سخنرانی های خویش این مهم را بارها تذکر داده اند. ایشان معتقد است: «مداخله کشورهای بزرگ به منظور استعمار و استثمار و تضعیف صف

داخلی ملت‌ها و استفاده از اختلافات مذهبی، بهترین راه تجربه شده است و حتی خود حکومت‌های اسلامی نیز گاهی برای تحکیم قدرت خود از همین روش استفاده می‌کنند و مذهب را در استخدام سیاست قرار می‌دهند. اسفبارتر این است که جهالت و مداخله قدرت‌ها تنها به بیان اختلاف اکتفا ننموده؛ بلکه تا حد ممکن از دروغ و اتهام و افترا خودداری نمی‌کنند و مسلمانان را به جان هم می‌اندازند. (محسنی، ۱۳۸۶: ۳۸) مسلمان‌ها اگر بخواهند از این بدبختی و ذلت خود را نجات دهند باید قدم‌هایی بردارند که قدم اول اتحاد ملت‌ها و تقویت جبهه‌ی داخلی شان است. (محسنی، ۱۳۷۳: ۱۶۸)

آیت الله محسنی بارها خطر دشمنان همگرایی و تقریب را گوشزد نموده است. برای نمونه ایشان درباره وهابیت که دشمن اصلی تقریب است می‌فرماید: «امروز وهابیت با صدها میلیون دلار، به اشکال مختلف تقویت می‌شود. یک نمونه‌اش را شما در عراق می‌بینید که چقدر شیعه کشته می‌شود. وهابیت دشمن شیعه است، ولی فقط دشمن شیعه نیست. اگر نوبت به مذاهب دیگر برسد، نه حنفی‌ها را باقی می‌گذارند و نه شافعی‌ها را و نه مالکی و نه غیر آنان را همه را می‌کوبند. (محسنی، ۱۳۸۶: ۶۲، ۲۰، ۱۰۴ و ...) ایشان خطر دشمن مشترک را مکرر گوشزد نموده است. (همان، ۶۲، ۱۰۴ و ...) ایشان از چند جهت همگرایی را ضروری می‌داند: اول اینکه اسلام پیروان خود را از نزاع و درگیری منع داشته و تفرقه و عداوت در اسلام ممنوع است دوم اینکه واگرایی و نزاع بین مسلمانان سبب تقویت جبهه کفار و دشمنان اسلام می‌گردد و همه می‌دانیم که تضعیف اسلام عزیز حرام است و خیانت به قرآن و اسلام محسوب می‌گردد و سوم اینکه نزاع و تفرقه مانع پیشرفت اسلام می‌گردد. (محسنی، ۱۳۷۱: ۱۵۹)

امروز کشورهای اسلامی اگر با هم علیه استثمار و استعمار استکبار جهانی مبارزه نمایند مسلماً جهان اسلام دچار تحول مطلوبی خواهد شد، دشمنان ما هم متوجه این جهت

هستند و به انواع مختلف صف واحد ما را از هم دریده‌اند و ما را از هم دور نگه‌داشته‌اند، بدتر اینکه در یک کشور صفوف و خطوط متعددی بر مسلمانان حکومت می‌کند. (محسنی، ۱۴۱۱، ۲: ۸۷)

یکی از مهمترین امور در شکل‌گیری وحدت، دست‌یابی به نقطه اشتراکی است که همه مذاهب بر آن اتفاق داشته باشند. نقطه مشترک میان تمام مذاهب اسلامی قرآن است. شلتوت در این باره می‌گوید: «اسلام مردم را به وحدت فراخوانده و محوری را که مسلمانان باید به آن تمسک جویند و گرداگرد آن جمع آیند، اعتصام به حبل الله قرار داده است. این مطلب در بسیاری از آیات قرآن حکیم آمده، و رساترین آن در سوره آل عمران است: «واعتصموا بحبل الله جميعاً و لا تفرقوا» خداوند از مطلق تفرقه نهی کرده است. این شامل تفرقه به سبب تعصب نیز می‌شود. حدیثی صحیح می‌گوید: لا عصبیه فی الاسلام؛ در دین اسلام تعصب وجود ندارد.» (روزنامه جمهوری اسلامی، ۱۹/۱۰/۱۳۷۹: ۹)

شلتوت در جایی دیگر، کتاب خدا و سنت رسول الله را وجه اشتراک همه مذاهب می‌داند و می‌گوید: «نهی از تفرقه، تفرقه مذهبی را نیز در برمی‌گیرد؛ زیرا به رغم آن که مذاهب فقهی اسلامی بسیار بوده و شیوه‌های آن مختلف است، از اصول واحدی که کتاب الله و سنت پیامبر است، برگرفته شده است. ولی به رغم تعدد مذاهب و اختلاف در بسیاری از احکام و وجود آرای متعدد، همگان در نقطه‌ای مشترک و سخنی واحد، گرد می‌آیند؛ این همان ایمان به مصادر اصلی و تقدیس کتاب الله و سنت رسول الله (صلی الله علیه و آله و سلم) است.» (همان)

یکی از توطئه‌های استعمار و استکبار جهانی، اختلاف افکنی در میان جوامع مسلمان است تا در پرتو این اختلاف، به منافع ننگین خود برسند و منافع ملت‌های مسلمان را تاراج کنند. بدون شک هیچ کس همچون سران استکبار از اختلاف بین مسلمانان لذت نمی‌برند. علامه شلتوت ضمن هشدار به مسلمانان می‌گوید: «خداوند متعال از امت اسلامی خواسته که وحدت کلمه داشته باشند و از گروه‌گرایی و تحزب که توان و قدرت همدیگر را تضعیف و فرسوده می‌کند، بپرهیزند که کشورهای استعمارگر از تفرقه مسلمانان بهترین بهره‌برداری را به نفع خود کرده‌اند.» (شلتوت و وحدت اسلامی، <https://rasekhoon.net/article/show۶۳۴۸۵۶>، شنبه، ۸ مهر ۱۳۹۱)

استعمارگر هیچ‌گاه راضی نمی‌شود امت اسلام به طور یکپارچه درآید. زیرا می‌داند در آن صورت، امت واحد در مقابل مطامع آن‌ها خواهند ایستاد و به آن‌ها اجازه نخواهند داد تا منافع آن‌ها را تاراج کنند. بنابراین در برابر هر تلاشی که به وحدت مسلمین بینجامد، می‌ایستد. در این باره مرحوم میرزا خلیل کمره‌ای خاطره‌ای از شلتوت نقل می‌کند: اینجانب و هیئت همراه در سفر به مصر در دو نوبت با شیخ جامع ازهر، محمود شلتوت، دیدار داشتم؛ یک نوبت در جامع ازهر و یک نوبت در منزل شخصی ایشان. در این دیدار، شیخ الازهر ما را از حقایق اموری مطلع فرمود و رازی را فاش کرد که پایه مداخله بیگانگان و تأثیر نفوذ آنان را در امور ممالک شرق حتی در امور بین مذاهب اسلام، روشن ساخت. این عالم عظیم مصر فرمود: من از دیرزمانی حدود سی سال قبل در صدد دیدن فقه امامیه برآمدم و از عراق و ایران کتابهای فقهی امامیه را خواستم؛ ولی تا این‌اخر که مصر از زیر زنجیر استعمار بیرون آمد، کتابها نمی‌رسید. بعد از فتح کانال، کتب شما آمد و من مطالعه کردم. حجت بر من تمام شد و آن فتوا را دادم؛ بدون این که

تحت تأثیر هیچ مقامی یا سخنی بروم. (بی‌آزار شیرازی، ۱۳۸۵: ۱۹۵؛ به نقل از رابطه عالم اسلام، ناصرالدین کمره ای، ص ۷)

نتیجه

از منظر روش جستاری اسپریگنز، آینده همگرایی اسلامی مستلزم آن است که مسلمانان وضعیت نامطلوب موجود را فهم نموده و علل آن را مورد شناسایی قرار داده و از آن با ترسیم وضعیت مطلوب عبور کنند. آرزو، آرمان شهر و جامعه مطلوب مسلمانان یعنی در وهله اول وحدت اسلامی و در آینده امت اسلامی را فراهم سازند. بامطالعه و بررسی وضع کنونی جهان اسلام، وضعیت مسلمانان و کشورهای اسلامی جهت گیری زیادی به سمت وحدت و همگرایی ندارند و از مطالعه و ریشه یابی وضع موجود و وضعیت کنونی جهان اسلام علل نابسامانی و بی نظمی و درواقع موانع شکل گیری همگرایی و عدم توفیق راهکارهای مطرح شده همگرایی در جهان اسلام را درمی یابیم که مجموعه موانع به دو دسته کلان درونی و بیرونی قابل تقسیم هستند. از این رو پیشوایان، متفکران و مصلحان اسلامی راهکارهای ارزشمندی را برای شکل گیری وحدت و همگرایی در جهان اسلام به مثابه خروج از وضعیت کنونی و رسیدن به وضع مطلوب ارائه داده اند. یکی از مهم ترین طرح های ارائه شده در این زمینه، توجه به فقه مقارن و تطبیقی است که از گذشته دور تاکنون مطرح بوده است و در تاریخ معاصر دو شخصیت برجسته جهان اسلام یعنی شیخ محمود شلتوت و آیت الله محسنی به این امر اهتمام جدی داشتند و این الگو را تئوریزه و تا حدی عملی ساختند. آیت الله محسنی و شیخ شلتوت معتقدند که مشترکات موجود در میان فرق اسلامی می تواند باعث وحدتی پایدار و ماندگار در جهان اسلام گردد و این امر را راهبرد عملی در تحقق وحدت و همگرایی مسلمین می دانند که تأکید فراوان بر

اشتراکات فقهی می‌ورزند و به عنوان امر مشترک میان امت اسلامی سعی در تقریب بین آنان دارند. از دید آنان، فقه می‌تواند جهان اسلام را به وحدت و همگرایی برساند.

منابع

۱. قرآن کریم.
۲. نهج البلاغه، (۱۳۷۹)، ترجمه محمد دشتی، قم، نشر مشهور.
۳. احمدی، علی، شیخ محمود شلتوت: آیت شجاعت، مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی، تهران، ۱۳۸۳.
۴. اسپرینگز، توماس، فهم نظریه‌های سیاسی، ترجمه فرهنگ رجایی، نشر آگاه، تهران، ۱۳۷۰.
۵. اسعدی، مرتضی، جهان اسلام: اردن، افغانستان، الجزایر، امارات متحده عربی، اندونزی، بحرین، برونی، مرکز نشر دانشگاهی، تهران، ۱۳۶۶.
۶. ایرانی، مصیب، استراتژی وحدت ملی و انسجام اسلامی با توجه به دیدگاه امام خمینی، اندیشه تقریب، ش ۱۸، بهار ۱۳۸۸.
۷. بی‌آزار شیرازی، عبدالکریم، شیخ محمود شلتوت طلایه دار تقریب، مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی، تهران، ۱۳۸۵.
۸. بی‌آزار شیرازی، عبدالکریم، همبستگی مذاهب اسلامی، مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی، تهران، ۱۳۷۷.
۹. تسخیری، محمدعلی، درباره وحدت و تقریب مذاهب اسلامی، ترجمه محمد مقدس، تهران، مجمع تقریب، ۱۳۸۳.

۱۰. جناتی، محمدابراهیم، فقه تطبیقی و پیشگامان آن، کیهان اندیشه، شماره ۵۹، فروردین و اردیبهشت ۱۳۷۴.

۱۱. جوادی غزنوی، اندیشه‌های کلامی، فقهی و سیاسی آیت‌الله محسنی، قم وحدت‌بخش، ۱۳۸۷.

۱۲. جوان آراسته، حسین، امت و ملت، نگاهی دوباره، مجله حکومت اسلامی، شماره ۱۶، تابستان ۱۳۷۹.

۱۳. حسینی رودباری، سید مصطفی، درآمدی بر فقه مقارن، مجله جبل المتین، شماره ۵، زمستان ۱۳۹۲، ص ۵۲-۷۷.

۱۴. دهستانی، بهمن، تقریب فقهی، رهیافت ناتمام، شبکه اجتهاد، ۱۲/۳۰/۱۳۹۵.

۱۵. روزنامه جمهوری اسلامی، ۱۹/۱۰/۱۳۷۹.

۱۶. سلهب، حسن، الشیخ محمود شلتوت قراءه فی تجربه الاصلاح و الوحده الاسلامیه، بیروت، ۲۰۰۸م.

۱۷. سیف زاده، حسین، نظریه‌ها و تئوری‌های مختلف در روابط بین‌الملل فردی و جهانی شده: مناسبت و کارآمدی، دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی وزارت امور خارجه، تهران، ۱۳۸۴.

۱۸. شلتوت و وحدت اسلامی،

۸ شنبه، <https://rasekhoon.net/article/show۶۳۴۸۵۶>

مهر ۱۳۹۱.

۱۹. شلتوت، محمود، الاسلام: عقیده و شریعه، ثقافه الاسلامیه الازهر، مطبوعات الاداره العامه، قاهره، ۱۹۵۹.

۲۰. شولتسه، راینهارد، تاریخ جهان اسلام در قرن بیستم، ترجمه ابراهیم توفیق، پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی، تهران، ۱۳۸۹.

۲۱. صادقی اردستانی، احمد، وحدت اسلامی، دفتر کنگره جهانی ائمه جمعه و جماعت، قم، بی تا.

۲۲. صفوی، سید یحیی، (۱۳۸۷)، وحدت جهان اسلام: چشم‌انداز آینده، تهران، انتشارات شکیب به سفارش مؤسسه آینده‌پژوهی جهان اسلام.

۲۳. فوزی تویسرکانی، یحیی، سازمان کنفرانس اسلامی (ساختار، عملکرد و روابط آن با ایران)، مرکز اسناد انقلاب اسلامی، تهران، ۱۳۷۷.

۲۴. قربانی شیخ نشین، ارسلان و رضا سیمبر، ایران و همگرایی در سازمان همکاری اسلامی، دانشگاه امام صادق (علیه السلام)، تهران، ۱۳۹۰.

۲۵. کاظمی، سید آصف، اسلام هراسی درونی؛ نزاع غرب با اسلام در سایه گفتمان در: مجموعه مقالات هجدهمین جشنواره شیخ طوسی، مرکز بین‌المللی ترجمه و نشر المصطفی (صلی الله علیه وآله)، قم، ۱۳۹۴.

۲۶. کاظمی، سید آصف، بازتاب‌های سیاسی گفتمان تکفیر در: مجموعه مقالات هجدهمین جشنواره شیخ طوسی (ره)، مرکز بین‌المللی ترجمه و نشر المصطفی (صلی الله علیه وآله)، قم، ۱۳۹۳.

۲۷. کاظمی، سید آصف، بررسی انتقادی نظریه‌های همگرایی در جهان اسلام با تأکید بر ارائه طرح جایگزین، رساله دکتری تاریخ معاصر

جهان اسلام، مجتمع تاریخ، سیره و تمدن اسلامی، استاد راهنما،
عبدالوهاب فراتی، تابستان ۱۳۹۹.

۲۸. کیهان، ۲۶ / ۸ / ۱۳۷۲.

۲۹. گلی زواره، غلامرضا، سرزمین اسلام شناخت اجمالی کشورها و
نواحی مسلمان‌نشین جهان، دفتر تبلیغات اسلامی، قم، ۱۳۷۲.

۳۰. لمبتون، ان، کی، اس، دولت و حکومت در اسلام، نشر عروج، تهران،
۱۳۷۴.

۳۱. محسنی، محمد آصف، صراط الحق فی معارف الاسلامیه والاصول
الاعتقادیه، مشهد، انتشارات ولایت (جعفری)، ۱۳۷۱.

۳۲. محسنی، محمد آصف، تصویری از حکومت اسلامی در افغانستان،
حرکت اسلامی، ۱۳۷۱.

۳۳. محسنی، محمد آصف، وحدت الامه الاسلامیه، قم، طاووس بهشت،
۱۳۷۹.

۳۴. محسنی، محمد آصف، شیعه و سنی چه فرقی دارند؟ (جنگ در
تاریکی)، کابل، مرکز الابحاث العقائدیّه، ۱۳۸۲.

۳۵. محسنی، محمد آصف، تقریب مذاهب؛ از نظر تا عمل، قم، نشر ادیان،
۱۳۸۶.

۳۶. محسنی، محمد آصف، انوار هدایت، رسالات، مرکز حفظ و نشر آثار
حضرت آیت‌الله‌العظمی محسنی (مدظله‌العالی)، کابل، ۱۳۹۴ ه.ش.

۳۷. محسنی، محمد آصف، جهاد اسلامی در عصر حاضر، کمیته فرهنگی حرکت اسلامی افغانستان، لاهور، ۱۴۱۱ ه.ق.
۳۸. محسنی، محمد آصف، جهانی شدن و جهانی سازی، بی نا، بی جا، ۱۳۸۷.
۳۹. محسنی، محمد آصف، گوناگون، قصه های کوتاه و آموزنده، مؤلف، قم، ۱۳۷۴ ه.ش.
۴۰. محسنی، محمد آصف، متافیزیک از نظر رئالیزم، ولایت، بی جا، ۱۳۷۳ ه.ش.
۴۱. مستوفی الممالکی، رضا، جغرافیای کشورها و نواحی اسلامی، انتشارات دانشگاه یزد، یزد، ۱۳۸۲.
۴۲. مشیر زاده، حمیرا، تحول در نظریه های روابط بین الملل، سمت، تهران، ۱۳۸۹.
۴۳. المعاونه الثقافیه للمجمع العالمی للتقريب بين المذاهب الاسلاميه، الامامان البروجردی و شلتوت رائدا التقريب: مجموعه مقالات الملتقى الدولی لتکریم الامامین السید البروجردی والشیخ محمود شلتوت، المجمع العالمی للتقريب بين المذاهب الاسلاميه، طهران، ۲۰۰۴.
۴۴. موثقی، سید احمد، استراتژی وحدت در اندیشه سیاسی اسلام، انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی، تهران، ۱۳۷۸.
۴۵. مؤمنی، مصطفی، جهان اسلام، کتاب مرجع، تهران، ۱۳۸۹.
۴۶. میرترابی، سعید، مسائل توسعه جهان اسلام، دانشگاه امام صادق (علیه السلام)، تهران، ۱۳۹۰.

۴۷. ولی پور زرومی، سید حسین، بررسی سطح نخبگان سیاسی موانع ذهنی و روانی همگرایی در خاورمیانه، مجله راهبرد، ش ۲۶، زمستان ۱۳۸۱.

۴۸. هانتر، شیرین، آینده اسلام و غرب، ترجمه همایون مجد، نشر و پژوهش فرزاد روز، ۱۳۸۰.

مدیریت راهبردی تقریب در افغانستان (تحلیل SWOT)

روح الله حمیدی^۱

محمد انور جعفری^۲

چکیده

استفاده از ظرفیت‌های راهبردی جهان اسلام و بازسازی تمدن نوین اسلامی، به تمرکز بر تقریب مذاهب و تحقق اتحاد و اخوت اسلامی نیازمند است؛ افغانستان به عنوان یکی از کشورهای مهم جهان اسلام که همواره در محراب حوادث و رویدادهای چالشی بین-المللی بوده و محل تلاقی تمدن‌ها و احیاناً نبرد تمدنی بوده است، می‌تواند با توجه به راهبردها و رویکردهای مختلف در زمینه تحقق اتحاد مسلمانان و احیای تمدن نوین اسلامی بازوی توانمند جمهوری اسلامی باشد و یا برعکس بر اثر بی‌توجهی، به مانع عمده

^۱. دانش پژوه دکتری قرآن و علوم (گرایش مدیریت) جامعه المصطفی العالمیه،

r.hamidi@yahoo.com

^۲. دانش پژوه دکتری قرآن و علوم (گرایش مدیریت) جامعه المصطفی العالمیه

Mhammadanvar32@gmail.com

در این مسیر تبدیل گردد؛ لذا امنیت و همسویی افغانستان با اهداف اتحاد اسلامی و مباحث تمدنی مقدمه امنیت جهان اسلام و اتحاد مسلمانان جهان و در نتیجه احیای تمدن نوین اسلامی است؛ از سویی، همسویی افغانستان با این هدف دارای پیش‌نیازهایی چون امنیت پایدار در این کشور و اعمال راهبردهای مؤثر تقریبی است که مبتنی بر شناسایی فرصت‌ها و تهدیدها در این کشور است. تحقیق حاضر به هدف شناسایی فرصت‌ها، تهدیدها، نقاط قوت و نقاط ضعف راهبردهای تقریبی در کشور افغانستان با روش تحقیق توصیفی-تحلیلی انجام یافته و برآیند آن بیانگر این است که در افغانستان فرصت‌ها و تهدیدهای تقریبی تعیین‌کننده‌ای وجود دارند و این کشور دارای نقاط ضعف و قوت در سه حوزه فرهنگ، اقتصاد و سیاست در خصوص راهبردهای تقریبی و اخوتی است که با مدیریت صحیح (swot) در این کشور، می‌توان راهبردهای تقریبی را به سرانجام مطلوب رسانید.

کلیدواژه: راهبرد، تقریب، تحلیل سوات، افغانستان.

مقدمه

ضرورت وحدت و پرهیز از اختلاف برای اعتلای امت‌ها، بر هیچ‌کس پوشیده نیست. سعادت و شقاوت ملت‌ها در گرو وحدت یا تفرقه آنان است و همواره در طول تاریخ آن ملتی به سعادت‌مندی رسیده است که باهم برادر بوده‌اند و هرگاه در مسیر تفرقه حرکت کرده به همان اندازه از سعادت فاصله گرفته‌اند. نگاهی اجمالی به شرایط کلی جهان اسلام و مسلمانان نشان‌دهنده عزم راسخ و جدی دشمنان برای ایجاد اختلاف و تفرقه است و در این مسیر درصدد مهیا کردن رخنه و سو استفاده از فرصت هستند. شخصیت‌های

برجسته جهان اسلام همانند سیدجمال افغانی و امام خمینی با درک این موضوع، تلاش - های بسیار و موثری را در راستای تقریب مذاهب اسلامی و ریشه کن کردن درخت نفاق از کشتزار حاصلخیز اسلام انجام دادند. اکنون که تحقق اهداف دشمن و مستکبرین عالم با نفاق بین مسلمین عالم گره خورده است و راهبرد آنها متمرکز بر نفاق بین جوامع اسلامی است؛ پس ضرورت تقریب و وحدت بین گروه ها و شعبات امت اسلامی بیش از پیش احساس می گردد.

تحقیق حاضر به هدف طرح استراتژی مدیریت تقریب در افغانستان انجام خواهد شد و در همین راستا به بیان فرصت ها، تهدیدها، نقاط قوت و نقاط ضعف تقریب و توحید در کشور افغانستان را به تبیین و تحلیل خواهد نشست. نگارنده ضمن بررسی و تحلیل سوات در راهبرد تقریب در افغانستان، در صدد طرح و ارائه استراتژی تقریب در این کشور است. روش استفاده شده در تحقیق کیفی و اسنادی است که با مطالعات منابع و چشم دیدهای نگارندگان، تحقیق حاضر در پی یافتن جواب به سوال تحقیق است.

مفاهیم

مدیریت راهبردی

پیدایش مفهوم مدیریت راهبردی در ادبیات جهانی به دهه ۱۹۵۰ و ۶۰ بازمی گردد؛ جایی که نویسندگانی نظیر پیتر دراگر، فیلیپ سلزینک، آلفرد، چندلر، آیگور آنسوف، خشت های این ساختمان را بنا کردند (کچیل، ۲۰۱۰: ۲۲). در سال ۲۰۱۱ گلاک، کافمن و والک مدیریت راهبردی را فرآیند تصمیم سازی، مدیریت عملیاتی روزانه و پلی میان وضع موجود و مطلوب هر سازمان دانستند (ابراهیم، پور، ۱۳۹۰:

۹). مدیریت راهبردی عبارت است از: بررسی (محیطی) هم محیط داخلی و هم محیط خارجی (تدوین راهبرد)، برنامه‌ریزی بلندمدت ارزیابی و کنترل. بنابراین، مدیریت راهبردی بر نظارت و ارزیابی فرصت‌ها و تهدیدهای خارجی در سایه توجه به نقاط قوت و ضعف یک سازمان، تأکید دارد؛ به‌طورکلی؛ مدیریت راهبردی شامل: برنامه‌ریزی، اجرا و کنترل برنامه‌ریزی‌های راهبردی است (نصیری یار، ۱۳۸۸).

تقریب مذاهب

تقریب از قرب به معنای نزدیک کردن دانسته شده است. همچنین مذاهب جمع مذهب است و مصدری دانسته شده که به معنی رفتن یا مکانی برای رفتن است؛ بنابراین مقصود از مذاهب اسلامی آن دسته از مکاتب اعتقادی و فقهی معروف اسلامی هستند که دارای نظام اجتهادی منسجم و مستند به کتاب و سنت هستند (سیاوشی و اسماعیل‌زاده، ۱۳۹۴: ۱۷۰). تقریب مذاهب اسلامی به معنای نزدیکی پیروان مذاهب اسلامی به‌منظور آشنایی با یکدیگر از طریق تحقق همدلی و برادری بر پایه اصول مشترک، ثابت و مسلم اسلامی است (تسخیری، ۱۳۸۷: ۲۱). منظور از تقریب در بُعد علمی فرهنگی برطرف کردن موانع اختلاف با در نظر گرفتن منافع مسلمانان در برابر دشمنان اسلام است.

تحلیل swot

واژه (swot) از کنار هم قرار دادن حروف اول Strengths (نقاط قوت)، Weaknesses (نقاط ضعف)، Opportunities (فرصت‌ها) و threats (تهدیدها) ساخته شده است. استفاده از این فن کمک می‌کند که به نقاط قوت، نقاط ضعف، فرصت‌ها و تهدیدها پی ببریم و فرصت‌های پیش رو را بشناسیم و تهدیدهای احتمالی را به‌صورت

هوشمندانه مدیریت نماییم. تحلیل SWOT عبارت است فرایندی که کمک می‌کند عوامل درونی و عوامل بیرونی دخیل در یک موضوع را کنار هم بسنجیم و ارتباط بین آنها را به گونه‌ای مؤثر مورد استفاده قرار دهیم. بنابراین، تحلیل سوات ابزاری برای تصمیم‌گیری استراتژیک است و به صورت گسترده در برنامه‌ریزی‌های استراتژیست‌ها مورد استفاده قرار می‌گیرد (وامقی و مرندي، ۱۳۸۹: ۱۷۱). کاربرد این ابزار در تحلیل نقاط قوت، نقاط ضعف، فرصت‌ها و تهدیدهای موجود مدیریت راهبردی تقریب در افغانستان بسیار حائز اهمیت است.

افغانستان

افغانستان کشوری واقع در جنوب آسیا با مساحت ۶۴۷۴۹۷ کیلومترمربع است که روزگاری بخشی از سرزمین خراسان قدیم محسوب می‌شد. این کشور از غرب با جمهوری اسلامی ایران و از شمال با کشورهای ازبکستان، ترکمنستان و تاجیکستان، از شمال شرق با چین و از جنوب و جنوب شرق با پاکستان دارای مرز مشترک هست (عزیزی، ۱۳۸۷: ۱۹). این کشور محصور در خشکی بوده و هیچ راهی به دریا ندارد و از چهار طرف با مرزهای خاکی محدود می‌شود ۷۰ درصد این کشور کوهستانی است. دین ۹۹ درصد مردم افغانستان اسلام است. از نظر تنوع قومی، افغانستان سی و هفتمین کشور جهان به شمار می‌آید که اقوام متعددی در این کشور ساکن هستند. عمده‌ترین و معروف‌ترین آنها عبارت است: ۱- افغان که به آنها پشتون هم می‌گویند و بیشتر در مناطق شرق و جنوب افغانستان سکونت دارند و از نظر قومی بزرگ‌ترین گروه قومی محسوب می‌شود و از نظر مذهبی سنی اکثراً پیرو مذهب حنفی هستند. ۲- تاجیک دومین قوم بزرگ در مناطق شمال و غرب افغانستان سکونت دارد. آنها فارسی‌زبان و از نظر مذهبی پیروی حنفی هستند. ۳- هزاره سومین قوم بزرگ در افغانستان است که آنها

بیشتر در مناطق مرکزی و شمال افغانستان سکونت دارند؛ هزاره‌ها از نظر مذهبی شیعه دوازده‌امامی هستند و اقلیت سنی و شیعه اسماعیلیه است و به زبان فارسی دری تکلم دارند. ۴- ازبک‌ها چهارمین قوم بزرگ هستند و آن‌ها در مناطق شمال افغانستان سکونت دارند. این قوم از نظر مذهبی پیروی مذهب حنفی می‌باشند و از نظر زبانی ترک‌زبان هستند (ناصری داودی، ۱۳۹۸: ۳).

تحلیل سوات تقریب در افغانستان

در ادامه به تحلیل سوات مدیریت راهبردی تقریب مذاهب در افغانستان پرداخته خواهد شد. در این بخش نقاط قوت، ضعف، فرصت‌ها و تهدیدهای پدیده تقریب مذاهب در افغانستان بررسی و تحلیل می‌شوند. تحلیل مورد نظر در سه حوزه فرهنگ، سیاست و اقتصاد با توجه به پارامترهای موجود در افغانستان تحلیل و بررسی خواهند شد.

فرصت‌ها

فرصت‌های تقریبی در افغانستان را می‌توان در سه حوزه فرهنگ، اقتصاد و سیاست جستجو و احصا کرد.

الف- حوزه فرهنگ

فرهنگ بیان‌گر هویت یک جامعه است و باید از آن مراقبت کرد. فرهنگ مردم افغانستان نیز بیانگر هویت مردم این کشور هست. فرهنگ مردم افغانستان یک فرهنگ اصیل و قدیمی و باستانی است و متفاوت‌ترین فرهنگ‌ها را کشور افغانستان دارا هست. این

فرهنگ در تمام مراحل زندگی مردم افغانستان جاری و ساری است. به طور نمونه فرهنگ دین، زبان، هنر و آداب رسوم از قبیل مهمان نوازی، ازدواج، ارتباطات خانوادگی، احترام به بزرگان، موسیقی خاص، غذاها و ... بیانگر فرهنگ مردم این کشور است این آثار مشترک و زنده می تواند بنیانی برای وحدت را فراهم نماید.

باید گفت که برای توفیق اجرایی ساختن تقریب از دریچه فرهنگ، توجه ویژه به داعیه «ایران فرهنگی» و «ایران تاریخی» امر مهم و حیاتی است. حدود جغرافیایی ایران فرهنگی و تاریخی ایران، تاجیکستان، ترکمنستان، افغانستان و بخش هایی از پاکستان، آذربایجان، قفقاز و هند و قسمت هایی از عراق و ترکیه است. (حاجیان، ۱۳۹۴: ۶۱). در کشور افغانستان فرصت های فرهنگی درخور توجهی وجود دارند که در ادامه به بررسی گرفته می شوند.

۱. زبان

در کشور افغانستان، زبان همواره در کنار قومیت و مذهب از پارامترهای اصلی و محوری نزاع و کشمکش های متعدد بوده است که این محوریت، ناشی از ارتباط تنگاتنگ بین زبان، دین و نژاد است. زبان با روح یا جان جماعت ها سروکار دارد (بووا، ۲۰۰۲: ۳). کشورهای ایران، افغانستان و تاجیکستان خواستگاه زبان فارسی است و همکاری میان این سه کشور در حوزه فرهنگ و زبان یک فرصت ارزنده ای را در افغانستان ایجاد می کند که می توان از این منفذ برای عملیاتی سازی اهداف تقریبی در این کشور بهره برد.

۲. دانش

سرزمین افغانستان در طول تاریخ مهد علم و پرورش دانشمندان زیادی بوده است که از جمله می توان به ابوعلی سینا، سنایی غزنوی، فارابی، ابوریحان بیرونی، خواجه عبدالله

انصاری، محمد جلال‌الدین بلخی و ده‌ها دانشمند دیگر اشاره کرد که در افغانستان آن روز زاده شدند، پرورش یافتند و خدمات زیادی به جهان اسلام و بشریت ارائه کرده‌اند. این سابقه فرهنگی و تمدنی بیان‌گر ارزش علم‌آموزی در بین مردم افغانستان است. در بیست سال اخیر فرصت علم‌آموزی در بخش‌های وسیع از سرزمین افغانستان فراهم شده بود و حتی‌الامکان مردم از این فرصت استفاده نمودند. اکنون کشورهای همسایه از جمله ایران در خاورمیانه و منطقه از نظر علمی در سطح بالایی از تولید علم قرار دارند و هزاران نفر از دانشجویان افغانستان در دانشگاه‌های ایران مشغول به تحصیل هستند که این یک فرصت طلایی برای برنامه‌ریزان حوزه تقریب است تا با استفاده از آن، برای انتقال افکار تقریبی در میان توده مردم افغانستان استفاده کرده و زمینه را برای اجرایی سازی راهبرد تقریب در این کشور فراهم آورند.

ب- در حوزه اقتصاد

اقتصاد همواره یکی از مهم‌ترین ابزارها برای تقریب و یا تبعید انسان‌ها بوده است. برقراری مناسبات اقتصادی میان ملت‌ها و طیف‌های مختلف مردم زمینه تعاملات فرهنگی و سیاسی آنان را نیز فراهم کرده و تعامل سازنده در این زمینه به تعارف و شناخت مردم از همدیگر کمک می‌کند. طبیعی است که در صورت شناخت دقیق ملت‌ها و اقوام از یکدیگر، زمینه‌های تعصب از میان برداشته‌شده و عرصه برای تسالم و توافق که همان تقریب است، فراهم می‌گردد.

در تقریب بین مذاهبی با استفاده از فرصت‌های اقتصادی، ایران به‌عنوان رهبر شیعیان جهان فرصت‌های بی‌نظیری در افغانستان دارد؛ زیرا این کشور یکی از مهم‌ترین شرکای تجاری افغانستان است و توافق‌نامه چابهار بین ایران، هند و افغانستان یکی از مهم‌ترین

طرح‌های مشترک اقتصادی است (سینایی و جمالی، ۱۳۹۷: ۷۶). افغانستان را می‌توان منبع ثروت‌یابی و تأمین امنیت ملی ایران تصور کرد؛ زیرا افغانستان از لحاظ منطقه‌گرایی اقتصادی و پیوندهای مختلف فرهنگی، سیاسی، عضویت در اتحادیه‌ها و پیمان‌های منطقه‌ای و همچنین با توجه به همسایگی علایق و سلاطین اقتصادی باشندگان دو کشور، پذیرای کالاهای ایرانی است، همچنین به دلیل اینکه این کشور به دلیل نبود زیرساخت‌های اقتصادی و توسعه در حال حاضر قادر به تولید کالا نیست، بازار مهم برای اقتصاد ایران به شمار می‌رود، علاوه بر این، همگرایی منطقه‌ای ایران با افغانستان و تحرک در روابط با آسیای مرکزی، افغانستان را به مرکزی برای صادرات ایران به بازار وسیع و تشنه آسیای میانه تبدیل خواهد کرد (عباسی و رنجبردار، ۱۳۹۰: ۲۱۴ و ۲۱۵). بررسی شاخص‌های توسعه اقتصادی- اجتماعی افغانستان نشان‌دهنده این است که حضور نظامیان خارجی، نه تنها به «بهبود وضعیت امنیتی، کاهش مواد مخدر و اشتغال پایدار» منجر نشده است، بلکه برعکس، «آمار کشته‌شده‌های غیرنظامیان، تولید مواد مخدر و بیکاری» به شکل بی‌پیشینه‌ای افزایش یافته است (رامیار و همکاران، ۱۳۹۷: ۲۷).

در طول تاریخ میان مردم افغانستان و ایران و مردم افغانستان بین خودشان تعاملات اقتصادی فراهم بوده است. از مناطق هزاره نشین (شیعه‌نشین) در افغانستان، محصولات کشاورزی و دامی به شهرهای مختلف مثل قندهار و کابل فرستاده شده و متقابلاً از این شهرها محصولات مثل مصنوعات و رخت به مناطق مذکوره حمل می‌گردید. این تجارت زمینه را برای تعامل مردم بیشتر کرده و تعصباتی آکنده از دروغ را برطرف می‌کرد. برای همین است که الآن در شهرهای افغانستان به دلیل حضور اقتصادی هزاره‌ها و شیعیان، تعصب کم‌تر است و زمینه برای طرح مسائل تقریبی فراهم است؛ اما در دهات دوردست که مرادوات اقتصادی فراهم نبوده است، افرادی وجود دارند که از شیعیان شناخت

غیرواقعی دارند و شیعیان را کافر می‌پندارند و زمینه طرح مباحث تقریبی از اساس منتفی است. افراط‌گرایان که بیشتر از همان دهات دوردست به میدان سیاست آمده‌اند، اکثریتشان چنین مفکوره‌های تنگ‌نظرانه‌ای دارند.

با این همه، فقر و بیکاری در کنار سایر عوامل، فرصت‌های اقتصادی برای ایران در افغانستان فراهم می‌آورد که با بهره‌گیری از آن‌ها می‌توان زمینه را برای طرح و اجرای راهبردهای تقریبی به سرانجام رسانید. فرصت سرمایه‌گذاری تجار ایرانی در افغانستان، سهم‌گیری ایران در بازسازی افغانستان، انتقال مهارت‌های کشاورزی و دامداری به دهات افغانستان، ساخت سد و جاده در این کشور و تشریک‌مساعی در استخراج و فراوری منابع و معادن غنی افغانستان را می‌توان فرصت‌هایی دانست که علاوه بر ایجاد ستاده‌های اقتصادی، عرصه را برای فعالیت‌های تقریبی آماده می‌سازد. البته استفاده از این فرصت‌ها مشروط است که از تمامی اقوام افغانستان به ویژه اقوام محروم در این عرصه‌ها با پشتیبانی ایران به کار گرفته شوند؛ زیرا هدف اصلی، تعامل و تقریب مردم افغانستان با همدیگر و ایجاد زمینه برای زندگی مسالمت‌آمیز آن‌ها است نه چیز دیگر.

ج- در حوزه سیاست

نوع ترسیم منافع و در پی آن رویکردهای سیاسی دولت‌های مسلمان در قبال یکدیگر زمینه را برای تقریب یا تبعید ملت‌ها فراهم می‌سازد. در طول تاریخ منافع دولت ایران در افغانستان، بیشتر در قالب رویکرد سیاسی-امنیتی و نه اقتصادی تعریف می‌شود؛ درحالی‌که منافع و رویکرد دولت افغانستان در ایران بیشتر اقتصادی است و این تفاوت منافع ناشی از تفاوت در ساختار سیاسی و اولویت‌های سیاست خارجی دو کشور است (یوسف زهی و همکاران، ۱۳۹۷: ۲۰۰). این تفاوت در منافع همواره باعث شده است تا

سیاست جمهوری اسلامی در طول تاریخ در افغانستان مقطعی و مبتنی بر خط‌مشی‌های کوتاه‌مدت باشد نه راهبردی و استراتژیک. این نوع سیاست‌گذاری باعث آسیب‌های زیادی برای هزاره‌های افغانستان نیز گردیده است؛ از انشعابات و نفاق داخلی بین شیعیان گرفته تا قلع و قمع آن‌ها به جرم شیعه بودن و زدن بر چسب‌هایی مثل جاسوس ایران و غیره. این در حالی است که در حوزه سیاست‌گذاری ایران در افغانستان با رویکرد تقریبی، باید با دید بلندمدت نگریده شود تا حداقل بتوان با تقویت شیعیان افغانستان زمینه را برای استفاده از قابلیت‌های تقریبی فراهم کرد و از فرصت‌های بی‌نظیر ایران در این عرصه بهره برد.

دشمنان و رقیبان جهانی و منطقه‌ای ایران نیز از فرصت‌های سیاسی ایران در افغانستان آگاه است. به تعبیر یکی از اندیشمندان: واشنگتن از فرصت‌های ایران در افغانستان آگاه است و می‌داند که در صورت تداوم حضور و نفوذ ایران در ابعاد مختلف به‌ویژه سیاسی - نظامی در افغانستان، ایران در نهایت یک پل زمینی ۲۰۰۰ مایلی از لبنان تا سوریه، عراق و تا افغانستان خواهد داشت؛ به‌زعم آمریکا، موقعیت و نفوذ ایران در افغانستان مرهون حضور نظامی آمریکا در این کشور است؛ لذا باهدف محدودسازی استراتژیک ایران، افغانستان را تخلیه کرده است (سلیمانی پور لک، ۱۴۰۰: ۲۵۱). حال ایران مانده است و گروه‌های افراطی. درحالی‌که در ۲۰ سال گذشته فرصت‌های عالی وجود داشت تا زمینه - سازی برای نفوذ بر سایر اقوام و مذاهب در افغانستان کرده و تقریب را راهبری کند.

تهدیدها

تهدیدهای فراروی تقریب در افغانستان نیز بسان فرصت‌ها ریشه بیرونی (بیرون از پدیده تقریب) دارند و در افغانستان بسیار فراوان هستند که در ادامه به آنها اشاره می‌شود.

الف- در حوزه فرهنگ

بزرگ‌ترین تهدید در برابر تقریب در افغانستان مفکوره‌های تنگ‌نظرانه است؛ بنا به عقاید برخی رهبران مذهبی، عرف و طبیعت اهالی هر منطقه از دلایل شرعی و منبع قانون‌گذاری است، اما آنان در این زمینه با تنگ‌نظری خاصی، عرف را محصور کرده و عرف و فرهنگ پشتون را به تمامی اهالی افغانستان تسری می‌دهند و نهایتاً معتقدند که عرف پشتون از منابع قانون‌گذاری در افغانستان باشد (حقانی، ۱۴۰۱: ۵۶-۵۸). علاوه براین، تهدیدهای دیگری را نیز می‌توان برای تقریب در این کشور برشمرد که در ادامه بدانها پرداخته می‌شود.

دین

در گذشته و امروز تهدیدات زیاد فرهنگی از جمله در گرایش‌های دینی و مذهبی در افغانستان وجود داشته است و اکنون نیز قدرتمندتر از گذشته وجود دارد؛ یکی از تهدیدات دینی افراط‌گرایی دینی است که به دلیل همین افراط‌گرایی، هزاران نفر در افغانستان قربانی شده‌اند. بیست سال پیش وقتی طالبان از آمریکا شکست خورد، رهبر این گروه ملا محمد عمر در یک سخنرانی بیان داشت که خداوند حکومت را به ما عطا کرد و ما نتوانستیم از آن محافظت کنیم، ما به دیگران ظلم کردیم زیرا تلاش کردیم با شلاق زدن مردم، شریعت را اجرا کنیم، بدون اینکه خود به این احکام عمل کنیم (فرمانیان و دیگران، ۱۳۹۸: ۳۲۲). افراطی‌گری و گرایش به انحرافات دینی که توسط دستگاه‌های

جاسوسی استکبار جهانی یعنی آمریکا و متحدانش در قالب داعش و ... ساخته شده و می‌شود، می‌تواند تهدیداتی را در افغانستان ایجاد نماید و مانع تقریب میان اقوام مسلمان افغانستان گردد. تلاش‌هایی از این دست باعث شده است که بسیاری از رهبران مذهبی تحت تأثیر آن‌ها عمل به غیر از مذهب حنفی همواره برای مردم افغانستان را عار دانسته و حتی ازدواج حنفی مذهبان با غیر احناف را نیز عار و ننگ قلمداد کنند (حقانی، ۱۴۰۱: ۵۲).

آموزش

از جمله تهدیدات فراروی تقریب در افغانستان می‌توان به دیدگاه خاص طالبان نسبت به آموزش علوم جدید و آموزش دختران اشاره کرد. حکومت طالبان تمام مدارس دولتی بخصوص مدارس دخترانه را در دوره اول حکومتشان (بیست سال قبل) بستند. رهبران این گروه نسبت به مدارس دولتی بسیار بدبین بودند. در برخی مدارس به دانش آموزان گفته می‌شد بگویند «مرگ بر مکتب» و کسی اجازه نداشت فرزندانشان را به مدرسه بفرستند (فرمانیان و دیگران، ۱۳۹۸: ۳۲۳ و ۳۲۴). این نگرش در مورد تحصیل مردم افغانستان در سراسر افغانستان به صورت فراگیر وجود داشت و در حال حاضر با بستن در مدارس به روی دختران این تهدیدها به صورت بالفعل و بالقوه پابرجا است که باعث می‌شود مردم از تحصیل علم و آگاهی بدور بمانند که خود عامل بسته ماندن اذهان و باقی ماندن نفرت و نفاق بین آحاد جامعه افغانستان است.

زبان

موضوع زبان در افغانستان می‌تواند یک فرصت باشد و یا یک تهدید؛ مردم افغانستان به زبان‌های مختلف تکلم می‌نمایند و مهم‌ترین آن‌ها زبان پشتو، فارسی دری، ازبکی است

که جزء فرهنگ عموم اقوام مسلمان افغانستان هستند. اما از زمان حاکمیت امان‌الله خان که تحت تأثیر افکار ناسیونالیستی محمود طرزی قرار داشت؛ تلاش کرد زبان فارسی را که سال‌ها زبان رسمی و اداری در افغانستان بود حذف نماید و زبان پشتو را جایگزین زبان فارسی دری کند (سینا، ۱۳۹۸: ۲). این تفکر در دوران پادشاهان بعد نیز ادامه پیدا کرد و هم‌اکنون نیز زبان فارسی در ادارات محدود شده است که این یک تهدید اساسی از ناحیه فرهنگ و زبان در افغانستان محسوب می‌شود. مبرهن است که این تهدید باعث از بین رفتن فرصت استفاده از ظرفیت اشتراک زبانی مردم افغانستان با ایران در حوزه تقریب می‌گردد.

ب- در حوزه اقتصاد

تهدیدهای راهبردی در حوزه اقتصاد فراوری عملیاتی‌سازی تقریب در افغانستان با مدیریت و رهبری ایران فراوان است. چنانچه قبلاً نیز بیان گردید، اقتصاد یکی از مؤثرترین ابزارهای نفوذ و کنترل و در پی آن اجرایی‌سازی راهبرد تقریب در هر جامعه به‌خصوص جامعه محروم افغانستان است. یکی از مهم‌ترین تهدیدها فراروی تقریب در افغانستان در حوزه اقتصادی، تهدیدهای قدرت‌های فرامنطقه‌ای و جهانی است که در راستای تأمین منافع اقتصادی و کنترل بازار افغانستان، در خارج از مرزهای افغانستان نیز دخالت‌های سیاسی و امنیتی را در استخدام منافع اقتصادی درمی‌آورند. به‌عنوان نمونه طرح خاورمیانه بزرگ به همین هدف بوده است که ذیل آن طرح تشکیل «بلوچستان بزرگ» با همکاری نهادهای امنیتی آمریکا و اسرائیل سیاستی است که در طول بیش از دو دهه گذشته، با بهره‌گیری از پتانسیل شکاف قومی در منطقه و ایده تعلق قوم بلوچ به سرزمین واحد و هویت مستقل از حکومت‌ها، برای مقابله با سرمایه‌گذاری‌های انرژی چین و هند در سواحل مکران دنبال شد (رفیع و بختیاری جامی، ۱۴۰۱: ۱۴). چین نیز به‌عنوان قدرت

فرا منطقه‌ای رقیب نخست ایران در صادرات کالا به افغانستان و قراردادهای استخراج معادن در این کشور است (یوسف زهی و همکاران، ۱۳۹۷: ۲۰۹).

قدرت‌های منطقه‌ای به‌خصوص کشورهای حوزه خلیج فارس تهدید جدی‌تری برای راهبرد اقتصادی ایران به هدف تقریب مذاهب در افغانستان هستند؛ زیرا این کشورها علاوه بر مباحث اقتصادی، نفوذ ایدئولوژیک عمیقی بر مردم افغانستان دارند که می‌توانند از آن برای نفوذ اقتصادی و نفاق بین مذاهبی نیز استفاده کنند. سیاست‌های دولت‌های افغانستان نیز معمولاً بر پایه جلب حمایت این بخش از کشورها بوده است. چنانچه اشرف غنی در دوران ریاست‌جمهوری‌اش بیان داشت: ما در پی ترغیب عربستان سعودی، امارت متحده عربی و دیگر کشورها هستیم که برنامه مصونیتی غذایی‌شان را با سرمایه‌گذاری درازمدت در سکتور زراعت ما مرتبط سازند (مشیرزاده و عارفی، ۱۴۰۰: ۳۳۸). مبرهن است که کشورهای حوزه خلیج فارس با امکانات اقتصادی و سرمایه‌ای که دارند توان بالایی نفوذ اقتصادی در افغانستان دارند تا ضمن تطمیع جمع کثیری از مردم، زمینه‌های همگرایی و تقریب آن‌ها را با جامعه تشیع آن کشور برای جلوگیری از نفوذ تشیع و ایران در افغانستان فراهم سازند.

تهدید جدی‌تر از همه در این زمینه پاکستان است؛ به تعبیری: هراندازه پاکستان بتواند در حوزه اقتصادی افغانستان موفقیت بیشتری کسب کند، ایران به همان میزان متضرر خواهد شد؛ بندرهای کراچی و در پاکستان همواره رقیب بندر چابهار ایران در ترانزیت اقتصادی افغانستان بوده است. پاکستان در دوره نخست طالبان نخستین کشور نقش‌آفرین در معادلات اقتصادی و سیاسی افغانستان بود (یوسف زهی و همکاران، ۱۳۹۷: ۲۰۸). روشن است که یکی از مهم‌ترین راه‌هایی که این مدت پاکستان بر افغانستان و به‌خصوص طالبان بیشترین نفوذ را داشته است، نفوذ این کشور در زمینه اقتصادی است که امروزه برای

پاکستان بازاری در تراز افغانستان وجود ندارد. چنین نفوذی باعث شده است که پاکستان در افغانستان سد راه تقریب و همگرایی میان اقوام و پیروان مذاهب مختلف افغانستان شود و این کشور همواره در تلاطم طوفان‌های افراطی‌گری سرگردان باشد. لذا برای تبدیل این تهدید به فرصت، بهترین راه برای جمهوری اسلامی گسترش راهبردی نفوذ اقتصادی با محوریت هزاره‌ها در لایه‌های مختلف بازار، صنعت، کشاورزی و معادن افغانستان است.

ج- در حوزه سیاست

تهدیدهای راهبرد تقریب در افغانستان در حوزه سیاسی لایه‌های متفاوت جهانی و منطقه-ای دارد. در بخش تهدید سیاسی در مقیاس جهانی، آمریکا را می‌توان ابر تهدید عنوان کرد؛ زیرا سیاست‌های این کشور در افغانستان همواره بر اساس نفرت پراکنی بین اقوام و مذاهب برای کنترل و گسترش هژمونیک سیاسی بوده است. به بیان یکی از اندیشمندان: اساس استراتژی آمریکا در منطقه خاورمیانه در طول نیم‌قرن گذشته همواره یکی از مهم-ترین مؤلفه‌های تأثیرگذار بر پویاها، فرایندها و سیر تحولات در این منطقه بوده است. فرصت واقعه ۱۱ سپتامبر در سال ۲۰۰۱ مرحله نوینی در سیاست آمریکا در خاورمیانه آغاز شد که شامل دو جنبه مهم بود: نخست تلاش برای تضعیف و یا در صورت امکان، تغییر در رژیم‌های کشورهای مخالف مانند عراق و ایران و دوم پیگیری سیاست تدریجی اصلاحات کنترل‌شده در کشورهای دوست و متحد استراتژیک سنتی اما اقتدارگرای این کشور (میرزائی، ۱۳۹۵: ۹۶). وجود تکثر قومی و مذهبی در شرق ایران و سر برآوردن گروه-های معارض مسلح با حمایت سیاسی و مالی آمریکا و ایدئولوژیک متحدان منطقه-ای آمریکا، در طول ۲۰ سال حضور آمریکا در افغانستان زمینه‌ساز بسیاری از نابسامانی‌های مرزی شده است (رفیع و بختیاری جامی، ۱۴۰۱: ۱۹). اکنون نیز نفوذ

اعراب به‌ویژه عربستان بر پاکستان، نفوذ بر طالبان، هماهنگی عربستان با غرب و آمریکا در ابعاد سیاسی و امنیتی می‌توانند زمینه‌ساز همکاری استراتژیک افغانستان با کشورهای حوزه خلیج فارس باشند (مشیر زاده و عارفی، ۱۴۰۰: ۳۳۸).

باید گفت که مک کریستال فرمانده آمریکایی با طرحی که ارائه داده بود، مناطق جنوبی افغانستان را از طالبان گرفت ولی به دلیل اینکه این کار سبب تضعیف موضع پاکستان به‌عنوان ایجادکننده و حامی اصلی طالبان شد، پاکستان از طالبان حمایت کرد و دوباره طالبان در جنوب افغانستان قدرت یافته (هدایتی شهیدانی و همکاران، ۱۳۹۹: ۱۴۲). دراین‌بین خروج آمریکا از افغانستان مبتنی بر سیاست کلان باز موازنه آمریکا و ایجاد فرصت رویارویی با رقبای هژمونیک در آسیا، اروپا و خلیج فارس است که با این حرکت سیاسی هم می‌تواند منابع و امکانات خود را به‌جای افغانستان در این مناطق متمرکز سازد و نیز برداشتن چتر امنیتی خود از افغانستان، زمینه ظهور و قدرت یافتن گروه‌های افراطی رادیکال را در این کشور به هدف ناامن سازی منطقه و درگیر سازی رقبای هژمونی خود فراهم سازد (سلیمانی پور لک، ۱۴۰۰: ۲۵۳). مبرهن است که دیدگاه گروه‌های افراطی نسبت به تقریب منفی است و ظهور مجدد این گروه در افغانستان تهدید جدی فراروی مباحث تقریبی در این کشور است.

بدتر اینکه در حال حاضر گروه دیگری موسوم به «ولایت خراسان» به‌عنوان شاخه‌ای از امارت اسلامی در افغانستان فعالیت می‌کند که حاکی از توانایی آنها در جذب گروه‌های افراطی و شبه‌نظامی و صدور تفکر رادیکال به خارج از مرزها و بخصوص ایران است (سلیمانی پور لک، ۱۴۰۰: ۲۴۹). لذا آنها قطعاً تهدید جدی و سدی مستحکم در مسیر تقریب در افغانستان است؛ زیرا اساساً قائل به نفی مذاهب دیگر و اقلیت‌ها از تمامی

ساختارهای این کشور است؛ بنابراین برای نیل به تقریب در افغانستان بایستی راهبرد جدید در مقابل آنها اتخاذ کرد.

قوت‌ها

نقاط قوت زیادی می‌توان برای تقریب در افغانستان برشمرد؛ ولی برای انسجام بیشتر مطالب، به احصاء آنها در قالب سه حوزه فرهنگ، اقتصاد و سیاست می‌پردازیم.

الف- در حوزه فرهنگ

نقاط قوت زیادی در حوزه فرهنگ در افغانستان وجود دارند که می‌توان با استخدام آنها، بر توسعه راهبرد تقریب در این کشور اهتمام ورزید؛ اما برای جلوگیری از تطویل مطلب، به مهم‌ترین آنها در ادامه پرداخته می‌شود.

دین

دین مهم‌ترین عنصر تمدن‌ساز است. برخی از ادیان به‌ویژه دین اسلام، از ویژگی فراگیری و جهان-شمولی برخوردار است که مسلمانان با توجه به این خصیصه می‌توانند ارتباط مناسب با تمام ملل جهان برقرار نمایند. خاتمیت و جامعیت به‌عنوان دو عنصر سازنده که دین اسلام از آن برخوردار است، در حوزه فرهنگ به این معنا است که اسلام به سرپرستی تمام جوامع در طول تاریخ نظر دارد (پارسانیا، قدس، ۱۳۸۸: ۱۸). ملت افغانستان اکثریت پیرو دین اسلام است. بازگشت به بایسته‌های فرهنگ اسلامی به‌عنوان قطب تمدنی ارزشمند و تأثیرگذار در منطقه، می‌تواند نقطه قوت برای تقریب در حوزه

فرهنگی برای آحاد ملت افغانستان باشد و به عنوان ابزار ارزشمند برای عملیاتی‌سازی
ابرنامه تقریب در این کشور میان مذاهب اسلامی ساکن در آن مورد استفاده قرار گیرد.

هنر

افغانستان در طول تاریخ گذرگاه فرهنگ و هنر بوده است و کشوری است که در مسیر
جاده ابریشم قرار دارد. این کشور همواره محل پیوند تمدن‌های بزرگ جهان بوده و یکی
از مهم مراکز بازرگانی و فرهنگی عصر باستان به شمار می‌رفته است. موقعیت مهم و
حساس ژئواستراتژیکی و ژئوپلیتیکی افغانستان در شکل دادن موزاییک غنی از فرهنگ‌ها
و تمدن‌های بزرگ هم چون ایران، آسیا مرکزی، خاورمیانه و آسیای جنوبی در این کشور
نقش اساسی داشته است (هیبرت، کمبون، ۲۰۰۸). آثار هنری و تاریخی افغانستان آوازه
جهانی دارند تعداد قابل‌توجهی از آثار هنری و تاریخی افغانستان به‌عنوان میراث فرهنگی
جهانی در سازمان علمی و فرهنگی سازمان ملل متحد (یونسکو) در سال ۲۰۰۳ ثبت
گردیده است (جاویدی، ۱۳۹۷: ۱۶). تمرکز بر داشته‌های هنری در افغانستان سنیان و
شیعیان این کشور را براین امر واقف می‌سازد که اولاً چنین داشته‌های تاریخی مرهون
وحدت آن‌ها بوده است و در ثانی این حقیقت را به آنان القا می‌کند که قبلاً جزء خراسان
بزرگ بوده اند و با سایر ساکنان آن خطه تاریخی مثل مردم ایران و کشورهای آسیای
میانه در تشریک مساعی چنین آثار هنری را خلق کرده اند. لذا در صورت بازگشت به
وحدت و تقریب، دوباره می‌توانند چنین افتخاراتی کسب کنند.

زبان

زبان از طریق ایجاد مرزهای مشخص و افزایش حس قدرت و هویت، می‌تواند به‌عنوان
یک نقطه قوت در وحدت میان اقشار جامعه در افغانستان کمک نماید. زبان به‌عنوان

معیار هویت فرهنگی می‌تواند مبین حقانیت هویت مردم افغانستان باشد؛ زیرا توانمندی‌ها و توده‌های جدیدی به واسطه آن با یکدیگر مرتبط می‌شوند، به نحوی که تصور می‌شود این جماعت همواره با یکدیگر با هویتی مشترک در ارتباط بوده‌اند. در سرزمینی مانند افغانستان که قومیت، مذهب و زبان همواره دغدغه و محل نزاع گروه‌های انسانی بوده است، اکنون باید از قدرت زبان در جهت حفظ وحدت و اهداف راهبرد تقریب بین مذاهب استفاده کرد (بووا، ۲۰۰۲: ۳).

ب- در حوزه اقتصاد

رویکرد اقتصادی ایران در افغانستان در دوران جمهوریت ناشی از نگاه فرصت محور به افغانستان بود. بازار مصرف ۳۲ میلیونی افغانستان، اقتصاد کاملاً مصرفی این کشور، خو گرفتن ذائقه میلیون‌ها افغانستانی با کالاهای ایرانی و توانایی ایران در زمینه صدور خدمات فنی و مهندسی به افغانستان از جمله مهم‌ترین فرصت‌های حضور اقتصادی ایران در افغانستان بودند (عباسی و رنجبردار، ۱۳۹۰: ۲۲۴). به نظر برخی از صاحب‌نظران، خراسان جنوبی و غرب افغانستان در کنار سیستان و بلوچستان، قلب هارت لند آسیا هستند (یوسف زهی و همکاران، ۱۳۹۷: ۸۰). مطابق با آمار وزارت زراعت افغانستان حداقل ۱۰ تا ۲۵ میلیون جریب زمین وجود دارد که قابلیت کشت و آبیاری را دارد ولی تاکنون دست‌نخورده باقی‌مانده است (مشیرزاده و عارفی، ۱۴۰۰: ۳۳۸). افغانستان در سال‌های اخیر جهش بزرگی در تولید زعفران داشته است، کیفیت زمین و آب کافی برای تولید زعفران در افغانستان زمینه را برای فعالیت‌های اقتصادی ایران در تولید این کالای استراتژیک در افغانستان فراهم سازد (یوسف زهی و همکاران، ۱۳۹۷: ۹۰).

از آنچه بیان گردید مشخص شد که در افغانستان فرصت‌های بی‌نظیر اقتصادی برای فعالیت‌های ایران وجود دارد که این فرصت‌ها ناشی از وجود زمینه‌های عالی در این کشور برای سرمایه‌گذاری و کار اقتصادی است. اینکه افغانستان به‌طور بالقوه عرصه فعالیت‌های اقتصادی گسترده ایران به‌عنوان سردمدار حوزه تقریب است، نقطه قوت کشور افغانستان در زمینه پذیرش فعالیت‌های تقریبی از دریچه اقتصاد است. ناگفته پیداست که بازوی داخلی فعالیت‌های تقریبی ایران در افغانستان هزاره‌های شیعه در آن کشور است؛ بنابراین برای دستیابی به هدف راهبرد تقریب، لازم است استفاده از نقطه قوت و ظرفیت اقتصادی افغانستان با محوریت هزاره‌های افغانستان به‌عنوان شریک راهبردی و لاینفک جمهوری اسلامی باشد.

ج- در حوزه سیاست

باید گفت که اکنون که طالبان در افغانستان حاکم است و تمامی امور را به‌عنوان یک حاکمیت تمامیت-خواه در این کشور به دست دارد، در وهله اول به نظر می‌رسد هیچ روزنه‌ای برای اجرایی ساختن راهبرد تقریب در این کشور وجود ندارد؛ اما نباید از نظر دور داشت که در بسا مواقع، تهدیدها را می‌توان به فرصت و نقاط ضعف را به قوت تبدیل کرد که این امر مستلزم طرح و اجرای استراتژی عالی است. چنانچه برخی از اندیشمندان به این روزنه این‌گونه اشاره کرده‌اند که: طالبان مهم‌ترین همکار برای کشورهای ضد افراطی‌گری مثل روسیه و ایران در امر مبارزه با داعش در افغانستان است و این دو کشور همواره در تلاش برای حفظ روابط با طالبان هستند (هدایتی شهیدانی و همکاران، ۱۳۹۶: ۶۴).

بنابراین هرچند طالبان نه قائل به تقریب هستند و نه می‌توانند به‌طور راهبردی شریک و همکار ایران باشند؛ با این وجود باید در نظر داشت که دشمن مشترک ایران و طالبان در حال حاضر داعش است که اکنون در حال سربازگیری در شمال افغانستان بوده و تلاش دارد تا افغانستان را به‌عنوان پایگاه و لانه قرار دهد و با استفاده از این جغرافیا راهبرد آمریکا را در ناامن‌سازی مرزهای چین و روسیه عملیاتی سازد. طالبان نیز با داعش در منازعه قدرت هستند و هرگز نمی‌خواهند با قدرت‌گیری داعش حکومت و قدرت دست داشته‌شان را به این زودی از کف بدهند. لذا در حال حاضر طالبان در شمال افغانستان با داعش در حال نبرد هستند. ایران نیز که دشمن ذاتی داعش بوده و در عراق و سوریه این گروه افراطی را ساقط کرد، می‌تواند با طالبان در زمینه مبارزه با داعش در افغانستان همکاری‌های مختلف نظامی و لجستیکی کند. این امر بیانگر نقطه قوت در پدیده تقریب در بستر افغانستان است که با استمرار همکاری‌های سیاسی ایران با طالبان، زمینه برای فعالیت‌های تقریبی و رشد و نفوذ شیعیان و هزاره‌های افغانستان نیز در تمامی عرصه‌ها فراهم شده و اقتدار شیعه در آن کشور محقق و نهایتاً مستحکم خواهد شد.

ضعف‌ها

همانند نقاط قوت، ضعف‌ها نیز خارج از ماهیت تقریب نیستند؛ در ادامه به بررسی نقاط ضعف تقریب در افغانستان در قالب فرهنگ، اقتصاد و سیاست پرداخته می‌شود.

الف- در حوزه فرهنگ

اهم مواردی که می‌توان به عنوان نقاط ضعف پدیده تقریب در افغانستان مطرح کرد عبارتند از:

علم

سرزمین افغانستان در طول تاریخ دانشمندان زیادی را به جهان اسلام و بشریت تحویل داده است، سابقه فرهنگی و تمدنی افغانستان از نظر علمی بسیار درخشان است؛ اما در پنجاه سال اخیر از جمله دوره اول حکومت طالبان، علاوه بر اینکه مدارس دولتی توسط این گروه بسته شدند، این گروه تغییرات اساسی در نظام آموزشی به وجود آورده بودند تا آنجا که یک سوم مضامین درسی را به علوم دینی اختصاص داده بودند. تعداد زیادی معلمان را اخراج و آن‌های که باقی مانده بودن، حقوق آن‌ها را نیز کاهش دادند (فرمانیان، همکاران، ۱۳۹۸: ۳۲۴). با این همه، بعد از سقوط طالبان و در طول بیست سال حضور آمریکا و حکومت جمهوریت و مصرف میلیاردها دلار در افغانستان، زیرساخت‌های آموزشی و علمی افغانستان به صورت مناسب ایجاد و بازسازی نشده است و تمام مصارفی که از کشورهای کمک‌کننده است بیشتر حیف میل شدند. هم‌اکنون با سرکار آمدن امارت اسلامی طالبان با اینکه امنیت سراسری در افغانستان ایجاد شده است؛ اما زمینه‌ی تحصیل برای مردم افغانستان اعم از مرد و زن با توجه به فرهنگ اسلامی و جایگاه مردم افغانستان فراهم نشده است و این یکی از نقاط ضعف علمی به شمار می‌آید؛ زیرا در صورت ضعف در علم و آگاهی، زمینه برای فعالیت‌های تقریبی نیز خود به خود از بین می‌رود؛ چونکه جامعه‌ی بسته و بدور از آگاهی هیچگاهی با هم کنار نیامده و تعصب آنها نسبت به همدیگر کاهش نخواهد یافت.

زبان

زبان وسیله‌ای است برای جلوگیری از آشفته‌گی و پراکنده‌گی و جدایی. در طول تاریخ افغانستان، تمام مردم این سرزمین و اقوام و تیره‌های گوناگون آن، در یک وجه پررنگ

باهم‌دیگر هم‌اندیشی و هم‌آوایی داشتند، پنجاه درصد مردم افغانستان فارسی‌زبان است و چهل درصد هم پشتوزبان. اکثر پشتوزبان‌ها زبان فارسی را هم مثل زبان پشتو مسلط هستند. در پاره‌ای از تاریخ بر موضوعات سیاسی و تصمیم‌گیری در سرزمینی مانند افغانستان که دارای اقوام و زبان‌های مختلف هستند این تفاوت‌ها اکثر محل نزاع گروه‌های انسانی بوده است و بیشتر به عنوان نقطه ضعف تجلی پیدا کرده است (بووا، ۲۰۰۲: ۳). اکنون حکومت با یک سیاست زبان‌ستیزی با کنار زدن زبان فارسی و زبان‌های دیگر نظیر «ازبکی» از مراکز دولتی و مراکز علمی به صورت هدفمند، در ضعف زبان و فرهنگ می‌افزاید و این اقدامات زمینه تعامل سازنده و در پی آن فعالیت‌های تقریبی و وحدت در این کشور را با محدودیت‌های اساسی مواجه می‌سازد.

ب- در حوزه اقتصاد

همواره یکی از مشکلات اساسی افغانستان دسترسی نداشتن به آب‌های آزاد بوده است؛ تجارت خارجی این کشور در طول تاریخ از راه‌های ترانزیتی زمینی دره خیبر و دریایی بندر کراچی انجام شده است که پس از تجزیه هند و پاکستان در سال ۱۹۴۷ و بروز اختلافات عمده مرزی با پاکستان در خصوص مسئله پشتونستان و خط دیورند، دو مسیر ترانزیتی مذکور همواره به عنوان سلاحی علیه افغانستان از سوی پاکستان استفاده شده است (عباسی و رنجبردار، ۱۳۹۰: ۲۱۲). در این بین سیاست اقتصادی ایران با توجه به ظرفیت‌ها و نیازهای اقتصادی بازار افغانستان و تحریم‌های غربی می‌بایست در تسهیل مراودات تجاری تهران-کابل فارغ از مباحث ایدئولوژیک بیش‌ازپیش کوشا باشد؛ زیرا رویکرد ایدئولوژیک همچون دهه ۱۳۶۰ نمی‌تواند منافع و اهداف اقتصادی هر دو کشور ایران و افغانستان را محقق کند (یوسف زهی و سنایی، ۱۴۰۰: ۱۷۴). اختلافات ایران و افغانستان بر سر حجم و توزیع زمانی استفاده از رودخانه‌های مشترک در حال تبدیل شدن

به بحران است (سینایی و جمالی، ۱۳۹۷: ۷۰). در نتیجه حضور ۲۰ ساله آمریکا در افغانستان نیز داعیه دموکراسی پنج بحران تقلب انتخاباتی، فساد اداری، اقتصاد رانتی، ناامنی و بنیادگرایی را در افغانستان وارد یا تشدید کرد که هر کدام بر فرایند توسعه اقتصادی و توسعه سیاسی در این کشور تأثیرات منفی گذاشت. البته مبانی هستی-شناسی طالبان هیچ سنخیتی با دموکراسی ندارد (سینایی و یوسف زهی، ۱۳۹۸: ۳۶۰). این موارد همه از نقاط ضعف عملیاتی سازی تقریب در افغانستان است.

نقاط ضعف تقریب از دریچه اقتصادی در افغانستان باعث شده است تا زمینه برای بروز تهدیدهای تقریب مثل دخالت پاکستان و آمریکا در امور افغانستان و نیز نفوذ ابر تهدید تقریب یعنی وهابیت در افغانستان به بهانه‌های واهی کمک‌ها مالی به مردم فقیر این کشور و پوشش معاش مساجد و مراکز تجمع جوانان افغان فراهم آید. نگارنده شاهد بوده است که جوانان زیادی از مردم افغانستان به دلیل فقر در دام حزب التحریر و وهابیت افتاده و برای امرار معاش در استخدام پاکستان برای تفرقه‌اندازی و دروغ‌پردازی در میان اهل سنت و تشیع درآیند. نمونه بارز سوءاستفاده عربستان از این خلأ، تأسیس مدرسه، دارالحفاظ، مسجد و دارالعلوم در شهرهای افغانستان به خصوص شهر هرات است تا مانع نفوذ ایران در این کشور شده و شعله نفاق و بدبینی بین اهل سنت و تشیع را روشن نگه دارد. برای غلبه بر این ضعف، نفوذ در نظام اقتصادی افغانستان بخصوص شهرهای بزرگی مثل هرات و کابل برای محرومیت‌زدایی با محوریت هزاره‌های شیعه افغانستان است تا هم تشیع در این کشور نبض اقتصادی را در دست گیرند و هم با دستگیری از برادران اهل سنت در افغانستان ضعف به قدرت تبدیل شده و شیعه ناجی پنداشته شود و این‌گونه زمینه فعالیت‌های تقریبی فراهم آید.

ج- در حوزه سیاست

به نظر می‌رسد، در سیاست نگاه به شرق ایران جایگاه و نقش مهم و استراتژیکی برای افغانستان تعریف نشده است و به‌جای آن به توسعه مناسبات سیاسی و تجاری با کشورهای چین، هند، پاکستان و روسیه تمرکز شده است، غافل از اینکه گستردگی و پیچیدگی روابط قدرت‌های مذکور با آمریکا و هم‌پیمانان آن، مانعی برای برقراری همکاری راهبردی آن‌ها با کشورهای مخالف هژمونی غرب مثل ایران است؛ لذا تعامل این کشورها با ایران در بسیاری از مواقع مقطعی بوده است (یوسف زهی و همکاران، ۱۳۹۷: ۲۰۰). دلیل این امر شاید این باشد که در دستگاه تصمیم‌گیری جمهوری اسلامی ایران نسبت به مسائل افغانستان تضاد، تعارض و رقابت وجود دارد که در تمامی مراحل تصمیم‌سازی نسبت به افغانستان تأثیرات منفی گذاشته و مانعی برای اخذ و اجرای تصمیم‌های مؤثر و استراتژیک سیاسی درزمینه افغانستان است. این امر موجب فرصت سوزی، تبدیل فرصت‌ها به تهدید می‌شود. (شفیعی، ۱۳۸۲: ۸۴۸). هرچند در حال حاضر ایران و طالبان به‌صورت مقطعی توانسته‌اند به همزیستی مسالمت‌آمیز دست یابند، اما پتانسیل روابط خصمانه آن‌ها به دلیل دیدگاه‌های ایدئولوژیک متعارض همچنان باقی است. اکثر شبه‌نظامیان سنی، شیعه‌گری ایران را بدعت می‌دانند؛ تمایل طالبان به تسری دادن مفکوره‌شان به خارج از مرزهای افغانستان و مرزهای طولانی با ایرانی از سوی دیگر، ایران را به آسیب‌پذیرترین همسایه در مقطع پس‌اخراج آمریکایی‌ها از افغانستان تبدیل کرده است (سلیمانی پور لک، ۱۴۰۰: ۱۵۲).

در کنار ضعف‌های فوق نباید از نظر دور داشت که سلطه گروه طالبان در افغانستان در درجه اول بزرگ‌ترین تهدید برای امنیت ملی ایران (به‌عنوان راهبر تقریب) در همه ابعاد محسوب می‌شود (رفیع و بختیاری جامی، ۱۴۰۱: ۲۰)؛ زیرا عقاید این گروه نسبت به

ایران دیدگاه منفی دارند و شیعیان افغانستان نیز از این نوع نگاه بی‌نصیب نیستند. چنانچه به نظر رهبران طالبان، لازم است تا دولت اسلامی ملتزم به یک مذهب خاصی باشد که تمامی ساکنان آن مملکت و یا اکثریتشان ملتزم به آن هستند؛ بنابراین دولت افغانستان مکلف است تا به مذهب حنفی در محاکمات و سایر شئون زندگی عمل نماید (حقانی، ۱۴۰۱: ۵۰). بر اساس ایدئولوژی این گروه، دولت نباید برای اقلیت‌ها در مقام قضا هیچ‌گونه امتیازی را بدهد، چون سهم ساختن اقلیت‌ها در مقام قضا، موجب تضعیف دولت می‌شود (پیشین، ۱۴۰۱: ۵۳). از نظر برخی رهبران مذهبی، هزاره‌ها مسلمان نیستند؛ بنابراین یا باید صد درصد مسلمان شوند (سنی حنفی شوند) و یا نزد برادران خود در ایران بروند و یا هم باید بمیرند؛ ملا عبدالمنان نیازی خطاب به هزاره‌ها در شهر مزار شریف گفته بود: هر جایی که بروید شما را دستگیر می‌کنیم، اگر در آسمان بروید از پایتان و اگر در زمین فرو روید از مویتان گرفته و شما را می‌کشیم، یا باید صد درصد مسلمان شوید و یا اینکه به ما جزیه و باج بدهید (فرمانیان و همکاران، ۱۳۹۸: ۳۲۶).

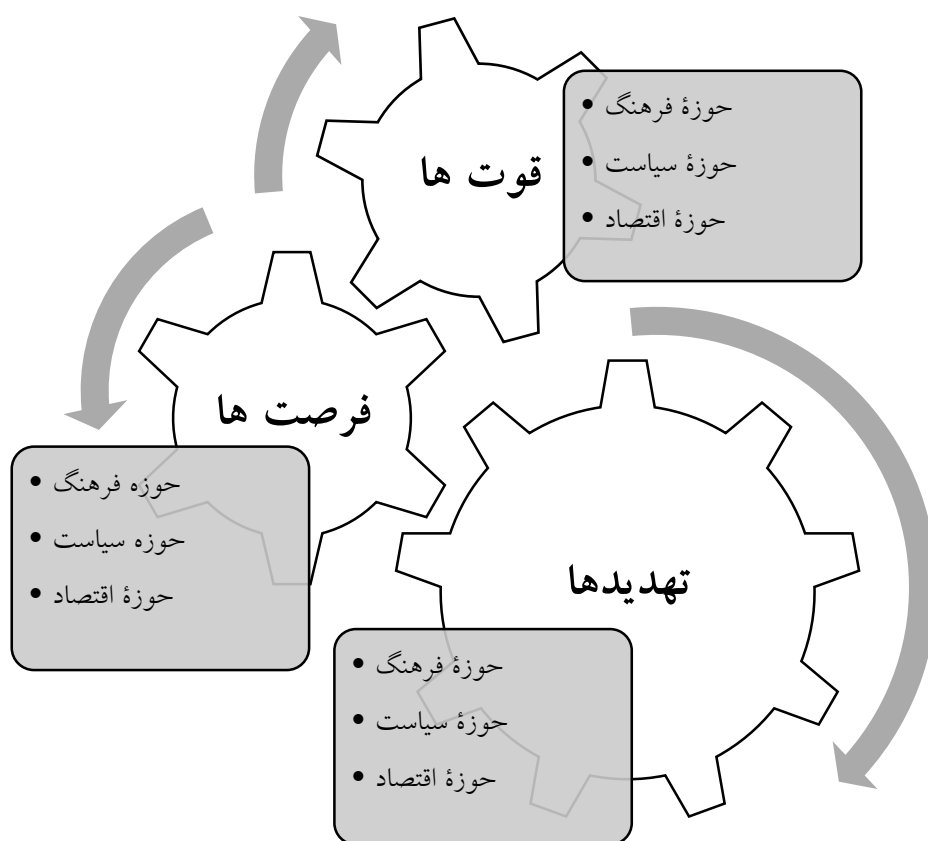
تمام آنچه بیان گردید بیانگر ضعف‌های اساسی در بستر افغانستان برای عملیاتی کردن تقریب از دریچه سیاسی است؛ اما با این وجود در صورت استفاده درست از فرصت‌ها و قوت‌ها در سایر زمینه‌ها، می‌توان این ضعف را نیز به قوت تبدیل کرد؛ زیرا با حمایت از طیف معتدل و تلاش برای تضعیف و یا نابودی دفعی و تدریجی طیف افراطی، می‌توان از دیدگاه‌های افراطی و مواضع تند آنان نسبت به هزاره‌ها و شیعیان افغانستان کاست و زمینه را برای نفوذ در قلب حاکمیت برای انجام فعالیت گسترده تقریبی و تعاملی فراهم آورد. البته این امر مستلزم صرف منابع و امکانات فراوان و سرمایه‌گذاری راهبردی روی نیروی انسانی هزاره‌ها به عنوان نیروی وفادار به آرمان‌های تقریب است.

نتیجه گیری

با توجه بدانچه بیان گردید، به نظر می‌رسد با مدیریت درست تقریب در افغانستان و طرح راهبرد مناسب در این خصوص که برآمده از تحلیل سوات و بررسی درست نقاط ضعف، قوت، فرصت‌ها و تهدیدها باشد، می‌توان به اهداف استراتژیک تقریب در این کشور دست یافت. تمرکز فعالیت‌ها و اقدامات تقریبی بایستی در سه حوزه فرهنگ، اقتصاد و سیاست محدود گردد. جدول و شکل زیر نمایانگر تحلیل سوات در مدیریت راهبردی تقریب در افغانستان است.

حوزه‌ها	حوزه فرهنگ	حوزه اقتصاد	حوزه سیاست
نقاط قوت	زبان + دین + هنر	بازار وسیع افغانستان + محبوبیت کالای ایرانی + همکاران داخلی دلسوز	اسلام سیاسی در افغانستان + استکبار ستیزی توده و حاکمیت در افغانستان
نقاط ضعف	دانش + زبان	حصر افغانستان در خشکی + نبود زیرساخت های اقتصادی + دور بودن هزاره ها و شیعیان از اقتصاد افغانستان	افراط گرایی در افغانستان + عدم اولویت مسائل افغانستان برای ایران + دور بودن شیعیان افغانستان از قدرت

فرصت‌ها	زبان + دانش	سرمایه گذاری (کشاورزی و دامداری) + بازسازی + تجارت + استخراج معادن	خطر داعش + وجود دشمنان مشترک مثل استکبار و رژیم صهیونیستی + داعیه مشترک دین سیاسی
تهدیدها	دین + آموزش + زبان	طرح خاورمیانه بزرگ + رقبای جهانی، منطقه‌ای و همسایگان	افراط گرایی در افغانستان + کشورهای حامی افراطی‌گری + نفوذ سرویس‌های امنیتی خارجی در افغانستان



منابع

۱. ابراهیم پور حیدر، بررسی نقش مدیریت استراتژیک در کارآفرینی سازمانی، پژوهش‌های مدیریت، ۱۳۹۰ شماره ۹.
۲. اسماعیل‌زاده یاسر، نگرشی به وحدت و تقریب مذاهب در سیره و گفتار امام رضا (ع) فصلنامه فرهنگ رضوی، ۱۳۹۴، شماره ۱۵.

۳. بابای محمدباقر، جنگ نرم گونه شناسی عملیات روانی، معاونت فرهنگی تبلیغات دفاعی نیروی‌های مسلح، ۱۳۸۷، شماره ۳.
۴. باهوش فاردقی، محمود، بررسی قدرت نرم در سیاست بین‌الملل با تکیه بر سیاست نرم‌افزارانه‌ی آمریکا در افغانستان، فصلنامه سیاست، سال دوم، شماره ۵، بهار ۱۳۹۴، صص ۹۹-۱۱۴.
۵. بختیاری، محمد عزیز، شیعیان افغانستان، قم مؤسسه شیعه شناسی، سال ۱۳۸۵.
۶. بووآ راسل، زبان شناسی تاریخی، فصلنامه زبان و تمدن دانشگاه جورجیا، مترجم ابوالفضل جمشیدی، ۲۰۰۲، شماره ۳.
۷. پارسانیا حمید، رنسانس دینی فرصت‌ها و تهدیدها، فصلنامه قدس، ۱۳۸۸، شماره ۱۲.
۸. تسخیری محمدعلی، اندیشه تقریب، فصلنامه هفت‌آسمان، ۱۳۸۷، شماره ۱۹.
۹. جاویدی غلام‌رضا، آثار تاریخی بامیان ثبت‌شده در یونس کوه، فصلنامه پژوهش‌های مدیریت و علوم، ۱۲۹۷، شماره ۶.
۱۰. حاجیان، خدیجه، دیپلماسی فرهنگی: مطالعه موردی کشورهای افغانستان و تاجیکستان، چاپ اول، تهران، پژوهشگاه هنر و ارتباطات، ۱۳۹۴.
۱۱. حقانی، شیخ عبدالکریم، امارت اسلامی افغانستان، تأییدیه: امیرالمؤمنین شیخ مولانا هبت الله آخوندزاده، مترجم: دکتر محمد صالح مصلح، چاپ اول، هلند، انتشارات شاه مامه، ۱۴۰۱.
۱۲. رامیار، جواد و همکاران، نقش کمک‌های خارجی در توسعه اقتصادی-اجتماعی افغانستان، دو فصلنامه علمی-پژوهشی جامعه‌شناسی سیاسی جهان اسلام، دوره ۶، شماره ۲، پاییز و زمستان ۱۳۹۷.

۱۳. رفیع، حسین، بختیاری جامی، محسن، هژمونی آمریکا در افغانستان و چالش امنیت در شرق ایران (۲۰۲۱-۲۰۰۱)، فصلنامه مطالعات جهان اسلام، سال ۱۱، شماره ۲، تابستان ۱۴۰۱، صص ۱-۲۳.
۱۴. زرقانی، سید هادی، اعظمی، هادی، لطفی، امین، بررسی شیوه‌ها و سیاست‌های مدیریت مرزها و نقش آن در امنیت مرز (نمونه موردی: مرزهای شرقی ایران)، مجله جغرافیا و توسعه ناحیه‌ای، شماره ۲۰، بهار و تابستان ۱۳۰۲، صص ۸۳-۱۰۸.
۱۵. سلیمانی پور لک، فاطمه، خروج آمریکا از افغانستان؛ بازتاب استراتژی باز موازنه، فصلنامه علمی رهیافت‌های سیاسی و بین‌المللی، دوره ۱۳، شماره ۲، زمستان ۱۴۰۰، صص ۲۳۳-۲۵۸.
۱۶. سینا یعقوب، جایگاه زبان فارسی دری در افغانستان، فصلنامه فرهنگستان، ۱۳۹۸. شماره ۱.
۱۷. سینایی، وحید، جمالی، جواد، دیپلماسی اقتصادی ج.ا.ایران در افغانستان و مدیریت اختلافات آبی دو کشور (با کاربری رویکرد اقتصاد نهادگرا)، فصلنامه مطالعات راهبردی سیاست‌گذاری عمومی، دوره ۸، شماره ۲۸، پاییز ۱۳۹۷، صص ۶۹-۹۳.
۱۸. سینایی، وحید، یوسف زهی، ناصر، سنجش وضعیت توسعه اقتصادی افغانستان در عصر دموکراسی سال‌های ۲۰۰۱ تا ۲۰۱۷، دو فصلنامه مطالعات اوراسیای مرکزی، دوره ۱۲ شماره ۲، پاییز و زمستان ۱۳۹۸، صص ۳۴۵-۳۶۳.

۱۹. شفیعی، نوذر، ارزیابی راهبرد سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران در افغانستان، فصلنامه مطالعات راهبردی، سال ۶، شماره ۴، زمستان ۱۳۸۲، صص ۸۲۶-۸۵۱.
۲۰. شیر خانی، محمدعلی، سبحانی، مهدی، اقتصاد سیاسی نظامی‌گری و مداخله نظامی آمریکا در افغانستان، فصلنامه سیاست، شماره ۴، زمستان ۱۳۹۲، صص ۱۱۷-۱۳۴.
۲۱. عباسی، ابراهیم، رنجبردار، مجید، کمک‌های مالی ایران به افغانستان: اهداف و آثار اقتصادی آن، فصلنامه روابط خارجی، شماره ۳، پاییز ۱۳۹۰، صص ۱۹۵-۲۲۹.
۲۲. عباسی، ابراهیم، رنجبردار، مجید، کمک‌های مالی ایران به افغانستان: اهداف و آثار اقتصادی آن، فصلنامه روابط خارجی، سال ۳، شماره ۳، پاییز ۱۳۹۰، صص ۱۹۵-۲۲۹.
۲۳. فردیک هیبرت و پیتز کمون، گنجینه پنهان افغانستان از موزیم کابل، جئو گرافیک واشینگتن، ۲۰۰۳.
۲۴. فرمانیان، مهدی و همکاران، جریان‌شناسی سلفی‌گری معاصر، چاپ اول، قم، دارالاعلام لمدرسه اهل البيت، ۱۳۹۸.
۲۵. کشیل دلیو، اربابان استراتژی، انتشارات بارزگانی هاروات، سال، ۲۰۱۰.
۲۶. مشیرزاده، حمیرا، عارفی، مهدی، چرخش در سیاست خارجی افغانستان در دوره اشرف‌غنی: رویکرد ادراکی، دوفصلنامه مطالعات اوراسیای مرکزی، دوره ۱۴، شماره ۲، پاییز و زمستان ۱۴۰۰، صص ۳۲۲-۳۴۵.

۲۷. مهدی فرمانیان و جمعی از نویسندگان، جریان شناسی سلفی گری معاصر، قم انتشارات دارالاعلام، سال ۱۳۹۸، نوبت اول.
- میرزائی، محمدمهدی، استراتژی آمریکا در افغانستان و علل عدم موفقیت سیاست‌های آن کشور، فصلنامه سیاست، سال سوم، شماره ۱۱، پاییز ۱۳۹۵، صص ۷۹-۹۹.
۲۸. ناصری داودی عبدالمجید، مشاهیر تشیع در افغانستان، قم انتشارات بین‌المللی المصطفی، سال ۱۳۹۰.
۲۹. نصیری یار محمد، سه رویکرد برتر در مدیریت استراتژیک، ماهنامه تدبیر، ۱۳۸۸، شماره ۱۷۳.
۳۰. هدایتی شهیدانی، مهدی، پادروند، مهدی، عزتی، محسن، بررسی هم‌پوشانی سیاست خارجی روسیه و ایران در افغانستان با توجه به تحولات نوین خاورمیانه (۲۰۱۶-۲۰۱۷)، ماهنامه آفاق علوم سیاسی، شماره ۷، آبان ۱۳۹۶، صص ۵۵-۶۶.
۳۱. هدایتی شهیدانی، مهدی، سلمان زاده، میلاد، بابایی، محمدرضا، واکاوی سیاست خارجی ترامپ نسبت به افغانستان با تأکید بر توافق‌نامه صلح با طالبان در سال ۲۰۲۰، دو فصلنامه سیاست و روابط بین‌الملل، دوره ۴، شماره ۸، پاییز و زمستان ۱۳۹۹، صص ۱۳۷-۱۵۲.
۳۲. وامقی روشنگر، مرندی، سید علی‌رضا، سجادی فیروزه، تحلیل راهبردی وضعیت موجود در خصوص کودکان خردسال ایرانی، *swot* فصلنامه علمی پژوهشی رفاه اجتماعی، ۱۳۸۹، شماره ۳۵.

۳۳. یوسف زهی، ناصر، سنایی، وحید، کشورداری اقتصادی توسعه ایران در افغانستان (روایتی صدساله ۱۲۹۸-۱۳۹۸ ش)، فصلنامه علمی مطالعات راهبردی سیاست‌گذاری عمومی، دوره ۱۱، شماره ۳۸، بهار ۱۴۰۰، صص ۱۵۴-۱۷۹.
۳۴. یوسف زهی، ناصر، فرزانه پور، حسین، بخشی، احمد، آسیب‌شناسی روابط بازرگانی ایران و افغانستان از منظر رهیافت اقتصاد سیاسی (۲۰۰۱-۲۱۸)، پژوهشنامه علوم سیاسی، سال ۱۳، شماره ۲، بهار ۱۳۹۷، صص ۱۸۷-۲۲۴.
۳۵. یوسف زهی، ناصر، فرزانه پور، حسین، بخشی، احمد، جایگاه جغرافیای اقتصادی خراسان جنوبی در نمود ایده‌ی اقتصاد شرقی ایران (با تأکید بر افغانستان)، مجله پژوهش‌های جغرافیای سیاسی، سال ۳، شماره ۲، تابستان ۱۳۹۷، صص ۶۹-۹۹.

راهکارهای تقریب و همگرایی مذاهب اسلامی در پرتو نقل و عقل با رویکرد جامعه افغانستان

محمد جواد عرفانی^۱

چکیده

وحدت و همگرایی یکی از عوامل موفقیت، پیروزی، عزت و عظمت یک جامعه و کشور می باشد اما با کمال تأسف امروزه مهم ترین فرایند سیاسی در ارتباط با جوامع اسلامی روابط منازعه آمیز دولتهای اسلامی است، این منازعه هم در سطح داخلی یک کشور میان قومیتها و فرقه های مختلف جوامع اسلامی وجود دارد که منشأ آن برتری جویی، انحصار طلبی، اختلافات مذهبی و... می تواند باشد و در سطح بیرونی در تعاملات سیاسی بین دولت ها و ملت ها نیز نمود و ظهور داشته است. وجود این منازعه چه در سطح داخلی و چه در سطح بیرونی ثمره ای جز ذلت، حقارت و شکست در عرصه های مختلف زندگی، چیزی دیگری نمی باشد؛ لذا در مقاله حاضر تحقیق پیرامون تقریب و ایجاد همگرایی در کشور های اسلامی صورت گرفته و با تبیین مفاهیمی از قبیل: تقریب، همگرایی، وحدت و با طرح پرسش اصلی و فرعی که عبارت است از: راهکارهایی تقریب و همگرایی، ضرورت آن از نگاه عقل و نقل و ارائه راهکار مبتنی بر

^۱. فارغ التحصیل سطح چهار جامعه المصطفی العالمیه، erfani njawad@gmail.com

آیات و روایات با رویکرد مشکلات کشور افغانستان پاسخ داده شده و در نهایت به این نتیجه رسیده است که ایجاد تقریب و همگرایی از نظر عقل و نقل امر ضروری و غیر قابل انکار است. و عزت، اقتدار ملی، سیاسی و فرهنگی یک کشور در گرو اتحاد، همگرایی و اخوت اسلامی می باشد. و برای برون رفت از تفرقه، اختلاف و رفع واگرایی، راهکارهایی متعدد مطرح گردیده.

کلید واژه: تقریب، همگرایی، وحدت، قرآن، سنت و عقل.

مقدمه

بدون تردید وحدت و همگرایی یکی از عوامل موفقیت، پیروزی، عزت و عظمت یک جامعه و کشور می باشد اما با کمال تأسف در جهان اسلام و بخصوص در کشور افغانستان که جزء کشورهای اسلامی می باشد آنچه مشاهده می کنیم نقطه ی مقابل وحدت و همگرایی، واگرایی، یعنی اختلاف، نفاق و فتنه های ریشه دار که طبعن ثمره ی آن، جز ذلت، حقارت و شکست در عرصه های مختلف زندگی، برای جوامع اسلامی چیزی دیگری در پی ندارد مشاهده می کنیم مسلماً آتش بیار معرکه ی این اختلافات و فتنه انگیزی ها در جهان اسلام دشمنان جوامع اسلامی هستند که با سیاست های استعماری و تربیت کردن گروههای تندرو، تحت عناوین مختلف با القاب اسلامی درکشور های اسلامی، مسلمانان را به جان هم انداخته است و در یک کلام دشمنان اسلام برای تضعیف و تسلط بر کشورهای اسلامی همه ی امکانات سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و نظامی خود را در صحنه ی بین المللی بکار گرفته اند؛ لذا برای نجات از نقشه های شوم دشمن و رسیدن به عزت و استقلال سیاسی، فرهنگی و... نیاز به تقریب و همگرایی می باشد.

بنا بر این دستیابی به چنین امر مهمی (تقریب و همگرایی) نیاز به راهکارهای اساسی دارد که در مقاله حاضر، مورد تحقیق و بررسی قرار گرفته است.

مقاله مورد نظر در یک چار چوب نظری به چند پرسش پاسخ داده است:

یک: پرسش اصلی این است که راهکارها برای تقریب و ایجاد همگرایی اقوام و مذاهب اسلامی بخصوص در افغانستان چیست؟

دو: پرسش فرعی، مقصود از تقریب و همگرایی مذاهب اسلامی چیست؟

سه: تقریب و همگرایی چه ضرورتی دارد؟

۱- پیشگامان تقریب

موضوع وحدت و تقریب مذاهب اسلامی، یکی از مسائل مهم جهان اسلام به شمار می آید. از نظر تاریخی به خوبی روشن است که پیشرفت مسلمانان در پرتو همدلی و وحدت آن ها و عقب ماندگی و شکست آنان در عرصه های گوناگون سیاسی، علمی، اجتماعی، اقتصادی و... نتیجه ی اختلافات و پراکندگی میان آنان بوده است، تقریب و همگرایی مذاهب اسلامی از مقوله هایی است که از دیرباز مورد توجه عالمان و خادمان به مکتب اهل بیت (علیهم السلام) بوده و تا گسترش واقعی اسلام بر تمام عالم ادامه پیدا خواهد کرد ؛ لذا در طول تاریخ اسلام، دانشمندان و عالمان دینی بزرگی وجود داشته اند که در راستای حفظ اقتدار، عزت، ترقی و تعالی مکتب حیات بخش اسلام برای ایجاد صلح و مدارا میان مسلمانان و سازگاری مذاهب اسلامی کوشیده اند. مصلحان، عالمان و روشنفکران زیادی اعم از شیعه و سنی به مقوله وحدت اسلامی توجه داشته اند که از جمله این بزرگان می توان به افرادی چون سید جمال الدین اسدآبادی، شیخ محمد عبده، آیت الله بروجردی، شیخ شلتوت، سید قطب، امام خمینی (ره)، مقام معظم رهبری و... اشاره نمود. این شخصیت های برجسته ی جهان اسلام، اتحاد و همبستگی ملتها و فرقه های اسلامی را در اوضاع و احوال که دشمن از همه طرف به آنها هجوم آورده و پیوسته با وسایل مختلف در پی توسعه اختلافات کهن و تولید اختلافات نوین است از ضروری ترین نیازهای اسلامی می دانستند و میدانند، که با در نظر داشتن ضرورت وحدت و همبستگی میان امت اسلامی برای ایجاد سازگاری بین فرق و مذاهب اسلامی تلاش

فراوان کرده انده سید جمال‌الدین اسدآبادی (۱۲۷۵-۱۲۱۷ش): عالم روشنفکر بود که برای تقریب مذاهب اسلامی، سفرهایی به مناطق مختلف جهان اسلام داد. آیت‌الله بروجردی: (۱۳۴۰-۱۲۵۴ش) مرجع تقلید شیعه بود. حمایت از دارالتقریب بین المذاهب الاسلامیه، توجه به فقه مقارن و معرفی فقه شیعه به اهل سنت از اقدامات تقریبی او به شمار می‌رود.

شیخ محمود شلتوت (۱۳۸۳-۱۳۱۰ق): عالم اهل سنت و از اساتید دانشگاه الازهر در مصر بود. او از مؤسسان دارالتقریب المذاهب الاسلامیه بود، صدور فتوای جواز عمل طبق فقه شیعه، کرسی تدریس فقه مقارن و ارتباط با علمای شیعه از اقدامات تقریبی او بود. همچنین در این مجموعه، امام موسی صدر، محمد عبده، محمد غزالی، محمدحسین کاشف‌الغطاء، سید قطب، محمدجواد مغنیه و ... از پیشگامان تقریب معرفی شده‌اند. (آذر شب ۱۳۸۴/ ۱۸۲)

تأسیس دارالتقریب بین المذاهب الاسلامیه در قاهره با حضور مرحوم شیخ محمدتقی قمی در قاهره و پیوستن علمای بزرگ شیعه؛ مانند شیخ جعفر کاشف‌الغطاء، شرف‌الدین، ملاصالح مازندرانی، آیت‌الله العظمی حکیم، علامه هبه‌الدین شهرستانی، علامه سیدمحسن امین عاملی - رحمهم الله - به آن، همچنین حمایت آیت‌الله العظمی بروجردی؛ از این طرح و همکاری او با علمای الازهر؛ مانند شیخ محمد شلتوت، شیخ عبدالمجید سلیم، شیخ سلیم البشیری، شیخ الباقوری و... روابط حوزه‌ی علمیه قم و جامعه الازهر را عمیق تر کرد، تاجایی که الازهر کتب شیعه، مثل «مجمع البیان» طبرسی و «المختصر النافع» محقق حلّی را به طبع رسانید و فتوای معروف به رسمیت شناختن شیعه از سوی شیخ محمود شلتوت، شیخ بزرگ الازهر صادر شد ولی پس از دو دهه، این حرکت به علت فوت برخی از رهبران آن، کند شد و مجله‌ء خوب آن؛ یعنی «رساله الاسلام» پس از چاپ شماره ی ۶۰ آن، متوقف شد. تأسیس «مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی» در تهران در ادامه ی فعالیت های دارالتقریب، پس از پیروزی انقلاب شکوهمند اسلامی ایران به فرمان رهبر معظم انقلاب، حضرت آیت‌الله خامنه‌ای این مجمع، از

ابتدای تأسیس، گام های بلندی را در راه تقریب برداشته و فعالیت های زیادی کرده است و از آنجا که دعوت به تقریب، دعوتی منطقی، هماهنگ با روح کتاب و سنت و منسجم با تعالیم پیامبر گرامی اسلام (صلی الله علیه و آله) و ائمه معصومین (علیهم السلام) بوده و هست با موفقیت های بسیاری همراه بوده است.

۲- مفهوم شناسی

اما ناگفته نماند که مسئله ی تقریب با چالش ها، مخالفت ها و بحران های نیز رو به رو بوده است که این چالشها بر خواسته از تفکرات تند و تعصب های بیجا و غیر منطقی از سوی بعض پیروان هردو مذهب صورت گرفته و منشأ بعض چالش ها نیز ابهام در معنی و مفاهیمی است که در این موضوع، بکار رفته است؛ لذا برای شناخت این مفاهیم، اهمیت و ضرورت آن، ابتدا لازم است مفهومی روشن از آن ارائه شود. بنا بر این ابتدا اصطلاحات از قبیل «تقریب، همگرایی و وحدت ..» که به کار می رود باید روشن گردد:

۲-۱- چیستی تقریب

تقریب اسم مصدر به معنای نزدیک کرد و نزدیک گردانیدن است. (انوری، ۱۳۸۱:

(۳)

همچنین گفته شده است واژه «تقریب» از باب تفعیل و از ماده «قرب» به معنای نزدیک و نزدیکی اخذ شده است، چنانکه گفته اند: «قرب» اصل صحیح یدل علی خلاف البعد» در جای دیگر آمده است: چنانکه گفته شده: «قرب: اصل صحیح یدل علی خلاف البعد» (ابن فارس، ۵ / ۸۰). «القرب نقیض البعد» بنابر این قرب (نزدیکی) عکس بعد (دوری) است و تقارب (نزدیک شدن به یکدیگر) ضد تباعد (دوری جستن از یکدیگر است). الاصمعی: «إذا رفع الفرس یدیه معا و وضعهما معا، فذالك التقريب» (ابن منظور، ۱۱ / ۸۲-۸۵)

تقریب مذاهب اسلامی در اصطلاح کوشش جدی برای تحکیم روابط میان پیروان این مذاهب از راه درک اختلاف های موجود میان خود و زدودن پیامدهای منفی این اختلاف ها و نه اصل اختلاف ها. به عبارت دیگر تقریب نزدیک کردن دیدگاه ها و هماهنگی مواضع مسلمانان است. (خسروشاهی، ۲۲/۱۳۸۹).

از تعریف اصطلاحی و لغوی تقریب می توان نتیجه گرفت که مقصود از تقریب مذاهب اسلامی، تقریب پیروان مذاهب اسلامی است یعنی از راه بحثهای علمی، کلامی، تفسیری، حدیثی، اصولی و فقهی، با اجتماع عالمان و اندیشمندان مذاهب اسلامی برای طرح مسائل نظری اجتهادی در فضای سالم و به دور از تعصبات، تقریب امکان پذیر است یعنی تمام پیروان مذاهب اسلامی به خصوص عالمان دینی با حفظ مذاهب شان و بر اساس گفتگوهای علمی به جهت تبیین مشترکات دینی و رفع سوء برداشت های مذهبی، هر چه بیشتر زمینه اتحاد و انسجام امت اسلامی را فراهم سازند.

۲-۲- چستی همگرایی

برای همگرایی، تعاریف متعددی ارائه شده است که بعض آنها ذیلا ذکر می شود:
در معنای همگرایی گفته اند: همگرایی عبارت است از پیوستگی و نزدیکی اعضاء یا اجزای یک مجموعه به یکدیگر، مقابل واگرایی، (انوری: ۸ / ۸۴۱۱)

الف) همگرایی عبارت از فرایندی است که طی آن واحدهای سیاسی به طور داوطلبانه از اعمال اقتدار تام خویش برای رسیدن به هدفهای مشترک، صرف نظر کرده، از یک قدرت فوق ملی پیروی میکنند. (قوام، ۱۳۷۰ / ۲۲۳).

ب) همگرایی فرایندی است که طی آن بازیگران سیاسی چندین واحد ملی مجزاً ترغیب می شوند تا وفاداریها، فعالیتهای سیاسی و انتظارات خود را به سوی مرکز جدیدی معطوف دارند که نهادهای این مرکز یا از صلاحیتی برخوردارند که دولتهای ملی موجود را تحت پوشش خود بگیرند و یا چنین صلاحیتی را می طلبند. (پیشداد، ۱۳۸۳ / ۲۴).

ب) همگرایی، تبیینی برای برخی فرایندها در روابط بین الملل و نسخه ای برای برطرف ساختن ستیزهای جهانی و منطقه ای است. (گریفیتس، ۱۳۸۸/۱۱۰۰)

د) همگرایی در علوم سیاسی عبارت است از فرایندی که در آن، دولت ها یا واحدهای سیاسی برای دست یابی به اهداف مشترک شان، داوطلبانه و آگاهانه، بخشی از حاکمیت و اقتدار عالی خود را به مرکزی فراملی واگذار می کنند؛ به عبارتی دیگر، همگرایی، بیانگر شرایطی است که در آن، سازمان های اجتماعی، اقتصادی، سیاسی، امنیتی و دستگاه های ارتباطی واحدهای گوناگون، با حذف عوامل اختلاف برانگیز و تعصبات ملی گرایانه، به سود اهداف جمعی و منافع مشترک، به حدی به هم نزدیک می شود که نظام جدیدی از روابط، جایگزین نظام پیشین می گردد. (ولایتی و سعید محمدی: ۱۳۸۹/۱۵۳).

نکته قابل یادآوری این است که در مباحث تقریب و وحدت کسانی که قلم زده است یا سخن رانده است از واژه «همگرایی» خیلی استفاده نکرده اند به عنوان نمونه امام خمینی (ره) از بنیان گزاران تقریب، بیشتر تعبیری مانند: تفاهم، وحدت کلمه، امت اسلامی، همسویی و همکاری، متحد، اتحاد، اتفاق، مسلمانان جهان، مجتمع، تشریک مساعی، اعتصام بحبل الله، جهان اسلام، ممالک اسلامی و... به ویژه برادری و اخوت اسلامی را به کار برده اند. (فولادی، ۱۳۸۷/۱۲۶). که همگرایی، یکی از آن مقاصد است.

با استفاده از معنای لغوی همگرایی و تعاریف متعدد که مطرح گردیده به نظر می رسد آنچه که غرض علماء و مصلحان بزرگ از اتحاد یا وحدت مسلمانان تاکنون بوده است، همگرایی پیروان مذاهب اسلامی است. یعنی پیوستگی و نزدیکی مجموعه مسلمانان؛ زیرا آنچه از این واژه به ذهن می آید همسویی و هم جهت شدن مسلمانان برای اهداف مشترک است والا معنایی غیر از این که عبارت باشد از حصر مذاهب به یک مذهب یا اخذ مشترکات مذاهب و طرد مفترقات آنها نه امکان پذیر است و نه هدف کسانی است که ندای اتحاد مسلمانان را سر داده اند، بلکه منظور این دانشمندان، متشکل

شدن مسلمانان است در یک صف در برابر دشمنان مشترک.

در نتیجه می توان گفت: مراد از همگرایی و اتحاد، رها کردن مایه های اختلاف و اتفاق بر نقاط اشتراک و ایجاد وحدت کلمه و تشکیل صف واحد در مقابل دشمنان است.

۳-۲- چستی وحدت.

در کتب لغت واژه وحدت، از ریشه «وحد» و «یحد»، «حده» و «واحداً» گرفته شده و معنای تنها بودن و تنهایی را می رساند. (فرید وجدی، ۱۰/ ۶۴۵) به گفته راغب «وحدت» از «واحد» گرفته شده و واحد در حقیقت شیء است که به طور قطعی جزء ندارد، سپس بر هر چیزی اطلاق شده و توصیف به وحدت می گردد. (راغب اصفهانی، حسین بن محمد، مفردات ألفاظ القرآن)، و در کاربردهای فارسی نیز یگانگی، یگانه شدن و تنهایی را معنا می دهد. (دهخدا، ۴۸/ ۱۳۲)

به تعبیر دیگر وحدت، در لغت عبارت است از: یکی شدن، یک دست شدن، حول محوری چرخیدن، برادری، اتحاد، مرکب شدن و اتفاق. و اصطلاحات دیگری همچون؛ انسجام، اتحاد، وفاق ملی، همبستگی ملی و وحدت، تا حدودی به این مفهوم شبیه می باشد و در اصطلاح یعنی برنامه ای برای رسیدن به اهداف عالی و بلندمدت که از اندیشه طرف نشأت گرفته باشد؛ در مقابل تاکتیک که برای گذار از مرحله ای مطرح می شود (ایرانی، ۷۱/۱۳۸۸).

۳- ضرورت تقریب و همگرایی

بدون تردید همان طور که از مهم ترین مسائل امروز جهان اسلام، تقریب، اتحاد و همگرایی است، از مهمترین مسائل اجتماعی در یک کشور و جامعه نیز وحدت و همگرایی است که ضرورت آن را به دلایل ذیل می توان اثبات کرد:

۱- همانطور که اتحاد و همگرایی فراهم کننده قدرتی حقیقی است که می تواند تکیه گاه استواری برای مسلمانان در رویارویی های فرهنگی بین تمدن ها باشد، همین امر در

بین اقوام و مذاهب اسلامی یک کشور و حتی نهاد یک خانواده نیز قابل تطبیق است؛ زیرا گرچه مسلمانان به طور کلی و یا یک جامعه و کشور به طور جزئی، از نیروی عظیم انسانی، امکانات مادی فراوان، موقعیت‌های استراتژیک، روحیه معنوی بالا، فرهنگ و دیدگاه اعتقادی و فکری مترقی برخوردارند، اما چنانچه میان این اجزا و عناصر پراکنده اتحادی ایجاد نشود همان طور که در حال حاضر چنین است، این مجموعه عظیم کارآیی نخواهد داشت. (حکیم، ۱۳۷۷: ۳۱)

۲- وحدت و انسجام اسلامی می‌تواند زمینه گسترده‌ای برای پژوهش و اجتهاد در منابع اسلامی فراهم آورد و بدین وسیله در رویارویی‌های فکری، فرهنگی و حل مشکلات انسانی یاری رساند.

۳- وحدت و همگرایی اسلامی بر توانایی و مقاومت جامعه در مواجهه با دشواری‌ها و بحران‌ها و برخورد با دشمنان خارجی می‌افزاید و دستاورد طبیعی تکامل انسان و گویای پیشرفت و رشد فکری جامعه دینی است. (همان: ۱۱۷)

۱-۳- ضرورت تقریب و همگرایی از دیدگاه قرآنی

موضوع وحدت و همگرایی در قرآن کریم با مفاهیمی مثل: «واعتَصِمُوا» (۱)، «تَعَاوَنُوا» (۲)، «أَصْلِحُوا» (۳)، «إِصْلَاحَ بَيْنَ النَّاسِ» (۴)، «أَلْفَ بَيْنِهِمْ» (۵)، «أُمَّةً وَاحِدَةً» (۶)، «أُمَّةً وَسَطًا» (۷)، «حِزْبَ اللَّهِ» (۸)، «صِبْغَةَ اللَّهِ» (۹) و «اخوة» (۱۰) آمده است. قرآن به مساله وحدت و همگرایی از دیدگاه اجتماعی آن نگریسته و بر اهمیت اتحاد میان جهانیان، ادیان، مسلمانان، افراد یک جامعه و نهاد خانواده تاکید کرده است و پیوند میان دل‌های مؤمنان را نوعی تصرف الهی می‌شمارد و برای ایجاد و برقراری چنین یگانگی، بعثت پیامبران به همراه شرایع را ضروری می‌داند.

در قرآن کریم در آیات متعدد به ضرورت وحدت و پرهیز از اختلاف و تفریق دستور داده شده و به آثار و پیامدهای وحدت و تفرقه اشاره شده است که با اختصار بعضی آنها ذکر می‌گردد:

الف) عدم برتری انسان ها نسبت به همدیگر جز به سبب تقوی.

از نظر قرآن کریم، انسان ها از جنس مذکر و مؤنث آفریده شده اند. «يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّا خَلَقْنَاكُمْ مِنْ ذَكَرٍ وَأُنْثَىٰ وَجَعَلْنَاكُمْ شُعُوبًا وَقَبَائِلَ لِتَعَارَفُوا إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ أَتْقَاكُمْ إِنَّ اللَّهَ عَلِيمٌ خَبِيرٌ» (حجرات، ۱۳) تفاوت رنگ و زبان آن ها مایه امتیاز و برتری نیست، بلکه نشانه های قدرت الهی است؛ لذا نمی توان قومی یا نژادی نسبت به قومی یا نژاد دیگر خودش را برتر حساب کند و با این اساس حقوق سیاسی، اجتماعی و.. آنان را انکار کند بلکه بهترین راه این است که با تفاوت های که دارند کنار هم با اتحاد و همگرایی زندگی کنند.

ب) چنگ زدن به ریسمان الهی:

در سوره «آل عمران» آمده است: «واعتصموا بحبلِ الله جميعاً و لا تفرقوا...» (آیه ۱۰۳) (همگی به ریسمان الهی چنگ زنید و متفرق نشوید و نعمت خدا را به خود یاد کنید، آن گاه که باهم دشمن بودید و او میان دل های شما الفت انداخت تا به لطف او برادر یکدیگر شدید و بر پرتگاهی از آتش بودید و او شما را از آن رها کند. این آیه شریفه از مسلمانان می خواهد که با اسلام از دنیا خارج شوند، از این رو اعتصام به ریسمان الهی با توحید منهای نبوت پیامبر و لوازم آن صادق نیست.

حضرت امام خمینی (قدس سره) مطلب زیبایی پیرامون این آیات دارد که می فرماید: خداوند منان در این آیه، دستور اعتصام به «حبل الله» می دهد و ملت ها و دولت ها اگر بخواهند به پیروزی و به همه ی ابعاد هدف های اسلامی برسند، که سعادت بشر است، باید اعتصام به حبل الله داشته باشند، از اختلافات و تفرقه بپرهیزند و فرمان حق تعالی را اطاعت نمایند. (امام خمینی (ره) ۱۷۰/۷)

براساس آموزه های الهی این آیه ی کریمه، هر اجتماعی مطلوب نیست، بلکه اجتماعی مطلوب است که بر محور حبل الله شکل بگیرد، بنابراین، اگر وحدتی براساس هواهای نفسانی و فقط و فقط بر مبنای خواسته های مادی و دنیوی محدود شکل بگیرد،

نمی توان آن را از مصادیق اعتصام بحبل الله شمرد.

ج) برادری در سایه ی صلح و همگرایی.

خداوند می فرماید: «أَتَمَّا الْمُؤْمِنُونَ إِخْوَةً فَأَصْلَحُوا بَيْنَ أَخَوَيْكُمْ وَاتَّقُوا اللَّهَ لَعَلَّكُمْ تُرْحَمُونَ» (حجرات ۴۹ آیه ۱۰) یعنی مومنان با هم برادرند، میان برادرانتان صلح برقرار کنید و خدا ترس و با تقوا باشید، باشد که مورد لطف و رحمت الهی قرار گیرید.

بنابراین، عمل کردن به همین آیه، سبب تقویت و گسترش همدلی، ایجاد همگرایی، محبت و صمیمیت در جهان اسلام می شود؛ اگر در جهان اسلام نگاه برادرانه حکم فرما باشد، جهان اسلام به «مملکت محمدی» تبدیل می گردد و در نتیجه، سبب می شود بیگانگان نتوانند تفرقه ایجاد کنند و بر کشورهای مسلمانان سلطه داشته باشند. (امام خمینی(ره)، ۶/ ۲۷۵)

د) ایجاد رابطه و تعامل با غیر مسلمانان

خداوند در قرآن کریم مسلمانان را موظف به ایجاد رابطه و تعامل با غیر مسلمانان و اهل کتاب که در جامعه اسلامی زندگی می کنند، نموده اند؛ زیرا که زمینه این تعامل در جامعه وجود دارد می فرماید: «قُلْ يَا أَهْلَ الْكِتَابِ تَعَالَوْا إِلَى كَلِمَةٍ سَوَاءٍ بَيْنَنَا وَبَيْنَكُمْ أَلَّا نَعْبُدَ إِلَّا اللَّهَ وَلَا نُشْرِكَ بِهِ شَيْئًا وَلَا يَتَّخِذَ بَعْضُنَا بَعْضًا أَرْبَابًا مِنْ دُونِ اللَّهِ فَإِنْ تَوَلَّوْا فَقُولُوا الشَّهَادَا بِأَنَّا مُسْلِمُونَ» (آل عمران آیه ۶۴) بگو: ای اهل کتاب بیایید بر سر سخنی که میان ما و شما یکسان است بایستیم که: جز خدا را نپرستیم و چیزی را شریک او نگردانیم و بعضی از ما بعضی دیگر را به جای خدا به خدایی نگیرند؛ پس اگر از این پیشنهاد روی گردانند، بگویید: شاهد باشید که ما مسلمانیم .

ه) تقریب و همگرایی فلسفه ی بعثت و تشریع دین.

قرآن کریم حفظ وحدت و پیشگیری از هرگونه تفرقه را فلسفه تشریع دین و بعثت پیامبران معرفی کرده، می فرماید: «كَانَ النَّاسُ أُمَّةً وَاحِدَةً فَبَعَثَ اللَّهُ النَّبِيِّينَ مُبَشِّرِينَ وَمُنذِرِينَ

وَأَنْزَلَ مَعَهُمُ الْكِتَابَ بِالْحَقِّ لِيُحْكُمَ بَيْنَ النَّاسِ فِي مَا اخْتَلَفُوا فِيهِ...» (بقره، ۲۱۳) «مردم امتی یگانه بودند، سپس خداوند پیامبران را مژده رسان و بیم دهنده برانگیخت و به همراه آنان، کتاب را به حق نازل کرد. تا میان مردم در آن چه که اختلاف داشتند، داوری کند.»

و) اتحاد و همگرایی در سایه اطاعت از خداوند و رهبری.

«وَ أَطِيعُوا اللَّهَ وَ رَسُولَهُ وَ لَا تَنَازَعُوا فَتَفْشَلُوا وَ تَذْهَبَ رِجْكُمْ وَ اصْبِرُوا إِنَّ اللَّهَ مَعَ الصَّابِرِينَ» (انفال: ۴۶)

و از خداوند و فرستاده‌اش اطاعت کنید و با یکدیگر نزاع نکنید، که سست می‌شوید و مهابت و قوتتان از بین می‌رود، و صبر کنید، همانا خداوند با صابران است. (قرآنی، ۳ - / ۳۳۰)

اتحاد و یکپارچگی، دوری از اختلاف و تفرقه، از دستورات اکید الهی است که در آیات متعدد به آن فرمان داده است و این فرمان باید در تمام زمینه‌ها رعایت شود، مخصوصاً در حال جنگ و درگیری با دشمن که ضرورت بیشتری دارد. در طول تاریخ، چه ضعف‌ها و شکست‌هایی که به خاطر عمل نکردن به این آیه، نصیب مسلمانان شده است.

۲-۳- ضرورت تقرب و همگرایی در روایات.

پیامبر عظیم الشان اسلام (ص) برای همیشه به عنوان یک الگوی انسان کامل برای جوامع اسلامی و دنیایی بشریت است؛ زیرا پیامبر رحمت^۱ للعالمین است. هیچ نبی و کتابی همانند پیامبر اکرم و قرآن کریم نبوده‌اند که آن قدر به این رمز سعادت بشری (وحدت) تکیه داشته باشند، ولی متأسفانه جوامع اسلامی دچار تشتت و پراگندگی شده‌اند و امروزه دشمنان اسلام آتش تفرقه را در کشورهای اسلامی روشن نموده و مسلمانان را درگیر جنگ‌های مذهبی و اعتقادی کرده‌اند که سبب ذلت و حقارت ملت‌های مسلمان شده است.

همانطور که در آیات قرآن سخن از وحدت، اخوت، محبت، همگرایی و... به میان آمده، در روایات الی ماشاء الله به این موضوع پرداخته شده است که چند تا روایت را در این موضوع متذکر می شویم

۱-۲-۳- همگرایی و هم دردی

از نعمان بن بشیر روایت شده است که رسول خدا (ص) فرمودند: «تَرَى الْمُؤْمِنِينَ فِي تَرَاحِهِمْ، وَ تَوَادِّهِمْ، وَ تَعَاطُفِهِمْ، كَمَثَلِ الْجَسَدِ، إِذَا اشْتَكَى عُضْوٌ تَدَاعَى لَهُ سَائِرُ جَسَدِهِ بِالسَّهْرِ وَ الْحُمَّى» یعنی مؤمنان در شفقت، دوستی و مهربانی با یکدیگر مانند اعضای یکدیگرند که اگر عضوی از آن به درد آید، سایر اعضا بی قرار می گردند و تب می کنند. (مختصر صحیح البخاری، ۵۸۷/۲، باب دهم، حدیث ۱۹۹۵)

در حدیث دیگری از پیامبر روایت شده است « الْمُؤْمِنُ لِلْمُؤْمِنِ كَالْبُنْيَانِ يَشُدُّ بَعْضُهُ بَعْضًا ثُمَّ شَبَّكَ بَيْنَ أَصَابِعِهِ... » یعنی مؤمنان برای یکدیگر مانند اجزای یک ساختمان هستند که باعث تقویت و استحکام یکدیگر می شوند. سپس رسول الله انگشتانش را داخل یکدیگر نمودند (و با این کار استحکام را به حاضرین نشان دادند...) (مختصر صحیح البخاری، ۵۹۰/۲، باب شانزدهم، حدیث ۲۰۰۳)

روایت دیگری از پیامبر اکرم (ص) نقل شده است که: «الْمُؤْمِنُونَ كَرَجُلٍ وَاحِدٍ إِنْ اشْتَكَى عَيْنُهُ اشْتَكَى كُلُّهُ وَإِنْ اشْتَكَى رَأْسُهُ اشْتَكَى كُلُّهُ» (پیشین، زادالطالبین، ص ۸، به نقل از مسلم) شخص مؤمن مانند مرد واحدی است اگر چشمش شکایت کند تمام اعضای بدنش شکایت می کند و اگر سرش شکایت کند، تمام اعضای بدنش شکایت می کند.

۲-۲-۳- وحدت موجب برکت و رحمت الهی

پیامبر اکرم (ص) فرمودند: «الجماعة رحمة والفرقة عذاب» (نهج الفصاحه، کلمه ی قصار ۳) جماعت و وحدت مایه رحمت الهی و تفرقه باعث عذاب الهی است. و در حدیث دیگر می فرمایند: «يَدُلُّهُ عَلَى الْجَمَاعَةِ».

در خطبه ۱۲۷ نهج البلاغه از حضرت علی (ع) نقل شده است: «وَأَلْزَمُوا السَّوَادَ الْأَعْظَمَ» با سواد اعظم (اجتماع و جمعیت) همراه شوید. (بی آزا شیرازی، ۳۹/۲)

۳-۲-۳ عقد برادری، سیره رسول خدا(ص)

هنگامی که پیامبر اعظم(صلی الله علیه و آله وسلم) از مکه به مدینه هجرت فرمودند و مسجدی بنا نمودند و آن را مرکز حکومت قرار دادند، بین مسلمانان مهاجر و انصار عقد اخوت ایجاد کردند تا نخستین بذرهای امت اسلامی در مزرعه ی عطوفت و برادری بروید، ببالد و به بار بنشیند. و به نص «إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ إِخْوَةٌ» (حجرات: ۱۰)، اخوت بین مؤمنان برقرار شد بر این مبنا، عقد اخوت، یکی از سنت های پیامبر خدا(ص) است که لازم است جهان اسلام و همه ی مسلمانان جهان در این سنت هم به آن حضرت اقتدا کنند. (امام خمینی(ره)، ۱۳۸۹: ۳۱۱)

امام صادق(ع) می فرمایند: «تواصلوا و تباروا و تراحموا و كونوا إخوة أبرارا كما أمرکم الله» (عزوجل)؛ با یکدیگر پیوند داشته باشید و خوش رفتاری و مهربانی نمایید و برادرانی نیکوکار باشید، همان گونه که خدای عز و جل فرماتنان داده است. (کلینی، ۱۳۸۸: ۲/ ۱۷۵ وسائل الشیعه: ۱۲/ ۲۱۶)

در این روایت، از امت اسلامی خواسته شده است که براساس دستور خداوند، به یکدیگر رحمت و محبت داشته باشند (فتح: ۲۹) و برادر هم باشند. (حجرات: ۱۰) عمل به این دستور الهی، که بیان کننده ی اعتقاد توحیدی مسلمانان است، از عوامل مهم ایجاد تقرب و تثبیت همگرایی در جهان اسلام به شمار می رود.

۴-۲-۳-جد و جهد در همگرایی.

امام خمینی(ره) در کتاب شرح چهل حدیث می نویسند:

امام صادق(ع) می فرمایند: «یحق علی المسلمین الاجتهاد فی التواصل و التعاون علی التعاطف و المواساه لأهل الحاجه و تعاطف بعضهم علی بعض حتی تكونوا كما أمرکم

الله عز و جل رُحَمَاءُ بَيْنَهُمْ» شایسته است مسلمانان در پیوستن به یکدیگر و یاری کردن و محبت و مواسات با نیازمندان و مهربانی با هم بکوشند تا همچنان باشند که خداوند (عز و جل) از آنان خبر داده است به قول خویش که «مؤمنان با یکدیگر مهربانند». (کلینی، ۱۳۸۸ق: ۱۷۵/۲)

آنچه در این حدیث شریف بر آن تأکید داریم، واژه ی «الاجتهاد» است که نشان می دهد جهان اسلام برای ایجاد و تثبیت همگرایی باید جد، جهد، تلاش و کوشش کند تا نیازها و مشکلات را برطرف سازد، نه آن که فقط به سخن گفتن بسنده نمایند یا برای برادرانشان چالش بیافرینند، بلکه باید جهان اسلام در مقام عمل، با جدیت، از همه ی ظرفیت ها و امکانات خود به منظور ایجاد همگرایی و تقویت اخوت بهره ببرد.

۵-۲-۳- مکلف به همگرایی

«إياكم أن تعملوا عملاً يعيرونا به فإنَّ ولدَ السوءِ يعيرُ والده بعمله كونوا لمن انقطعتم اليه زينا و لاتكونوا عليه شينا صلّوا في عشائركم و عودوا مرضاهم و اشهدوا جنازتهم و لا يسبقونكم إلى شيء من الخير فأنتم أولى به منهم و الله ما عبد الله بشيء أحب إليه من الخبء قلت: و ما الخبء، قال: التقيه.» (کلینی، ۱۳۷۸: ۳/ ۵۵۵)

دلالت روایت بر وجوب، به این تقریب است که تعبیر «صلّوا فی عشائركم»، امر به نماز خواندن با اهل سنت است و هیئت «افعل» (صیغه ی امر) براساس بعضی مبانی، می تواند دلیل بر وجوب باشد. توضیح استدلال این است که بدون شک، صیغه ی «افعل» بر مطلوبیت و محبوبیت فعل نزد شارع دلالت می کند؛ حال بحث در این است که آیا ظهور در وجوب یا استحباب یا جامع بین این دو دارد. از نظر مشهور، صیغه ی «افعل» وضعاً بر وجوب دلالت می کند، ولی از نظر امام خمینی (ره)، صیغه ی «افعل» وضعاً بر وجوب دلالت نمی کند، بلکه به حکم عقلا بر وجوب دلالت می نماید، به این دلیل که نزد عقلا، اطاعت امر لازم است تا زمانی که از جانب مولی ترخیص و جوازی وارد شود و لزوم

اطاعت را بردارد، یعنی عقلاً صدور صیغه ی «افعل» را حجت عقلایی می دانند و اطاعت از آن را لازم و مخالفت کننده با آن را مستحق عقاب برمی شمردند. براساس این مبنای امام خمینی (ره)، جمله ی «صلّوا فی عشائره» در روایت هشام، بر وجوب نماز با عامه دلالت می کند، گر چه اوامر بعدی، یعنی «عودوا مرضاهم و اشهدوا جنازهم» به دلیل وجود قرینه، ظهور در وجوب ندارد و بر مشروعیت یا استحباب این موارد دلالت می کند، چون به مناسبت حکم و موضوع، احتمال وجوب عیادت بیماران و شرکت در تشییع جنازه ی آنها داده نمی شود، ولی نسبت به نماز با آنها احتمال وجوب داده می شود. (امام خمینی (ره)، ۱/ ۲۵۶)

۳-۳- ضرورت تقریب و همگرایی از دیدگاه عقل

تقریب و همگرایی از دیدگاه عقل نیز یک امر ضروری است با توجه به آثار و پیامدهایی تقریب و همگرایی و در مقابل آن آثار و پیامدهایی زیانبار تفرقه و اختلاف در جهان اسلام را مشاهده کنیم، فطرتاً عقل هر مسلمان عاقل حکم می کند که آنچه زمینه ی عزت، عظمت، شکوه و اقتدار سیاسی یک جامعه مسلمان را به ارمغان میآورد اتحاد، همگرایی و تقریب پیروان مذاهب اسلامی است.

جهت روشن شدن و به عنوان یک نمونه ی تاریخی دراین مورد به فرمایش از امام خمینی (ره) اشاره می کنم: امام خمینی از دو دیدگاه پاسخی تحلیلی و مبتنی بر واقعیت های تاریخی داده اند. زاویه ی نخست تحلیل ایشان، به پیش از فروپاشی امپراتوری عثمانی برمی گردد؛ اگر به حدود صد سال پیش برگردیم، حکومت بزرگ عثمانی را می بینیم که اگر چه کاملاً اسلامی هم نبود، ولی به هر حال قدرت اول جهان به شمار می رفت و «مسلمین آنها بودند که مجد آنها دنیا را گرفته بود؛ تمدن آنها، فوق تمدن ها بود؛ معنویات آنها، بالاترین معنویات بود؛ رجال آنها، برجسته ترین رجال بود؛ توسعه ی مملکتشان از همه ی ممالک بیشتر بود؛ سیطره ی حکومتشان بر دنیا غالب شده بود». (امام خمینی (ره) ۱/ ۳۷۴) استعمارگران و به ویژه انگلیسی ها دیدند که با حضور این

حکومت بزرگ و مقتدر نمی توانند به ثروت کشورهای اسلامی دست پیدا کنند؛ به همین دلیل، بهترین چاره را در این دیدند که بین ممالک اسلامی تفرقه بیندازند تا به این ترتیب، شعار معروفشان یعنی «تفرقه بینداز و حکومت کن» تحقق یابد. دیدند که با این سیطره، با این وحدت، بر دول اسلامی نمی شود تحمیل کرد چیزهایی را که می خواهند؛ نمی شود ذخایر این ها را، طلای سیاه این ها را، طلای زرد این ها را، قبضه کرد. درصدد چاره برآمدند؛ چاره این بود که بین ممالک اسلامی تفرقه بیندازند. (همان)

براساس این تحلیل، ایجاد شکاف بین مسلمانان به اشکال مختلف، ترفند و توطئه و با اهداف سیاسی و اقتصادی بوده است؛ بنابراین اگر مسلمانان بخواهند به توسعه، رفاه و قدرت گذشته ی خویش دست یابند، لازم است دست از اختلاف بردارند و بر اشتراکات فراوانی که میانشان وجود دارد تأکید کنند.

زاویه ی دوم تحلیل تاریخی امام خمینی (ره)، به پس از جنگ جهانی اول و فروپاشی امپراتوری عثمانی مربوط می شود؛ پس از فروپاشی و تجزیه ی حکومت عثمانی، غربی ها بر هر یک از کشورهای اسلامی، کسی را گماشتند و کوشیدند حکومت های دست نشانده، دشمن یکدیگر باشند، زیرا به خوبی می دانستند اگر مسلمانان با هم همدل شوند، اجازه نمی دهند دیگران ثروت آنها را چپاول کنند.

وقتی در جنگ جهانی اول غلبه کردند، حکومت عثمانی را تکه تکه کردند و هر کس را بر جایی گماردند و کوشیدند این حکومت ها با هم دشمن شوند، زیرا می دانستند که مسلمین با این خزائن و این جمعیت اگر متحد شوند، برای امریکا و برای غرب حطی نیست. (امام خمینی (ره)، ۱۸۶/۷)

بنابراین نمونه ی تاریخی از دنیایی اسلام، شکاف و واگرایی، دلیل شکست مسلمانان در آغاز و علت استمرار شکست آنان می گردد که سبب شده است منافع مسلمانان نصیب دشمنان اسلام شود. پس لازم است جهان اسلام برای کسب و جلب منافع مادی و معنوی، در صراط مستقیم همگرایی حرکت کند. براساس این به تعبیر امام خمینی (ره)، «امروز ما

مكلف هستیم که در هر لباس و هر شغلی هستیم، از اختلاف کلمه احتراز و به وحدت اسلامی، که پیوسته مورد سفارش کتاب و سنت است، گرایش نموده، کلمه ی حق را غُلیا و کلمه ی باطل را سفلا قرار دهیم؛ (امام خمینی (ره)، ۳۱۱/۴) بنابراین، برافراشتن پرچم حق در جهان، وظیفه ی مسلمانان و بدیهی است که این مهم، با اخوت اسلامی و همگرایی جهان اسلام میسر است، نه با تفرقه و تنازع؛ تا زمانی که مسلمانان و سران کشورهای اسلامی به جای مبارزه با ظالم، یاور ظالم و به تعبیر دقیق تر، کارگزار ظالم باشند، نمی توان انتظار داشت که در جهان اسلام همگرایی ایجاد یا تقویت شود؛ از این رو، باید ملت ها و نخبگان، با به کار بستن نظریه ی مقاومت، با شجاعت، شهامت و آگاهی، وارد میدان مبارزه شوند و از خطر، هراسی به دل راه ندهند.

۴- راهکارهای تقریب و همگرایی

با توجه به ضرورت این امر (تقریب و همگرایی) سوال دیگر این است که راهکارهای ایجاد تقریب و همگرایی در جوامع اسلامی به طور کلی و من جمله کشور افغانستان که سال های سال از نبود این پدیده نقلی و عقلی رنج می برند چیست؟

بدون تردید یک پارچه کردن قومیت های متفاوت ساکن در مناطق مختلف یک کشور به صورت یک واحد سازمان یافته که در آن تمامی ساکنان تابعیت و وفاداری خود را عرضه دارند، یکی از مشکلترین و در عین حال ضروریترین تکالیف برای هر کشوری است. در این میان کشور افغانستان که دارای کتله هایی قومی، نژادی، زبانی و مذهبی فراوانی است، زمینه ی گسستگی، شکاف، تنش و کشمکش های فراوانی را در این کشور فراهم آورده و یک پارچگی ملی در افغانستان را با خطر جدی رو به رو ساخته است. واقعیت تاریخی و سیاسی افغانستان آشکارا نشان داده است، نظام سیاسی این کشور در گذشته همواره بر سنت های قومی و قبیله ای استوار بوده است. از همین رو، در چالشها برای ایجاد وحدت و یکپارچگی بین مردم و فراهم سازی زمینه های همزیستی و همگرایی اقوام در چارچوب یک حکومت کارآمد، کاملاً ناکام مانده اند. همچنین، مسیر

رخدادهای سیاسی، صف بندیهای گروهی و منازعات قومی در کشور افغانستان بیانگر آن است که موضوع تضادها و نزاعها در مقاطع متفاوت تاریخی، با تأثیرپذیری از عوامل درونی و بیرونی جامعه، همواره در حال نوسان و تغییر بوده، و روح جمعی ملی، حس میهن پرستی، درک و ترجیح منافع ملی در میان مردم عامه ی این کشور وجود ندارد. بلکه هویت‌های پراکنده و غلیظ قومی، جانشین مقوله های یاد شده در این سرزمین شده اند؛ مقوله ای که همواره می تواند هم دستاویز خوب سیاسی باشد و هم مایه ی شورش ها و غائله ها؛ لذا برای رفع این معضلات و ایجاد تقریب و همگرایی در چنین جوامع باید عوامل و نیروی همگرا و واگرا را شناسایی کرد که در مقاله حاضر به موضوع همگرایی و راهکار آن پرداخته شده است.

۱-۴- دیالوگ (گفتگو).

اولین و مهم ترین راهکار جهت تقریب و همگرایی مسلمانان، گفتمان علمی است، بدین معنا که نظریه پردازان و عالمان دینی، فرقه های اسلامی در کنار هم قرار گرفته، گفتگوهای علمی انجام دهند. در این گفتگوها بر مسایل مشترک تأکید شده و عالمان اسلامی از مبانی یکدیگر آشنا شوند؛ زیرا خیلی از مسایل اختلافی بین مسلمانان ناشی از آن است که فرقه های اسلامی از بعضی اصول و مبانی یکدیگر آشنایی کامل ندارند. عدم آشنایی کامل آنها از اصول یکدیگر موجب شده که مسلمانان برداشت های نادرستی از هم داشته و نسبت به یکدیگر بدبین گردند، حتی حکم تکفیر یکدیگر را صادر نموده و زمینه های برخوردهای فیزیکی فراهم گردد. بیشتر تعصبات مذهبی و قومی نیز ریشه در عدم آگاهی از مبانی گروه های اسلامی دارد؛ لذا اگر به دقت بنگریم در کشور افغانستان عدم دیالوگ به صورت منطقی و قاعده مند موجب جهل افکار عده ی کثیر از پیروان مذاهب اسلامی گردیده و برداشت های نادرست نسبت به عقاید همدیگر دارند. در صورت که باب گفتگو باز بشود، علماء، دانشمندان و روشن فکران پیروان مذاهب از زاویه های مختلف بحث و تبادل نظر کنند، خیلی از ابهامات و سوء ظن ها نسبت به مسائل اعتقادی همدیگر، مسائل قومی و نژادی برطرف می شود و موجب تقریب افکار

و به تبع آن دلها بهم نزدیک خواهد شد.

۲-۴- توجه به نقاط مشترک و دشمن مشترک:

یکی از عوامل مهمی که در جهان معاصر می تواند موجب وحدت بین دو گروه بزرگ اسلام (تشیع و تسنن) بشود، توجه به نقاط مشترک بین این دو مذهب است. مطمئناً مسائل مورد اتفاق میان این دو مذهب بسیار فراتر از موارد اختلاف می باشد اما غالباً مسائل مورد اختلاف مورد توجه قرار گرفته و مسائل و اعتقادات مشترک نادیده نگاشته می شود، که یکی از عوامل ایجاد اختلاف و دوری هر چه بیشتر مسلمانان از نقاط مشترک مسلمانان است.

هم چنین توجه به دشمن مشترکی که اصل اسلام و کشورهای اسلامی و مردم جهان اسلام را نشانه رفته اند، یکی از عوامل مهم اتفاق نظر و وحدت میان کشورهای اسلامی می تواند باشد. اگر به صدر اسلام نیز نگاه کنیم، علت اساسی سکوت امیرمؤمنان و ائمه معصومین (ع) و همراهی با مخالفان فکری و عقیدتی، توجه به دشمن مشترک و مورد تهدید قرار گرفتن مرزهای اسلامی به وسیله دشمنان اسلام بوده است.

توجه به این دو عامل (نقاط مشترک و دشمن مشترک) همانطور که در همه ی جوامع اسلامی یک امر ضروری و حیاتی هست، در کشور افغانستان دقیقاً این دو مورد از مقوله ی های فراموش شده و یا بسیار کم رنگ است؛ لذا جهت رفع واگرایی و ایجاد تقرب و همگرایی بین مردم این کشور، توجه به نقاط مشترک و شناخت دشمن مشترک امر حیاتی محسوب می شود.

۳-۴- صدور فتاوای همگرایی

بی تردید صدور فتوای مجتهدان فرقه های اسلامی نقش بنیادی در همگرایی و وحدت اسلامی دارد.

اگر مجتهدان فتاویی مانند جواز شرکت نمودن مسلمانان در مراسم عبادی همدیگر

را صادر نمایند، زمینه های همسویی مسلمانان را فراهم می کند. بعضی از مجتهدان و عالمان اهل سنت و تشیع در این خصوص پیشگام بوده اند مثل:

صدور فتوای شیخ شلتوت مبنی بر جواز عمل بر مذهب شیعه، مذهب جعفری و فقه شیعه را به عنوان یک مذهب رسمی و فقهی تأیید کرد. (عبدالکریم بی آزار شیرازی، همبستگی مذاهب اسلامی . ص ۳۱۰ - ۳۱۱،۱) فتوای معروف او در زمان خود در نزدیکی اهل سنت به شیعه تأثیر به سزایی داشت.

اعلان ۱۲ تا ۱۷ ربیع الاول هر سال ایام ولادت پیامبر اسلام به عنوان هفته وحدت از سوی نظام جمهوری اسلامی ایران.

جلوگیری از نشر کتاب های تفرقه آمیز توسط وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی ایران (بی آزار شیرازی، ۵۷/۱۳۷۰)

صدور فتوای امام خمینی (ره) مبنی بر لزوم نماز جماعت گزاردن شیعیان همراه با سایر مسلمانان در مراسم حج.

فتوای حرمت اهانت به مقدسات اهل سنت از سوی آیت الله خامنه ای رهبر جمهوری اسلامی ایران و.. خلاصه صدور فتوا از ناحیه علماء و فقهای نامدار اهل سنت و اهل تشیع تأثیر بسزایی در ایجاد تقریب و همگرایی بین پیروان مذاهب اسلامی دارد.

۴-۴- آشنایی با معارف اسلامی

یکی از راهکارهای وحدت اسلامی، آشنایی مسلمانان با آموزه های دینی است. در آیات متعدد مسلمانان به همگرایی دعوت شده اند. (آل عمران، آیه ۱۰۳؛ تفسیر نمونه، ۳/ ۴۳). در برخی از آیات همه مسلمانان برادران دینی خوانده شده و مرزهای جغرافیایی و ملی نادیده گرفته شده است: "انما المؤمنون اخوة.." (حجرات، (۴۹) آیه ۱۰). "واعتصموا بحبل الله جميعاً و لا تفرقوا..." (آل عمران، آیه ۱۳). در روایات اسلامی نیز همه مسلمانان به همبستگی نه تنها در حد تشویق و ترغیب بلکه دستور داده شده است.

یکی از عوامل مهم اختلاف، فاصله گیری از معارف و آموزه های دینی است. شخصیت هایی مانند امام راحل و علامه شرف الدین بر این باور بودند که جهت "ایجاد وحدت اسلامی" آشنایی کامل مسلمانان با معارف اسلامی لازم است. نکته قابل دقت آن است که یکی از موارد قانون اساسی "جماعة التقريب بين المذاهب الاسلاميه" که در قاهره تشکیل شد، آن بود که مسلمانان با معارف اسلامی آشنایی پیدا کنند.

۵-۴- شناسایی عوامل اختلاف

برای ایجاد وحدت اسلامی، همان گونه که شناخت عوامل و زمینه های همگرایی ضرورت دارد، شناخت عوامل و زمینه های اختلاف نیز بایسته است. بر این اساس برای ایجاد وحدت اسلامی، باید عوامل اختلاف همانند تعصبات قومی، قدرت گرایی و پیروی از هواهای نفسانی، شناسایی و با آنها مبارزه گردد. دشمنان خارجی نیز نقش بنیادی در ایجاد اختلاف داشته و دارند.

استعمارگران با شعار "اختلاف بینداز و حکومت کن" بین مسلمانان اختلاف ایجاد کرده اند. داده های تاریخی نشان از آن دارد که استعمارگران در حوادث ناگواری که در جهان اسلام به وجود آمدند، نقش اساسی داشتند. آنان با ایجاد اختلاف جنگ های داخلی را به وجود آوردند. حتی می توان عامل اساسی و ریشه ای ایجاد و پیدایش بعضی از فرقه ها میان اهل سنت و شیعه را استعمارگران دانست و دست های مرموز آنها را پیدا کرد.

مقام معظم رهبری در این مورد بسیار زیبا می فرماید: «گاهی دشمن برای ایجاد اختلاف - هم در بین شیعه، هم در بین سنی - از آدمهایی که غرض و مرضی ندارند، استفاده می کنند. در جامعه شیعه حرکتی انجام می گیرد که برای برادر مسلمان غیر شیعه تحریک کننده و حساسیت برانگیز است. عین همین عمل، در بین جامعه سنی انجام می گیرد، نسبت به کاری که برای شیعه حساسیت برانگیز و نفرت برانگیز است. چه کسی این کارها را می کند؟ امروز دشمن واحدی در مقابل ما است؛ علاوه بر اینکه کتاب واحد،

سنت واحد، پیغمبر واحد، قبله واحد، کعبه واحد، حج واحد، عبادات واحد، اصول اعتقادی واحد در جامعه اسلامی است. البته اختلافاتی هم وجود دارد. اختلافات علمی ممکن است بین هردو نفر عالم باشد. علاوه بر اینها، دشمن واحد در مقابل دنیای اسلام است. مسئله اتحاد بین مسلمانان یک امر جدی است. با این مسئله، باید این طور برخورد شود. هر روزی که این قضیه دیر شود، دنیای اسلام یک روز خسارت کرده و این روزها، روزهایی است که بعضی آن چنان حساس است که در یک عمر اثر می‌گذارد. نباید بگذارید دیر شود» (بیانات رهبری، ۱۳۷۴/۵/۲۴).

بر این اساس برای ایجاد وحدت اسلامی، شناخت عوامل داخلی و خارجی اختلاف ضرورت دارد. مرحوم آیت الله بروجردی در آخرین لحظات عمر خویش یکی از راه های ایجاد وحدت اسلامی را شناسایی عوامل اختلاف دانست و چنین گفت: "من برای ایجاد حسن تفاهم میان مسلمانان آرزوهای بسیار داشتم و درصدد بودم در نامه ای به شیخ محمود شلتوت بنویسم و به ایشان یادآور شوم که موجبات رفع اختلاف را فراهم سازند". (بی آزار شیرازی، ۱۳۸۷/۱۱۵)

۶-۴- حسن و تعادل در گفتار و رفتار.

یکی از عوامل مهم در حفظ وحدت و صمیمیت و برادری بین مؤمنان، رفتار زیبا، به دور از افراط و تفریط همراه با نرمی و محبت و احترام است رفتار خشن و همراه با توهین و بی ادبی، کینه، دشمنی و اختلاف را افزایش می دهد قرآن درباره رفتار زیبای پیامبر گرامی اسلام (صلی الله علیه وآله) با مردم می فرماید «فَبِمَا رَحْمَةٍ مِنَ اللَّهِ لِنْتَ لَهُمْ وَ لَوْ كُنْتَ فَظًّا غَلِيظَ الْقَلْبِ لَانْفَضُّوا مِنْ حَوْلِكَ» (آل عمران ۱۰۳) به مرحمت خدا بود که با خلق مهربان گشتی و اگر تندخو و سخت دل بودی مردم از گرد تو متفرق می شدند .

۷-۴- جلوگیری از توهین به مقدسات و بحث های اختلاف برانگیز

از پیامبر اکرم (ص) نقل شده است: «الْمُسْلِمُ مَنْ سَلِمَ الْمُسْلِمُونَ مِنْ لِسَانِهِ وَ يَدِهِ» (الهی، ۱۳۸۴/۷) مسلمان واقعی کسی است که مسلمانان دیگر از دست و زبانش در امان باشند.

در فرازی از حضرت علی (ع) آمده است: «وَ إِذَا سَكَتَ الْجَاهِلُ مُاخْتَلَفَ النَّاسُ» (علامه مجلسی، ۱/۷۵) یعنی اگر جاهل سکوت می کرد، مردم اختلاف نمی کردند. لقمان حکیم دل و زبان را بهترین و بدترین اعضای بدن می داند و می گوید: «اگر دل و زبان پاک باشند، بهترین اعضای بدن هستند و اگر ناپاک باشند، بدترینشان محسوب می شوند.» (حسن پور، ۱۳۳، سخن ۷۹۴)

با توجه به رویکرد بحث در این مقاله که ارائه راهکار برای تقریب و همگرایی مذاهب اسلامی در جامعه ی افغانستان است، از یک مطلب مهم نباید غافل باشیم و آن عبارت است از اینکه علاوه بر اختلافات مذهبی که زمینه دخالت بیگانگان را در کشور افغانستان فراهم می کند، تکثر قومیتی و استفاده از این شکاف قومیتی نیز سهولت دخالت قدرت های خارجی در افغانستان را فراهم کرده است بنا بر این در کنار راهکارهای که ارائه گردید در جهت تقریب و همگرایی مذاهب راهکارهای را نیز در جهت رفع تهدید تکثر قومیتی و تبدیل آن به یک فرصت همگرایی و وحدت بین اقوام مختلف می توان ارائه کرد:

- ۱- سعی و تلاش در جهت تبلیغ و گسترش عدالت اجتماعی در جامعه و کم کردن فاصله طبقاتی بین اقوام مختلف.
- ۲- تقویت فرهنگ و دانش عمومی برای جلوگیری از تعصبات خشک مذهبی و تعامل علمی با فرهیختگان اقوام مختلف.
- ۳- رفتار مسالمت آمیز حاکمیت با اقوام مختلف، تبادل نصیحت و همیاری بر اساس نیکی و تقوا.
- ۴- تشکیل دولت متمرکز و ایجاد ثبات سیاسی و وجود دولت - ملت در یک سرزمین.
- ۵- پخش و گسترش امکانات رفاهی کشور به صورتی که دسترسی و بهره برداری از آن برای همه اقوام به طور عادلانه امکان پذیر باشد.

۶- تقویت میهن‌پرستی و میهن‌دوستی در برابر هرگونه قلمروخواهی و تمامیت‌خواهی دیگران.

۷- جلوگیری از بسط محرومیت در پست‌های سیاسی، اجتماعی، اقتصادی. و ضرورت مشارکت دادن نخبگان اقوام در قدرت و بدنه حکومت که بر مقبولیت و اعتمادسازی میان دولت و ملت موثر است.

۸- توسعه نهادهای مشارکتی فراگیر و افزایش آگاهی میان مردم که متعلق به کشور افغانستان است.

۹- ایجاد صلح و آرامش در برقراری نظام عادلانه و کسب رضایت افراد و پرهیز از خشونت نسبت به قوم خاص .

۱۰- تاکید بر اشتراکات میان اقوام از جمله اشتراکات مذهبی، تاریخی، و فرهنگی.

نتیجه:

از مجموع آنچه نسبت به مسئله تقریب و همگرایی در این مقاله مورد بررسی قرار گرفت نتیجه این شد: ۱- اهمیت این موضوع در جهان اسلام با توجه به اعتقادات و مذاهب مختلفی که وجود دارد می‌طلبد که در این راستا گامهای عملی و بزرگ برداشته شود، که البته در طول تاریخ جهان اسلام مورد توجه عالمان، دانشمندان و مصلحان دینی قرار گرفته.

۲- مقصود از تقریب مذاهب اسلامی، تقریب پیروان مذاهب اسلامی است یعنی از راه بحثهای علمی، کلامی، تفسیری، حدیثی، اصولی و فقهی، با اجتماع عالمان و اندیشمندان مذاهب اسلامی برای طرح مسائل نظری اجتهادی در فضای سالم و به دور از تعصبات، تقریب امکان‌پذیر است یعنی تمام پیروان مذاهب اسلامی به خصوص عالمان دینی با حفظ مذاهب شان و بر اساس گفتگوهای علمی به جهت تبیین مشترکات دینی و رفع سوء برداشت‌های مذهبی، هر چه بیشتر زمینه اتحاد و انسجام امت اسلامی

را فراهم سازند.

۳- مراد از همگرایی و اتحاد، رها کردن مایه های اختلاف و اتفاق بر نقاط اشتراک و ایجاد وحدت کلمه و تشکیل صف واحد در مقابل دشمنان است.

۴- همچنین ثابت شد تقریب و همگرایی امر ضروری است و ضرورت این امر هم در لسان آیات و روایات و هم از دیدگاه عقل ثابت شده است.

۵- با توجه به ضرورت این موضوع دستیابی به این هدف و مقصود نیاز به راهکارهایی جهت تقریب و ایجاد همگرایی بین پیروان مذاهب اسلامی به طور اعم و در جامعه افغانستان به طور خاص می باشد که راهکارهایی مبتنی بر آیات و روایات و تحلیلهای عقلی و ذهنی ارائه گردید.

منابع:

قرآن کریم.

نهج البلاغه.

نهج الفصاحه.

احمد بن عبداللطیف الشرجی الزبیدی، مترجم: عبدالقادر ترشابی، انتشارت حرمین، زاهدان، چاپ اول.

آذر شب، محمد علی، مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی. معاونت فرهنگی - تهران ۱۳۹۱.

انوری حسن، فرهنگ بزرگ سخن، ج ۳، ص ۱۸۳۱، نشر سخن تهران، چاپ اول، ۱۳۸۱،

الهی، مولانا محمد عاشق، زادالطالبین، اداره نشر و اشاعه اسلامیات، ملتان
پاکستان ۱۳۸۴

ایرانی، مصیب، «استراتژی وحدت ملی و انسجام اسلامی با توجه به دیدگاه امام
خمینی(ره)»، فصلنامه اندیشه تقریب، سال پنجم، شماره هجدهم، ۱۳۸۸ش

بخاری، محمدبن اسماعیل، مختصر صحیح البخاری، اختصارکننده، ابوالعباس زین
الدین.

بی آزار شیرازی، عبدالکریم، رسالت انقلاب اسلامی ایران در توحید کلمه، ج ۲،
دفتر نشر فرهنگ اسلامی، تهران، هفدهم ربیع الاول ۱۴۰۴ قمری.

بی آزار شیرازی، عبدالکریم، رسالت انقلاب اسلامی ایران در توحید کلمه، ج ۱، دفتر
نشر فرهنگ اسلامی، تهران، چاپ چهارم، پاییز ۱۳۶۵.

بی آزار شیرازی، عبدالکریم، همبستگی مذاهب اسلامی، ناشر: دانشگاه مذاهب
اسلامی، ۱۳۸۷

پیشداد، سعید، همگرایی در سازمان اکو، مرکز بازشناسی اسلام و ایران، تهران، ۱۳۸۳
حسن پور، پردل، سخنان نغزاز صاحبان مغز، ناشر: مؤلف، سراوان، چاپ اول، تابستان
۸۵.

حسینی، سیدشهاب الدین، اتحاد و انسجام اسلامی در احادیث مشترک اهل سنت و
شیعه، ترجمه: محمد تقدّمی صابری، بنیاد پژوهش های اسلامی آستان قدس رضوی،
مشهد، چاپ اول، ۱۳۸۶.

حیدری فر، مجید، مهندسی فهم و تفسیر، قم: بوستان کتاب. (۱۳۸۸)

- دهخدا، علی اکبر، لغت نامه دهخدا، ج ۵ نشر دانشگاه تهران، چاپ دوم ۱۳۷۷
- خمینی، سیداحمد، (پاییز ۱۳۷۳)، وحدت از دیدگاه امام خمینی (ره)، فصل نامه ی حضور، ش ۸.
- خمینی (ره)، سیدروح الله (بی تا)، تقریر آیت الله محمد فاضل لنکرانی، مناهج الوصول إلى علم الأصول، ج ۱، تهران، مؤسسه ی تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره).
- خمینی، روح الله، شرح چهل حدیث، (۱۳۸۹) تهران، مؤسسه ی تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره).
- فولادی، محمد استراتژی وحدت جهان اسلام در اندیشه ی امام خمینی (ره)، ماه نامه ی معرفت، ش ۱۲۶. (خرداد ۱۳۸۷)،
- (قوام، عبدالعلی، اصول سیاست خارجی و سیاست بین الملل، ناشر، سازمان سمت، ۱۳۹۰
- گریفیتس، مارتین (۱۳۸۸)، دانش نامه ی روابط بین الملل و سیاست جهان، ترجمه: علیرضا و طیب، تهران، نشر نی.
- معین محمد، فرهنگ فارسی، ج ۱، انتشارات امیرکبیر تهران، چاپ هشتم، ۱۳۷۱
- مهدی پور، محمود، «عوامل صفتبندی و راهکارهای وحدت اسلامی»، فصلنامه فرهنگ کوثر، شماره ۱۷، مرداد ۱۳۷۷ش
- ولایتی، علی اکبر، سعیدمحمدی، رضا، (بهار و تابستان ۱۳۸۹)، تحلیل تجارب همگرایی در جهان اسلام، دوفصلنامه ی دانش سیاسی، ش ۱۱
- وجدی محمدفرید، دایره المعارف القرن العشرين، ج ۷، دالفکر بیروت، بی تا.

همزیستی مسالمت آمیز قومی و مذهبی در افغانستان؛ موانع و راهکارها (با تأکید بر آموزه‌های اسلامی و سیره عملی پیشوایان دینی)

علی مدد فهیمی *

چکیده

همزیستی مسالمت آمیز در جوامع چند مذهبی و چند نژادی؛ همانند جامعه‌ی افغانستان، یکی از دغدغه‌های همیشگی رهبران، مسئولان، پژوهشگران و... متدین و دلسوز می‌باشد. دین مقدس اسلام آخرین و جاودانه ترین نسخه‌ی نجات بشریت برای سعادت از جمله حیات جمعی مسالمت آمیز است. این مقاله با توجه به منابع اصیل اسلامی؛ قرآن کریم، سنت نبوی و سیره عملی معصومین(ع)، به بیان اهمیت همزیستی مسالمت آمیز در اسلام، سیر تاریخی آن در افغانستان، بررسی موانع آن در این کشور و سرانجام ارائه‌ی راهکارهای عملی آن، پرداخته است.

کلید واژه‌ها: همزیستی مسالمت آمیز، قوم، مذهب، اسلام، افغانستان، مانع و راهکار.

* . دانش پژوه دکتری (اندیشه معاصر مسلمین) و استاد جامعه المصطفی العالمیه (ص)،

مقدمه:

همزیستی مسالمت آمیز، به معنای باهم زندگی کردن به صورت صلح جویانه و به دور از خشونت میان پیروان مذاهب و اقوام مختلف است. زندگی مسالمت آمیز و همبستگی امت اسلامی؛ به ویژه در کشور چندمذهبی و چند قومی افغانستان، موضوع بسیار مهم و مورد توجه است که در شرایط کنونی، ذهن همه ی مسلمانان به ویژه اندیشمندان اسلامی را به خود مشغول ساخته است. با توجه به اهمیت مسئله می طلبد که این موضوع را از دیدگاه قرآن، سنت، سیره معصومین (ع) و سیر تاریخی آن در افغانستان مورد پژوهش قرار دهیم و ابتدا تأکید قرآن کریم نسبت به همزیستی مسالمت آمیز در جامعه اسلامی را مورد بررسی قرار خواهیم داد، سپس وضعیت همزیستی مسالمت آمیز را کشور افغانستان بررسی خواهیم کرد و در نهایت شرایط، مقتضیات، موانع و راهکارهای آن را مورد بحث قرار خواهیم داد.

۱- سیر تاریخی واگرایی ها و اختلافات در افغانستان

در افغانستان، روند همزیستی و همگرایی به گونه ای مطلوب نبوده و این سرزمین، صفحات گسترده ای از واگرایی ها، اختلافات، جنگ ها و قتل عام ها را در دل خود جای داده است که در به اختصار به آن پرداخته می شود:

۱-۱- نزاع ها و درگیری های مذهبی

از زمان احمد شاه ابدالی تا عصر عبدالرحمن، کدورت ها و کینه های مذهبی وجود داشته و در برخی موارد بروز خشونت بار خارجی و عینی نیز داشته است؛ و این روحیه از زمانی که مجال بروز یافته است حوادث دل خراش و فجایع تراژدیک و

دردآوری به وجود آورده است که نمونه بارز و برجسته آن را می‌توان در فتنه مذهبی اواخر دوره شاه محمود در کابل، دید که صرفاً از یک بهانه جزئی شروع شد و به جنگ خونین تمام‌عیار میان اهل سنت و شیعیان قزلباش تبدیل گردید و با تکفیر شیعیان از سوی عالم وقت اهل سنت (میر واعظ) دامنه این نزاع بیشتر شد، به گونه‌ای که افراد زیادی از فرزندان افغانستان جان خود را از دست داد و خانه‌ها و کاشانه‌های زیادی به آتش کشیده شد. (علی‌قلی میرزا، ۱۳۷۶: ۷۱)

۱-۲- درگیری‌های خونین قبیله‌ای و خانوادگی

یکی از واقعیت‌های غیرقابل‌انکار دیگری که در سراسر تاریخ افغانستان؛ به‌ویژه از دوره احمدشاه ابدالی تا عبدالرحمن به‌روشنی خودنمایی می‌کند، مسئله درگیری‌های خونین و گسترده قبیله‌ای و خانوادگی است که هریک برای کسب، حفظ و انحصار قدرت صورت گرفته و برای انتقام‌گیری‌های خانوادگی شعله‌ور شده است. شعله‌های آتشین خشم و نفرت و انتقامی که بسیاری از فرزندان این سرزمین را به کام خود فروبرده و هزاران تن نیروی انسانی را به نابودی کشانده است. قصه فتح‌ها و شکست‌ها در افغانستان غالباً به این گونه نزاع‌ها اختصاص یافته است و دست‌به‌دست شدن چندین باره شهرهای هرات، قندهار، کابل، غزنی و... گویای این واقعیت است؛ و فجایع تراژدیک کور شدن برادر به دست برادر، روایت آشنایی این نزاع ننگین و حکایت این نابردباری تاریخی است. (فرهنگ، ۱۳۷۱: ۱۸۷).

۱-۳- قیام‌ها و شورش‌های محلی

علاوه بر دو مسئله مهم قبلی؛ یعنی جنگ‌های مذهبی و درگیری‌های قبیله‌ای و خانوادگی که هریک گویای عرصه‌های تنگ برای وحدت ملی در این دوره است،

نکته دیگری که به همان اندازه مهم و در این زمینه گویا است، مسئله قیام‌ها و شورش‌های محلی است.

واقعیت این است که افغانستان همانند بسیاری از کشورهای دیگر دارای نژادها و اقوام مختلف، از مناطق گوناگون تشکیل شده است، که همین مسئله در فرایند تاریخی باعث شکل‌گیری نکته فوق شده است. بنابراین، این واقعیت تاریخی نیز غیرقابل تردید است که در سیر تحول تاریخی افغانستان بسیاری از مردمان اقوام و مناطق مختلف کشور در مقابل فشارهای گسترده و ظلم‌های مستمر حاکمیت‌های گوناگون خودکامه قومی و قبیله‌ای تاب تحمل نیاورده و در فرصت‌های به‌دست آمده سر به شورش و قیام برداشته‌اند. (همان: ۱۶۵).

۱-۴- تحمیل هویت قومی بر هویت ملی

یکی از واقعیت‌های که در گذشته افغانستان شکل گرفته و تا به امروز نیز گسترش یافته است، گزاره غلبه هویت قومی بر هویت ملی و هر هویت دیگر است. درست است که افغانستان از قدیم‌الایام موزه اقوام مختلف بوده و چه‌بسا در مواردی برخوردهای قومی را نیز تجربه کرده است، اما چنانچه گذشت، از دوره احمدشاه ابدالی تا عبدالرحمن بیشتر درگیری رنگ و بوی قبیله‌ای و خانوادگی داشته است؛ و اکثر جنگ‌ها به خاطر رقابت برادران یک خانواده و یا انتقام‌گیری‌های یک قبیله شکل می‌گرفته است. اما از عصر عبدالرحمن به بعد قضیه فرق نموده و نزاع‌ها از حالت خانوادگی به‌سوی قومی شدن پیش می‌رود، چه این که خواسته‌ها حالت نژادی به خود می‌گیرد. چراکه با سلطه عبدالرحمن و با غلبه بر اقوام دیگر پایه‌های حاکمیت تثبیت می‌گردد و زمینه‌های شکل‌گیری و انسجام هویت پشتون، به وجود می‌آید؛ و

به مرور هویت قومی پشتون در مقابل هویت‌های اقوام دیگر ممتاز گردیده و در فقدان هویت ملی بر سایر هویت‌ها چیره گردیده و غلبه می‌کند. (غرجستانی، ۱۳۷۲: ۷۹) این روند به شکل سامانمند ادامه یافته و تقویت می‌شود، که موضع‌گیری‌های سیاسی، نظامی و فرهنگی همه حکومت‌های بعد از آن گویای این واقعیت است. اما متأسفانه این واقعیت تلخ با بحث همزیستی مسالمت قومی و مذهبی در کشور افغانستان سازگار نیست.

۱-۴-۱- تبعیض‌های گسترده

وقتی در یک کشور برای شکل‌گیری، حفظ و تقویت هویت قومی بیش از هویت ملی بهاداده شده و تلاش می‌شود، طبیعی است که در جامعه سستی و خفقان آلودی چون افغانستان، هرگونه بی‌عدالتی، و تبعیض در مقابل دیگر اقوام صورت گیرد. بررسی تاریخی تبعیضات که در افغانستان بر علیه اقوام دیگر بخصوص هزاره‌ها صورت گرفته در توان یک مقاله نیست چه اینکه نه تنها خود این مسئله نیاز به یک پژوهش مفصل دارد که هریک از ابعاد اقتصادی، فرهنگی، سیاسی، نظامی، اداری و... آن نیازمند چندین مقاله پژوهشی است. فرمان مخفی شماره ۸۷۵ هاشم خان به وزارت معارف مبنی بر عدم پذیرش فرزندان هزاره در مدارس عالی، دریافت اجباری هر نوع مالیات از قبیل: مالیات روغن کته پاوی، شاخ پولی، کله پولی، گندم گدام، سر چوبی و...، ممنوعیت و محدودیت در عرصه نظامی، فرهنگی، اداری و نمونه‌های از تبعیض فراگیر و گسترده‌ای است که توسط حکومت قوم سالار و انحصارطلب اعمال می‌شد. (مقصودی، ۱۳۶۸: ۵۲).

۱-۴-۲- کشتار جمعی و نسل کشی قومی

واقعیت غیرقابل کتمان حکومت‌های انحصارگرا و تمامیت‌خواه بخصوص از دوره عبدالرحمن به بعد در راستای برتری طلبی قومی و تمامیت‌خواهی نژادی، که برآیند غلبه هویت قومی بر هویت ملی است؛ مسئله کشتارها، قتل‌عام‌ها و نسل‌کشی‌های است که در هیچ‌یک از دوره‌های تاریخی این سرزمین، نظیر نداشته و در تاریخ بشریت کم‌سابقه است. تاریخ افغانستان از عصر امیر عبدالرحمن تا دوره کمونیست‌ها، شاهد قتل‌عام‌های گسترده‌ای است که در مناطق مختلف و به اشکال گوناگون واقع شده است، بررسی چگونگی و چرایی این واقعیت تلخ تاریخی در حوصله این مقاله نیست، اما مهم‌ترین سرکوب‌های خشونت‌آمیز تاریخی را در سرکوب ده‌ساله قیام مردم شنواری توسط عبدالرحمن که از سرهای کشته‌ها، کله‌منار ساخته بودند، سرکوب مردم اندری ترکی، علی خیل و ناصری، سرکوب خونین قیام‌های مردم ترکستان و بدخشان و مناره ساختن از سرها کاه پوست شده آنان، قتل‌عام‌ها و سرکوب‌ها در سرزمین هزارستان که سیاه‌ترین دوره تاریخی افغانستان به حساب می‌آید، می‌توان مشاهده کرد. (غرجستانی، ۱۳۷۲: ۸۵-۹۳؛ کاتب، ۱۳۷۰: ۵۵۸)

۱-۵- سرسپردگی خارجی

هرچند سرسپردگی دولت‌ها، جریان‌های حاکم و اشخاص تأثیرگذار در افغانستان به دولت‌های خارجی، امر تازه و مخصوص یک دوره نیست و تاریخ افغانستان از قدیم‌الایام به‌ویژه از دوره معامله و پیروی عبدالرحمن از انگلستان، این مسئله به‌مثابه یک بلای تاریخی به حساب می‌آید. اما آنچه قابل‌یادآوری است گسترش، آشکاری، تعمیق و تکمیل این سرسپردگی در دوره کمونیست‌ها، مجاهدین و سلطه‌طلبان اول

(دهه هفتاد) است؛ که در همه‌ی این دوره‌ها و در عصر حاکمیت هریک از این سه جریان، سلطه خارجی بر سرنوشت مردم افغانستان و امورات این کشور به وضوح دیده می‌شود؛ و انگار مسابقه‌ای جدی میان این سه جریان در پیروی از دولت‌های خارجی در بین بوده است. در نوکری جریان‌های مختلف کمونیستی و احزاب خلق و پرچم از ابرقدرت شرق یعنی شوروی سابق هیچ شک و تردیدی نیست. (روا، ۱۳۶۹: ۶۹) در جریان مجاهدین و گروه‌های جهادی نیز وضع از این بهتر نبود، اصولاً بسیاری از گروه‌های جهادی بن‌مایه‌های فکری وارداتی شکل گرفته بود و حتی در خارج از کشور تأسیس شده‌اند. از این رو گروه‌های جهادی از جریان‌های کمونیستی، وابستگی‌شان به کشورهای خارجی بیشتر است. این وابستگی منحصر به دوره جهاد و ایام جنگ با شوروی نبود، بلکه در ایام پیروزی نیز ادامه داشت؛ به گونه‌ای که خانم بی‌نظیربوتو، خود از این وابستگی اظهار تعجب کرده گفته بود: دلم به حال و روز افغانی‌ها می‌سوزد، آنان در این میان بین نیروهای قدرتمند خارجی له شده‌اند و سرانجامشان مرگ است اگر از مسیر رهبران خود خارج نشوند. (بوتو، ۱۳۷۶: ۵۱۸)

متأسفانه این نوع سرسپردگی با ظهور طالبان اول (دهه هفتاد) به کلی تکمیل شد، به گونه‌ای که پاکستان بر تمام مقدرات و امورات افغانستان مسلط گردید، که نه تنها دولت پاکستان که حتی گروه‌ها و مدارس مذهبی آن کشور نیز به خود حق می‌دادند که در باره سرنوشت ملت افغانستان تصمیم بگیرند. جنایاتی غیرقابل جبران که علیه انسان و انسانیت در دوره این سه جریان نامبرده شده در افغانستان، تحمیل شده است، در جهان معاصر کم‌نظیر است. جنایات هولناک کمونیست‌ها اعم از زندان‌ها، اعدام‌ها، کشتارها، قتل عام‌ها، آتش زدن‌ها، تخریب‌ها، بمباران‌ها و... و همین‌طور خانه جنگی‌های مجاهدین، ترورها، کشتارها به‌ویژه جنایات افشار که مثل زخم ناسور بر

پیکر یک ملت مانده است و جنایات غرب کابل توسط شورای نزار و اتحاد اسلامی، و همچنین جنایات بی‌شماری طالبان اول، در نقطه نقطه‌ای افغانستان گواهی این واقعیت است. جنایاتی که وقوع هریک از آن‌ها در یک کشور، با الف و بای اولیه وحدت ملی و همزیستی مسالمت‌آمیز سازگار نیست. (محقق بلخی، ۱۳۸۶: ۵۵۰) اما تفاوت که دوره جهاد با دو دوره دیگر (کمونیست‌ها و طالبان اول) دارد این است که دوره جهاد در ابتدا از معنویت و روح برادری و همسویی برخوردار بود، مجاهدین از هر مذهب، قوم و حزبی که بودند کنار هم با اتحاد و وحدت در مقابل ارتش متجاوز شوروی و نوکران داخلی‌شان مشغول مبارزه بودند و با شکست دادن ارتش قدرتمند شوروی برگ زرین در تاریخ کشور ثبت کردند و نه تنها افغانستان را بلکه کشورهای آسیای میانه را از چنگال کمونیسم نجات دادند ارتش سرخ را به‌زانو درآوردند ارتشی که ابرقدرت غرب از ترس آن خواب راحتی نداشت و اتحاد جماهیر شوروی از هم پاشید. اما مجاهدین بعد از پیروزی و مستقر شدن در کابل یک طرح و برنامه در جهت کنترل بحران و ایجاد همدلی و رفع تنش‌ها نداشتند بلکه جنگ و برادرکشی را در پیش گرفتند و جنایاتی را مرتکب شدند که دشمنان اسلام و افغانستان می‌خواستند. (رحمانی، ۱۳۹۱: ۱۳۶)

۱-۶- افغانستان پس‌طالبان اول (دوره جمهوریت) و همزیستی مسالمت‌آمیز

افغانستان پس‌طالبان اول، با وجود همه‌ی نابسامانی‌ها و کمبودهای که وجود داشت یکی از بهترین ادوار تاریخی خود را در باب همزیستی مسالمت‌آمیز سپری کرد و می‌توان گفت: حداقل برای هزاره‌ها یکی از دوران‌های خوب تاریخ افغانستان بود (از آنجاکه هزاره و شیعه در افغانستان وحدت مفهومی دارند؛ در این مقاله نیز این دو واژه یکی در نظر گرفته شده است)، هزاره‌ها که در ادوار گذشته از محرومیت و

ظلم‌های گوناگون رنج‌ها برده بود و به هیچ یکی از حقوق سیاسی، مذهبی، فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی و... خود دست نیافته بودند و در محرومیت همه‌جانبه نگه‌داشته شده بودند. اما در دوره مزبور به‌خصوص در زمان حکومت حامد کرزای به برخی از مهم‌ترین مطالبات و خواسته‌های خود، هرچند اندک دست‌یافته بودند.

درخور یادآوری است که طولی نکشید وضعیت مزبور تغییر یافت و حکومت‌های دوران جمهوریت به‌خصوص در دوره اشرف غنی، دوباره درصدد احیای سیاست عبدالرحمانی (اعمال تبعیض، انحصارگرایی، قومی کردن حکومت و...) برآمدند که سرانجام همین سیاست غلط منجر به سقوط نظام جمهوریت شد.

۱-۶-۱- مشارکت سیاسی هزاره‌ها در حکومت

یکی از اساسی‌ترین خواسته‌های تاریخی هزاره‌ها و شیعیان حقوق سیاسی و حضور فیزیکی آنان در حکومت بوده است، خواسته‌ای که هیچ‌وقت تحقق نیافته. اما در دوره پساطالبان اول، برای اولین بار هزاره‌ها به این خواسته مهم خود دست یافتند. دستیابی به معاونت ریاست جمهوری، وزارت، نمایندگی پارلمان، پست‌های دولتی دیگر، برخی از حقوق سیاسی هزاره‌ها است که به آنان داده شده بود و این امر کمکی بزرگی در راستای تقریب مذاهب، وحدت ملی و همزیستی مسالمت‌آمیز در افغانستان بود.

سوگ‌مندانه باید گفت، که این سیاست (مشارکت سیاسی اقوام غیر پشتون) فریبی بیش نبود؛ سرانجام حکومت‌های دوره پساطالبان اول (جمهوریت) ماهیت واقعی خود را نشان دادند. حکومت مزبور با تمام توان تلاش کرد اقوام دیگر را از تمام عرصه‌های سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و... حذف نماید. در اواخر حکومت مزبور، شاهد یک حکومت کاملاً قومی بودیم.

۱-۶-۲- رسمیت یافتن مذهب جعفری در قانون اساسی افغانستان

یکی دیگر از خواسته‌ها و مطالبات مهم هزاره‌ها در افغانستان رسمیت یافتن مذهب جعفری در کنار مذهب حنفی بوده است. در طول ادوار تاریخی افغانستان تلاش‌های زیادی برای رسمیت یافتن مذهب جعفری از جانب علما و بزرگان هزاره صورت گرفته اما نه تنها این امر تحقق پیدا نکرد، بلکه در برخی دوره‌ها از جانب حکومت سیاست تغییر مذهب اعمال شده است. در زمان امیر عبدالرحمن از روش‌های متعدد استفاده شده تا مذهب شیعیان را تغییر دهند. (ناصری داوودی، ۱۳۷۹: ۱۳۳). در دوران طالبان اول نیز بارها اعلام کردند که هزاره‌ها یا باید مسلمان شوند!! یا به گورستان بروند یعنی مذهب هزاره‌ها (جعفری) را اصلاً جزء از مذاهب اسلامی نمی‌دانستند و شیعه بودن یک جرم نابخشودنی بود. اما خوشبختانه در دوران پسا طالبان اول، در قانون اساسی جدید افغانستان مذهب جعفری به رسمیت شناخته شده بود. (متن کامل قانون اساسی جمهوری اسلامی افغانستان: ۶۵)

۱-۶-۳- آزادی مراسم‌های مذهبی

هزاره‌ها در طول دوران ستم‌شاهی و طالبان اول، از برگزاری مراسم مذهبی آزادانه محروم بوده‌اند، اصلاً برگزاری مراسم عزاداری امام حسین (ع) ممنوع بود و حسینه‌ها و تکیه خانه‌ها تخریب می‌شدند. (کاتب، ۱۳۷۰: ۱۰۳۰). اما در زمان پسا طالبان اول (جمهوریت) هزاره‌ها مراسم عبادی و مذهبی‌شان را آزادانه انجام می‌دادند و به‌طور علنی در روزهای تاسوعا، عاشورا و... دسته‌های عظیمی سینه‌زنی و عزاداری در خیابان‌های کابل و دیگر شهرها به راه می‌انداختند. نه تنها هزاره‌ها بلکه عده‌ای از برادران اهل سنت نیز در کنار شیعیان به عزاداری می‌پرداختند و حتی شخص

رئیس جمهور و دیگر رجال بلندپایه کشوری و لشکری شرکت نموده و بعضاً سخنرانی و تجلیل از قیام امام حسین (ع) ایراد می نمودند. این امر در راستای وحدت ملی و همزیستی مسالمت آمیز نقش تعیین کننده داشت.

۲- موانع همزیستی مسالمت آمیز در افغانستان با حضور طالبان دوم

اگر بخواهیم یک بررسی مناسب از بحث تقریب مذاهب اسلامی و همزیستی مسالمت آمیز در افغانستان داشته باشیم، بدون بحث از موانع همزیستی مسالمت آمیز در این کشور امکان پذیر نیست. مهم ترین موانع همزیستی مسالمت آمیز در افغانستان عبارت اند از:

۲-۱- بحران آگاهی

اولین مانع تقرب مذاهب اسلامی، وحدت ملی و همزیستی مسالمت آمیز در افغانستان، بحران فراگیر آگاهی است. افغانستان علیرغم اینکه در برخی ادوار تاریخی مرکز مهم علمی و فرهنگی جهان اسلام به شمار می رفته است، اما امروزه دیگر از آن شکوه تاریخی و شوکت اسلامی خبری نیست. برای بازگویی بحران آگاهی در افغانستان لازم نیست به فقر و فقدان نظریه پردازی در عرصه سیاست و اجتماع و دیگر عرصه های حیات انسانی، اشاره کرد، بلکه با نگاه ساده و ابتدایی، سطح سواد موجود در کشور و میزان اهمیتی که مردم برای آن قائل اند، می توان تصویری کلی از بحران آگاهی به دست آورد. اما آنچه لازم است در باب بحران آگاهی در ارتباط با همزیستی مسالمت آمیز قومی و مذهبی در کشور، مورد توجه قرار گیرد دو نکته ذیل است:

۲-۱-۱- ضعف معرفت دینی

هرچند مردم افغانستان در زمینه‌های مختلف از ضعف معرفت و فقدان آگاهی رنج می‌برند، اما در ارتباط با مقوله وحدت اسلامی و همزیستی مسالمت‌آمیز آنچه بیشتر آسیب‌زا است ضعف معرفت دینی است. مردم افغانستان به دلیل ناآگاهی عمومی، زندگی به شدت قبیله‌ای، مشکلات اقتصادی، عدم توزیع عادلانه معرفت از سوی اربابان قدرت، اشرافی شدن مقام علم و عالم و... از رسیدن به عمق و ژرفای معارف دینی و آموزه‌های حیاتی هر دو مذهب جعفری و حنفی بازمانده‌اند، و به همین جهت نه تفسیر روشن و ماندگاری از این آموزه‌ها ارائه کرده‌اند و نه تجربه دینی موفق در این سال‌های اخیر عرضه داشته‌اند، که این مسئله بر همزیستی مسالمت‌آمیز و همبستگی قومی و مذهبی بی‌تأثیر نیست. مشکل دیگر وابستگی افغانستان در آموزه‌های دینی به کشورهای مانند عربستان، پاکستان، مصر و... است که هرکدام با شیوه و قرائت‌های خاص خودش از دین وارد جامعه افغانستان می‌شود که در بسیاری از موارد باهم سازگاری ندارد.

۲-۱-۲- ضعف آگاهی متقابل قومی و مذهبی

هرچند در کشور افغانستان بحران آگاهی در بسیاری از زمینه‌ها وجود دارد اما آنچه از همه در زمینه همزیستی مسالمت‌آمیز قومی و مذهبی مشکل‌آفرین بوده و آسیب‌زا است؛ فقدان یا ضعف آگاهی متقابل پیروان مذاهب از اندیشه‌ها و اندوخته‌های علمی و مذهبی همدیگر است. باید اذعان داشت که نه اکثریت عالمان اهل سنت از نظریات شیعه آگاهی دارد و نه در میان شیعیان دانش‌های چون کلام و فقه مقارن آن‌طور که باید مورد توجه قرار دارند. بسیاری از نویسندگان و عالمان اهل سنت در باره‌ی برخی

مسائل و باورهای شیعه آگاهی نداشته و به سخنان غیر مستند تکیه می‌کنند. (حیدری، مجله پگاه اندیشه، سال اول، شماره اول، ص: ۸۷). بدون شک این عدم آگاهی می‌تواند زمینه‌ساز پذیرش بسیاری از القائات نادرست گردیده و بستری برای سوء تفاهم‌ها، سوء برداشت‌ها، قضاوت‌ها و پیش‌داوری‌های زیادی میان پیروان مذاهب اسلامی شده است. این در حالی است که قرآن کریم و پیشوایان دینی مسلمانان را از هرگونه سخن گفتن، پیروی نمودن از روی جهل و نادانی به شدت نهی کرده است (اسراء: ۳۶). این سوء تفاهم‌ها زمینه گسست اجتماعی و بروز منازعات و کشمکش‌های قومی و مذهبی را فراهم نموده و واگرایی ملی را در پی خواهد داشت.

۲-۲- حضور اندیشه‌های عشیره‌ای

یکی از موانع جدی همزیستی مسالمت‌آمیز در افغانستان و اساساً یکی از عوامل اصلی بحران‌های سیاسی، اجتماعی و... حضور گسترده و فراگیر اندیشه‌های عشیره‌ای و فرهنگ قبیله‌ای است. اندیشه‌ها و باورهای قبیله‌ای به گونه‌ای است که در برخی موارد با شریعت اسلامی در تضاد بوده و مخالف است اما در عین حال با قوت تمام اجرا می‌شود و به روند رو به رشد خود ادامه داده است (میرزا، ۱۳۷۶: ۴۵). حضور اندیشه‌های عشیره‌ای و قبیله‌ای جدا از اینکه مانعی برای ایجاد یک نظام جدید در افغانستان به شمار می‌رود، با سلطه اندیشه‌های سنت‌گرایانه و...، زمینه برخوردهای اجتماعی را فراهم کرده است. از قدیم‌الایام نیز با حمایت برتری نژادی، امتیاز طلبی قومی و... رنج‌های بسیاری برای جامعه افغانستان به بار آورده است. (مقصودی، ۱۳۶۸: ۱۰) امروزه نیز این اندیشه مانع جدی برای همزیستی مسالمت‌آمیز قومی در افغانستان به شمار می‌رود.

۲-۳- حضور جریان‌های افراطی

یکی از موانع همزیستی مسالمت‌آمیز در افغانستان حضور مستمر و تأثیرگذار جریان‌های افراطی مذهبی است. هرچند کشور افغانستان زایشگاه این جریان‌های افراطی نبوده است، اما به دلیل هم‌جواری با پاکستان و حضور و فعالیت صدها مدرسه و دارالعلم بنیادگرا در آن، زمینه تبلیغات و فعالیت روزافزون وهابیت، هزاران آموزش‌دیده افراطی از مناطق مختلف جهان به‌ویژه پاکستان به افغانستان سرازیر گردیده و مشغول فعالیت بوده‌اند که طبعاً تأثیرات خود را گذاشته است. اگر این روند ادامه یابد و از آن جلوگیری به عمل نیاید، پدیده افراط‌گرایی مذهبی و به تبع آن کشمکش‌ها و منازعات فرقه‌ای سد راه بزرگی در قبال همزیستی مسالمت‌آمیز قومی و مذهبی خواهد شد. البته افراط‌گرایی مذهبی در افغانستان محدود به حضور جریان‌های افراطی نمی‌شود بلکه روی دیگر سکه آن که هرچند در قالب نرم حضور دارد و به همان اندازه برای همزیستی مسالمت‌آمیز مشکل‌آفرین است، بحث انحصارگرایی و تمامیت‌خواهی قومی و مذهبی است.

بدون تردید، گروه حاکم فعلی (طالبان دوم) می‌تواند نقش بسیار اساسی را ایفا نماید. گروه مزبور، با در پیش گرفتن راه اعتدال، نگاه تقریبی، سیاست‌های مسالمت‌آمیز و مشارکت تمام اقوام و مذاهب موجود افغانستان در عرصه‌های مختلف سیاسی، مذهبی، اجتماعی و فرهنگی و غیره، همزیستی مسالمت‌آمیز را به معنی واقعی کلمه در افغانستان تحقق عینی بدهند.

۲-۴- نابرداری‌های تاریخی

مراد از نابرداری‌های تاریخی، مورد بی‌مهری قرار گرفتن و نادیده گرفته شدن حقوق سیاسی، اجتماعی، مذهبی، فرهنگی و... یک قوم و مذهب به‌طور مستمر است که در افغانستان این کار و می‌توان گفت این ظلم و ستم در مورد برخی از اقوام به‌ویژه قوم هزاره و پیروان مذهب جعفری اعمال گردیده است. بنابراین یکی از عوامل مهم گسست اجتماعی و واگرایی ملی در افغانستان که به‌صورت سد محکم در مقابل هرگونه تلاش برای همزیستی مسالمت‌آمیز ظاهر می‌شود، مسئله نابرداری‌های تاریخی است. واقعیت این است که افغانستان یکی از کشورهای است که تاریخ آن را ظلم و ظلمت تشکیل می‌دهد، تاریخ این کشور به‌ویژه در دو صدسال اخیر تاریخ جنگ‌ها، نزاع‌ها، قتل عام و کشتار است و به همین جهت سرنوشت انسان افغانی بردگی‌ها و آوارگی‌هاست. همه آن ستم‌ها و بی‌عدالتی‌های که بر اقوام مختلف افغانستان از سوی اکثریت و یا ارباب قدرت، در هر قالب و بهانه‌ای که صورت گرفته باشد، امروزه خود به‌عنوان یک مانع برای همزیستی مسالمت‌آمیز به‌شمار می‌رود؛ و طبیعی است وقتی در یک جامعه‌ای این همه قتل عام‌ها، کشتارها و سربریدن‌ها صورت بگیرد و هنگامی که قومی ناموس قوم دیگر را به حراج بگذارد و خون و مال او را مباح شمارد؛ و وقتی در یک جامعه و کشوری زنان و فرزندان هم را به فروش برسانند و قومی را روانه اسارت و بردگی نماید، وقتی بیش از ۶۲٪ طایفه‌ای را نابود کنند و سال‌های سال قومی را تحقیر و توهین نموده و انواع فشار و اختناق را بر آنان تحمیل نمایند و... اساساً تصور همزیستی مسالمت‌آمیز در آن مشکل به نظر می‌رسد. (دولت‌آبادی، ۱۳۸۵: ۱۲۰).

با این حال، گروه طالبان در صورتی می‌توانند جامعه افغانستان را به یک ثبات، امنیت، همبستگی ملی و همزیستی مسالمت‌آمیز برسانند که راه حاکمان گذشته را دنبال نکنند و یک مسیری جدید و یک سیاست منطقی را در پیش بگیرند. اگر در سیاست‌های خود تجدیدنظر نکنند، هیچ‌گاه اوضاع این کشور بهبود نخواهد یافت.

۲-۵- مداخلات خارجی

افغانستان کشوری است که به دلیل موقعیت جغرافیایی و حائل بودن آن، همواره مورد توجه کشورهای دور و نزدیک بوده است. به همین جهت و نیز به دلیل فقدان یک نظام مقتدر، مداخلات خارجی به این کشور در قالب‌ها و شکل‌های گوناگونی وجود داشته است. تاریخ افغانستان نشان می‌دهد که این کشور هیچ‌وقت از این‌گونه دخالت‌ها در امان نبوده است و تفاوت‌ها تنها در میزان و شکل آن بوده است که گاهی به صورت تجاوز آشکار مانند لشکرکشی انگلیس و شوروی سابق واقع می‌شد؛ و گاهی با دخالت‌های پنهان و حتی با قرار دادن یک دست‌نشانده. اکنون افغانستان در شرایطی قرار دارد که علاوه بر کشورهای ابرقدرت، کشورهای تازه تأسیس و کوچک چون پاکستان جرئت مداخله یافته و با سرنوشت مردم این کشور بازی می‌کند. پاکستان می‌خواهد سیاست ژرفای استراتژیکش را از طریق افغانستان دنبال نماید و به همین دلیل بخصوص در سه دهه اخیر مداخلات گسترده‌ای انجام می‌داد. (بوتو، ۱۳۸۶: ۵۱۷). از مداخلات و اختلاف‌افکنی استعمارگران، کشور و مردم افغانستان رنج‌ها و ضررهای جبران‌ناپذیری را متحمل شده است. از تجاوز استعمار پیر انگلیس و شوروی سابق گرفته تا اشغال استعمار جدید در دوران پسا طالبان اول، هر کدام را اگر مورد بررسی قرار دهیم خود یک پژوهش مفصل خواهد شد.

۳- راهکارهای همزیستی مسالمت آمیز در افغانستان با حضور طالبان دوم

۳-۱- گفتگو

گفتگو در شرایط کنونی برای برقراری صلح، وحدت و همزیستی مسالمت آمیز بین پیروان مذاهب اسلامی و حتی پیروان ادیان ابراهیمی یک امر ضروری و لازم است که باید بدان توجه ویژه گردد. در اکثر ادیان خصوصاً دین مقدس اسلام مذاکره و گفتگو به عنوان یک اصل مهم مورد توجه و تأکید قرار گرفته است. در قرآن کریم و روایات معصومین (ع) این مفهوم با تعبیرات مختلف (حوار، مجاحه و...) بیان شده است. قرآن کریم روش برخورد و گفتگو با دیگران را این گونه بیان می فرماید: «ادْعُ إِلَى سَبِيلِ رَبِّكَ بِالْحُكْمَةِ وَالْمَوْعِظَةِ الْحَسَنَةِ وَ جَادِلْهُمْ بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ إِنَّ رَبَّكَ هُوَ أَعْلَمُ بِمَنْ ضَلَّ عَنْ سَبِيلِهِ وَ هُوَ أَعْلَمُ بِالْمُهْتَدِينَ» (نحل: ۱۲۵). با حکمت و اندرز نیکو به راه پروردگارت دعوت کن و با آنان به شیوه ای که نیکوتر است مجادله نمای، در حقیقت پروردگار تو به حال کسی که از راه او منحرف شده داناتر و او به حال راه یافتگان نیز داناتر است. آیه شریفه ابتدا واژه حکمت را بیان می کند. علامه سید محمدحسین فضل الله در این مورد می نویسد: منظور از حکمت، گام برداشتن در مسیر آگاهی از واقعیات اجتماعی است، و این که اجتماعات را بشناسی و امکانات و ضوابط عقلی، فکری، اجتماعی و انسانی آن را بررسی کنی و در ابتدای راهت همه آن ها را مدنظر داشته باشی. (فضل الله، ۱۳۵۹، ج ۱: ۴۴) موعظه حسنه و جدال احسن نیز در این آیه مورد توجه قرار گرفته است. با توجه و عنایات قرآن کریم به این سه شیوه اشاره می کنیم به گفتگوی پیامبران الهی در قرآن کریم: قرآن نه تنها گفتگوی پیامبر اسلام (ص)، بلکه گفتگوی بسیاری از پیامبران الهی که در قرآن ذکر شده است را مطرح می کند، قرآن کریم با طرح شبهات ملحدان و مخالفان و بحث و مناظره پیامبران با

آنان، همگان را به آزادی اندیشه تشویق می‌نماید. بحث و جدال ابلیس با خدا، گفتگوی هابل و قابل، مناظره ابراهیم(ع) با نمرود، مناظره موسی(ع) با فرعون، گفتگوی نوح(ع) با قومش و... فضای مناسب و آزاد را برای تلاوت کنندگان قرآن مهیا می‌سازد تا به اندیشیدن در جهان و اسرار خلقت و آفریدگار آن بپردازند. (بقره: ۲۵۸؛ اعراف: ۵۹؛ طه: ۴۳؛ ص: ۴؛ توبه: ۶۱؛ طور: ۳۰؛ اسراء: ۹۰).

۳-۲- برقراری معاهدات و پابندی به آن

عهد و پیمان در نزد همه ملل دنیا محترم و لازم الوفا است، همه خود را ملزم به رعایت مفاد و محتوای آن می‌دانند حتی در عصر جاهلیت که عصر بی حکومتی و هرج و مرج بود، مردم در پناه شمشیر زندگی می‌کردند و هرکس که قدرت نداشت پایمال می‌شد، نیز رگه‌های از عهد و پیمان دیده می‌شود و مردم عمل به آن را از وظایف خود می‌دانستند. (نوعی، ۱۳۷۹: ۱۲۱). دین مبین اسلام که دین خاتم و کامل است، بر ایجاد عقود و پیمان‌های انسانی که مغایرت با دستورات اسلام نداشته باشد، بر پابندی به آن تأکید فراوان نموده است. بنابراین در قرآن کریم و روایات و همچنین سیره معصومین(ع) به منظور رعایت حقوق مردم و ایجاد همزیستی مسالمت‌آمیز، معاهدات و عقود از اهمیت به‌سزای برخوردار است. در قرآن کریم مسلمین به رعایت و پابندی عهد و پیمان توصیه شده و از شکستن عهد به شدت منع شده‌اند(نحل: ۹۱) یکی از اساسی‌ترین مسائل اجتماعی سیاسی جامعه بشری به‌ویژه مسلمانان مسئله همزیستی مسالمت است که افراد بشر سخت بدان نیازمند است و این مهم بدون رعایت پیمان‌ها عملاً ممکن نیست، چون در جامعه که آرامش و اطمینان عمومی نباشد بدون شک زندگی مسالمت‌آمیز معنا ندارد. پس وفای به عهد می‌تواند یکی از بهترین راهکارهای عملی برای همزیستی مسالمت‌آمیز در افغانستان باشد. در روایات

و همچنین سیره عملی معصومین(ع) به وفای به عهد و رعایت پیمان تأکید فراوان شده است. پیامبر(ص) می‌فرماید: «لادین لمن لا عهد له» (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۷۲: ۱۹۸). آن‌کس که عهد و پیمان بشکند دین ندارد. امام علی(ع) به مالک اشتر دستور می‌دهد که مواظب عهد و پیمان‌ها باشی که دارای احترام است ولو عهد با دشمن باشد. (نهج‌البلاغه، عهدنامه مالک اشتر، ترجمه جعفر شهیدی: ۳۳۹). رفتار معصومین(ع) به‌ویژه رسول اکرم(ص) و امام علی(ع) دلیل واضح و روشن بر اهمیت دادن و تأکید، آن بزرگواران به مسئله وفای به عهد است. پیامبر(ص) از لحاظ جوانمردی، حسن اخلاق، پایبندی به عهد و پیمان و... از همه برتر بود و به همین سبب ایشان را امین نامیده بودند. (نوعی، همان: ۱۲۳). صلح حدیبیه یکی از بهترین پیمان‌های پیامبر(ص) است، به‌طور که قرآن کریم آن را فتح مبین خوانده است. (فتح: ۱).

در این زمینه، نقش اساسی را حاکمیت طالبان می‌تواند ایفا نماید؛ با عمل به وعده‌ها و تعهدات خود اعتماد مردم افغانستان را جلب نموده و یک حکومت فراگیر تشکیل بدهند تا به نزاع‌ها و اختلافات تاریخی این کشور پایان داده شود.

۳-۳- تساهل و تسامح

منظور از تساهل و تسامح در این پژوهش، مدارا نمودن و خویش‌داری نسبت به مخالفین است، بدین ترتیب که افراد علیرغم مخالف هم بودن در عقیده، یکدیگر را به‌عنوان یک واقعیت بپذیرند و با توسل به‌زور درصدد تحمیل عقیده و مذهب خویش بر دیگران برنمایند. در بیشتر مذاهب بزرگ اسلامی، مبنای مستحکمی وجود دارد که پیروان خود را همواره به مدارا، پرهیز از خشونت فرامی‌خوانند. (شفایی، ۱۳۸۷: ۷۸).

زرین کوب در این زمینه می‌نویسد: یک شاهد عمده بر وجود روح تسامح در اسلام این است که اهل ذمه در امور اداری و بعضی مناصب حکومتی با وجود کراهت مردم وارد شدند، روی هم‌رفته شواهد موجود نشان می‌دهد که این روح تسامح در صدر اسلام و قرون نخستین آن قوی‌تر بوده است تا عهد مغول و ادوار متأخر. (زرین کوب، ۱۳۵۵: ۷۶). بخصوص در تاریخ افغانستان ما شاهد هیچ‌گونه تسامح نسبت به مذهب و نژاد دیگر نیستیم. قرآن کریم در موارد متعدد تأکید می‌کند که نه تنها مسلمین در میان خودشان با تساهل و تسامح رفتار نمایند بلکه به صراحت، سیاست کلی اسلام را درباره مراعات حقوق ملل و سایر مذاهب بیگانه چنین بیان کرده و می‌فرماید: «لَا يَنْهَاكُمُ اللَّهُ عَنِ الَّذِينَ لَمْ يُفَاتِلُوكُمْ فِي الدِّينِ وَ لَمْ يُخْرِجُوكُمْ مِنْ دِيَارِكُمْ أَنْ تَبَرُّوهُمْ وَ تُقْسِطُوا إِلَيْهِمْ إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُقْسِطِينَ». (ممتحنه: ۸). خدا شما را از کسانی که در کار دین با شما نجنگیده و شما را از دیارتان بیرون نکرده‌اند، باز نمی‌دارد که با آنان نیکی کنید و با ایشان عدالت ورزید، زیرا خدا داد گران را دوست می‌دارد. آری اسلام اجازه می‌دهد که اقلیت‌های دینی، مذهبی، نژادی و مخالفین اسلام در جامعه اسلامی زندگی نمایند. در روایات معصومین (ع) نیز به مسئله تساهل و تسامح توجه ویژه شده است؛ اسلام بر مبنای انسان‌دوستی و اعتقاد به اخوت و همزیستی مسالمت‌آمیز همه انسان‌ها بدون در نظر گرفتن نژاد و مذهب، همه را مورد احترام و محبت قرار داده است. رسول گرامی (ص) می‌فرماید: «الخلق كلهم عيال الله و أحبهم اليه انفعهم لهم». (کلینی، ۱۴۰۱ق، ج ۲: ۱۶۴). مردم همه مخلوق و عیال خداوند هستند از این جهت هیچ‌گونه تفاوت و برتری بر همدیگر ندارند و محبوب‌ترین مردم در نزد خدای سبحان کسی است که نفع و خیر او به مردم بیشتر برسد. سیره عملی پیامبر (ص) نیز سراسر همراه

با لطف و مدارا بود. به عنوان نمونه در روز فتح مکه که یک فتح کاملاً مسالمت آمیز بود، اوج لطف و مدارا در سیره رسول گرامی اسلام شاهد هستیم.

حاکمیت مستقر افغانستان (طالبان دوم)، با سیاست تساهل و تسامح می تواند بسیاری از چالش ها و مشکلات موجود افغانستان را حل نمایند.

۳-۴- عدالت اجتماعی

اهمیت عدالت اجتماعی در اندیشه اسلامی تا آنجاست که اگر کسی با تجاوز به حقوق دیگران، قوانین عدالت اجتماعی را نقض کند، از نظر دین گناه نابخشودنی را مرتکب شده است. (مهدوی، ۱۳۸۶: ۶۶). اگر عدالت اجتماعی که یکی از مهم ترین و زیربنایی ترین اندیشه های سیاسی و اجتماعی اسلام است، در جامعه از جانب افراد اجتماع به ویژه حاکمان و دولت مردان اسلامی رعایت شود آن جامعه یک جامعه پویا، ایده آل و دارای امنیت خواهد بود و مردم در آن جامعه با کمال خوشی یک زندگی مسالمت آمیز را خواهند داشت. اما اگر عدالت اجتماعی رعایت نشود و مورد غفلت قرار گیرد. چنانچه در جامعه افغانستان قرار گرفته است، امنیت و آرامش جامعه به خطر افتاده جوّی اعتمادی حاکم می گردد. قرآن کریم راجع به عدالت اجتماعی تأکید فراوان نموده است و آن را از اهداف بعثت و وظایف پیامبران الهی دانسته است چنانچه می فرماید: «لَقَدْ أَرْسَلْنَا رُسُلَنَا بِالْبَيِّنَاتِ وَأَنْزَلْنَا مَعَهُمُ الْكِتَابَ وَالْمِيزَانَ لِيَقُومَ النَّاسُ بِالْقِسْطِ». (حدید: ۲۵). به راستی ما پیامبران خود را با دلایل آشکار روانه کردیم و با آن ها کتاب و ترازو را فرود آوردیم تا مردم به انصاف و عدالت برخیزند.

نکته جالبی در این آیه این است که از خودجوشی مردم سخن می گوید، نمی فرماید: انبیاء انسان ها را وادار به اقامه قسط کنند، بلکه می فرماید: هدف این بوده که مردم

مجری قسط و عدل باشند. آری مهم این است که مردم چنان ساخته شوند که خود مجری عدالت گردند و این راه را با پای خویش بیوندند. (مکارم شیرازی، ۱۳۷۷، ۲۳: ۳۷۲). در روایات نیز به عدالت اجتماعی تأکید فراوان شده است؛ امام کاظم (ع) می‌فرماید: عدالت از غسل شیرین‌تر است. (حکیمی، ۱۴۳۲ق، ج ۶: ۵۰۰). بلکه واقعاً هم چنین است زندگی در محیطی که بوی خوش عدالت اجتماعی استشمام می‌شود، از غسل شیرین‌تر است، و در محیط مسموم و آلوده به سم‌های تبعیض و ستمگری از زهر هم تلخ‌تر است.

بدون تردید، تأثیرگذارترین نقش را در اجرای عدالت اجتماعی حاکمیت یک جامعه می‌تواند ایفا نماید.

۳-۵- پرهیز از اهانت به مقدسات همدیگر

از اموری که می‌تواند موجب تقویت وحدت، همبستگی و همزیستی مسالمت‌آمیز میان مسلمانان می‌گردد، احترام گذاشتن پیروان مذاهب اسلامی به مقدسات همدیگر و پرهیز از اهانت به آن‌ها است، اهمیت این امر به گونه‌ای است که قرآن کریم مسلمانان را حتی از سب و اهانت به مقدسات مشرکین و کفار نهی نموده است، چه رسد به مسلمانان که پیرو دیگر مذاهب‌اند اما از یک دین، کتاب و پیامبر پیروی می‌کنند و برادر یکدیگرند. علت این امر نیز مقابله به مثل از طرف مقابل است قرآن کریم در این مورد می‌فرماید: «وَلَا تَسُبُّوا الَّذِينَ يَدْعُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ فَيَسُبُّوا اللَّهَ عَدْوًا بِغَيْرِ عِلْمٍ كَذَلِكَ زَيَّنَّا لِكُلِّ أُمَّةٍ عَمَلَهُمْ ثُمَّ إِلَىٰ رَبِّهِمْ مَرْجِعُهُمْ فَيُنَبِّئُهُمْ بِمَا كَانُوا يَعْمَلُونَ». (انعام: ۱۰۸). و آن‌های را که جز خدا می‌خوانند دشنام مدهید که آنان از روی دشمنی و به نادانی، خدا را دشنام خواهند داد. این گونه برای هر امتی کردارشان را آراستیم. آنگاه بازگشت

آنان به سوی پروردگارشان خواهد بود، و ایشان را از آنچه انجام می دادند آگاه خواهد ساخت. بنابراین اگر پیرو یک مذهب به پیشوای مذهب دیگر سب نماید در واقع به پیشوای خودش ناسزا گفته و توهین نموده است. در روایات معصومین (ع) نیز به این موضوع تأکید زیادی شده است. امیرالمؤمنین علی (ع) در این زمینه می فرماید: من خوش ندارم که شما دشنام دهنده باشید، اما اگر کردارشان را توصیف و حالات آنان را بازگو می کردید به سخن راست نزدیک تر و عذر پذیر تر بود، خوب بود به جای دشنام آنان می گفتید؛ خدایا خون ما و آن ها را حفظ کن، بین ما و آن ها اصلاح فرما، و آنان را از گمراهی به راه راست هدایت کن، تا آنان که جاهل اند حق را بشناسند و آنان که با حق می ستیزند پشیمان شده به حق بازگردند. (نهج البلاغه، خطبه ۲۰۶: ۳۲۳).

۳-۶- تقوا

تقوای الهی همانند یک پلیس مخفی بسیار قوی می تواند انسان را در هر شرایطی از انواع کج روی ها و انحرافات بازدارد، انسان با تقوا در هیچ شرایطی حاضر نیست به حقوق دیگران تجاوز کند و یا هموعان خود را مورد آزار و اذیت قرار دهد و جامعه که چنین باشد، مسلماً افراد آن از هر نژاد، مذهب و تباری که باشند با یکدیگر همزیستی مسالمت آمیز خواهند داشت. بنابراین رعایت تقوا می تواند راهکار مناسب عملی برای همزیستی مسالمت در افغانستان آمیز باشد. در قرآن کریم مسئله تقوا در آیات متعدد و در موضوعات مختلف مطرح شده است که بیانگر اهمیت آن است. قرآن کریم می فرماید: «يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّا خَلَقْنَاكُمْ مِنْ ذَكَرٍ وَأُنْثَىٰ وَجَعَلْنَاكُمْ شُعُوبًا وَقَبَائِلَ لِتَعَارَفُوا إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ أَتْقَاكُمْ إِنَّ اللَّهَ عَلِيمٌ خَبِيرٌ». (حجرات: ۱۳) ای مردم ما شما را از مرد و زن آفریدیم و شما را ملت ملت و قبیله قبیله گردانیدیم تا با یکدیگر شناسایی متقابل حاصل کنید. در حقیقت ارجمندترین شما نزد خدا پرهیزگارترین شماست.

بی‌تردید خداوند دانای آگاه است چه زیبا است جامعه‌ای که بر اساس این معیار ارزشی اسلام بنا شود و ارزش‌های کاذب نژاد، قوم، قبیله، مال و ثروت، مناطق جغرافیایی و طبقه از آن برچیده شود. آری تقوا ضامن اجرای عدالت، حفظ حقوق دیگران، احساس مسئولیت و پایبندی به پاکی و درستی کردار است، اگر رفتار انسان اصلاح گردد حتماً با هموعان خود زندگی مسالمت‌آمیز خواهد داشت و این همان چیزی است که جامعه افغانستان سخت بدان نیازمند است.

۳-۷- اخلاص

اخلاص این است که انسان در حرکت عبودی خود جز خدای متعال را قصد نکند. (نراقی، ۱۳۸۳، ج ۲: ۳۹۹). آنچه از این تعریف به دست می‌آید این است که اخلاص آن است که کار و عمل فقط برای خداوند باشد و دیگر هیچ‌گونه نیت و غرضی در آن نباشد و اگر نه آن عمل خالصانه نخواهد بود. قرآن کریم در آیات متعدد از اخلاص سخن به میان آورده است و آن را یکی از صفات بندگان خاص خود معرفی کرده است. چنانچه می‌فرماید: «إِلَّا الَّذِينَ تَابُوا وَ أَصْلَحُوا وَ اعْتَصَمُوا بِاللَّهِ وَ أَخْلَصُوا دِينَهُمْ لِلَّهِ فَأُولَئِكَ مَعَ الْمُؤْمِنِينَ وَ سَوْفَ يُؤْتِي اللَّهُ الْمُؤْمِنِينَ أَجْرًا عَظِيمًا». (نساء: ۱۴۶). مگر کسانی که توبه کردند و عمل خود را اصلاح نمودند و به خدا تمسک جستند و دین خود را برای خدا خالص گردانیدند که در نتیجه آنان با مؤمنان خواهند بود، و به‌زودی خدا مؤمنان را پاداشی بزرگ خواهد بخشید. دین مجموعه حیات معنوی و مادی انسان را در برمی‌گیرد، و بندگان خالص خدا باید تمام شئون زندگی خود را برای او خالص گردانند، غیر او را از خانه دل، صحنه جان، میدان عمل و دایره گفتار بزدايند، برای او بیندیشند و برای او دوست بدارند، از او سخن بگویند و به خاطر او عمل کنند، و همیشه در راه رضای او گام بردارند که اخلاص دین همین است. (مکارم

شیرازی، ۱۳۷۷، ج ۱۹: ۳۶۴). از این بیان روشن می‌شود که مسئله اخلاص نه تنها در امور عبادی بلکه در همه شئون زندگی انسان‌ها باید رعایت شود، هم در امور معنوی و هم در امور مادی، همچنین در مسائل سیاسی، اجتماعی، اخلاقی و... باید توجه داشت که اگر این دستور دین مبین اسلام در جامعه عملی گردد و افراد جامعه هر کاری را که انجام می‌دهند فقط برای خدا و در راستای رضای پروردگار انجام گیرد، دیگر در آن جامعه جنگ، درگیری، تبعیض و اختلاف مذهبی و نژادی وجود نخواهد داشت بلکه جای آن را محبت و دوستی، صلح، امنیت و همزیستی مسالمت‌آمیز خواهد گرفت و اسلام هم همین را از پیروان خود و همه انسان‌ها خواسته است. بنابراین رعایت اخلاص در دین که رعایت آن در همه امور زندگی است راهکاری است مناسب و عملی برای مسئله همزیستی مسالمت‌آمیز در جامعه افغانستان است.

نتیجه:

دین مقدس اسلام انسان را موجود با کرامت معرفی نموده است و بر اساس اخوت انسانی و اسلامی جهان بشریت را به‌سوی همزیستی مسالمت‌آمیز دعوت می‌کند. همزیستی مسالمت‌آمیز خواسته همه‌ی مذاهب اسلامی و حتی همه‌ی ادیان ابراهیمی است؛ و هرکدام بشر را به‌سوی صلح و همزیستی مسالمت‌آمیز فرامی‌خوانند، در شرایط کنونی و عصر حاضر که خطرات و تهدیدهای گوناگون متوجه جهان اسلام بخصوص ملت مظلوم افغانستان است، مسئله وحدت، همسویی و همزیستی مسالمت‌آمیز بیش از هر زمان دیگر نیاز جامعه اسلامی و ملت افغانستان است. اگر برای از میان برداشتن و یا به حداقل رساندن موانع نامبرده شده در مقاله، تلاشی صورت گیرد و همین‌طور راهکارهای ارائه‌شده در این پژوهش، در کشور افغانستان

پیاده و عملی گردد قطعاً همزیستی مسالمت‌آمیز میان پیروان مذاهب اسلامی از هر قوم و نژاد که باشد به وجود خواهد آمد. به امید آن روز.

فهرست منابع:

۱. ابن فارس، احمد، معجم المقاییس اللغة، مصحح هارون، قم، مکتب الاعلام الاسلامی، ۱۴۰۴ق.
۲. انوری، حسن، فرهنگ بزرگ سخن، تهران، انتشارات سخن، ۱۳۸۱.
۳. بوتو، بی‌نظیر، بی‌نظیربوتو دختر شرق، ترجمه علیرضا عیاری، تهران، مؤسسه اطلاعات، ۱۳۸۶.
۴. جمعی از محققین، عالمان دینی افغانستان، قم، مرکز جهانی علوم اسلامی، ۱۳۸۶.
۵. حکیمی، محمدرضا، الحیاء، ترجمه احمد آرام، تهران، دفتر نشر و فرهنگ اسلامی، ۱۴۳۲ق.
۶. حیدری، محمد شریف، موانع وحدت اسلامی در افغانستان، مجله پگاه اندیشه، سال اول، شماره اول.
۷. دولت‌آبادی، بصیر احمد، هزاره‌ها از قتل‌عام تا احیای هویت، قم، ابتکار دانش، ۱۳۸۵.
۸. دهخدا، علی‌اکبر، لغت‌نامه، تهران، انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۳۰.
۹. رحمانی، علی جان، مدیریت بحران افغانستان، قم، میراث ماندگار، ۱۳۹۱.

۱۰. روا، الیور، افغانستان، اسلام و نوگرایی سیاسی، ترجمه ابوالحسن سرور مقدم، مشهد، آستان قدس رضوی، ۱۳۶۹.
۱۱. زرین کب، عبدالحسین، کارنامه اسلام، تهران، امیرکبیر، ۱۳۵۵.
۱۲. شفای، عبدالله، احوال شخصیه شیعیان افغانستان، قم، مرکز بین المللی نشرو ترجمه المصطفی، ۱۳۸۷.
۱۳. صفری، مهدوی، غلام رضا، عدالت اجتماعی از منظر قرآن و بررسی آن در قانون اساسی افغانستان، پایان نامه ارشد، مدرسه عالی امام خمینی (ره)، مرکز جهانی علوم اسلامی.
۱۴. غرجستانی، محمد عیسی، کله منارها در افغانستان، قم، انتشارات اسماعیلیان، ۱۳۷۲.
۱۵. فرهنگ، محمد صدیق، افغانستان در پنج قرن اخیر، قم، انتشارات اسماعیلیان، ۱۳۷۱.
۱۶. فضل الله، محمد حسین، شیوه های دعوت و تبلیغ از دیدگاه قرآن، ترجمه، مرتضی دهقانی طرزجانی، انتشارات یاسر، ۱۳۵۹.
۱۷. کاتب هزاره، فیض محمد، سراج التواریخ، قم، چاپخانه صدر، ۱۳۷۰.
۱۸. کریمی نیا، محمد مهدی، همزیستی مسالمت آمیز در اسلام و حقوق بین الملل، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره)، ۱۳۸۶.
۱۹. کلینی، محمد ابن یعقوب، اصول کافی، تصحیح علی اکبر غفاری، بیروت، دارالصعب، ۱۴۰۱ق.

۲۰. متن کامل قانون اساسی جمهوری اسلامی افغانستان، قم، تهیه و تنظیم بنیاد فرهنگی افغانستان، ۱۳۸۲.
۲۱. مجلسی، محمدباقر، بحارالانوار، بیروت، داراحیاء التراث العربی، ۱۴۰۳ق.
۲۲. مقصودی، عبدالحسین، هزارجات سرزمین محرومان، کویت، بی نا، ۱۳۶۸.
۲۳. مکارم شیرازی، ناصر و همکاران، تفسیر نمونه، تهران، دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۷۷.
۲۴. میرزا، علی قلی، تاریخ وقایع و سوانح افغانستان، تصحیح هاشم محدث، تهران، امیرکبیر، ۱۳۷۶.
۲۵. ناصری داوودی، عبدالمجید، زمینه و پیشینه جنبش اصلاحی در افغانستان، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی(ره)، ۱۳۷۹.
۲۶. نراقی، محمد مهدی، جامع السعادات، نجف، جامعه النجف الدینی، ۱۳۸۳.
۲۷. نوعی، غلامرضا، مدارا با مخالفان در قرآن و سیره نبوی، رشت، انتشارات کتاب مبین، ۱۳۷۹.

امام ابوحنیفه و مبارزه با افراط گرایی مذهبی

عصمت الله محمدی *

چکیده

افراط گرایی مذهبی از دیرباز به صورت یک آفت، جامعه اسلامی را آزار داده و باعث هدر رفت سرمایه های هنگفت مادی و معنوی شده است. افراد و گروه های مختلفی همواره تلاش نموده اند تا با ایستادگی در برابر این جریان، دامنه فعالیت آنها را محدود و پیامدهای منفی آن را به حداقل برسانند. امام ابوحنیفه فقیه و متکلم نامدار کوفه و بنیانگذار مذهب حنفی از مذاهب چهارگانه اهل سنت، یکی از آنهاست. این پژوهش که از نظر ماهیت، از نوع تحلیلی-توصیفی است به بررسی اندیشه های ابوحنیفه برای مبارزه با افراط گرایی مذهبی با استفاده از روش کتابخانه ای پرداخته است. بررسی نظریه ارجاء، ایمان و عقلگرایی به عنوان مؤلفه های تحقیق نشان داد که او از افراط گرایی اجتناب داشت و با ارائه نظریه ارجاء معتدل و تعریف موسّع از ایمان، زمینه تکفیر برادران ایمانی و تفتیش عقاید را از بین ببرد و اتحاد و مودت را جایگزین نماید. سپس با دعوت مردم به عقلگرایی و فراگیری دانش، سعی داشت ضمن ارتقاء سطح کیفی زندگی مردم، از افتادن آنها در دامان افراطیت جلوگیری نماید.

واژگان کلیدی: ابوحنیفه، اعتدال، افراط گرایی، عقلگرایی، مدارا

۱- مقدمه:

پدیده افراط گرایی مذهبی در جهان اسلام با گرایش به اعمال خشونت و ایجاد وحشت هرچند از دهه های نخستین پس از رحلت پیامبر گرامی اسلام ظهور کرد اما در چند دهه اخیر حرکت شتابنده ای به خود گرفته و همه افراد و گروه های ملی و بین المللی را با چالش و دغدغه جدی مواجه نموده است. پیامدهای منفی این پدیده هم بر صلح، امنیت و ایجاد نوعی بدبینی و هراس از اسلام در گستره بین المللی و هم بر تعامل سازنده فرق اسلامی و ثبات درونی کشورهای اسلامی قابل تامل جدی است و هزینه ها و خسارتهای مادی و معنوی که این گروه ها بر دوش جامعه اسلامی گذاشته است خارج از تصور می باشد. در بیان چرایی ظهور گروه های خشونت طلب و افراطی، دلایلی ارائه شده است که طیف وسیعی از انگیزه ها را با توجه به فضای اجتماعی، جغرافیا، باورها و اعتقادات و التهابات درون منطقه ای شامل می شود: اصلاح مردم، بازگشت به اسلام واقعی، تشکیل خلافت (سلطه گری سیاسی) حتی با استفاده از خشونت، فعالیت گسترده شبکه های جاسوسی و امنیتی فرامنطقه ای، مبارزه با غرب و ... اما در واقع ریشه افراط گرایی، ترکیبی از عوامل یاد شده است.

این پدیده در تاریخ اسلام به صورت مشخص از زمان حضرت علی (ع) و با ظهور خوارج شروع شد و تا عصر ما که گروه هایی نظیر داعش، النصره و ... فعالیت می کنند، امتداد یافته است. برای مقابله مؤثر با این جریان، لزوم تدوین سیاست جامعی که هم بر اقدامات مقابله گرایانه و هم اقدامات پیشگیرانه توجه داشته باشد، ضروری است. «اقدامات پیشگیرانه باید جلوگیری از ظهور افراط گرایی یا کاهش تمایل افراد به سوی عقاید افراط گرایانه باشد و همچنین باید از طریق افزایش آگاهی عمومی، تقبیح افراط گرایی را دنبال و به این وسیله از گسترش آن جلوگیری کند. در عین حال، اقدامات پیشگیرانه باید تا حد امکان تمام جنبه های افراط گرایی را پوشش دهد.» (جعفری و همکاران، ۱۴۰۱، ۲۹۱)

یکی از مهمترین روشهای پیشگیری از شیوع افراط گرایی، آشنایی با سیره ائمه مذاهب اسلامی است. بررسی تاریخ زندگی، عقاید، سیاستها و خط مشی آنها می تواند به پیروان

آنها کمک کند که در برخورد با تفکرات مخالف، جنبه اعتدال و میانه روی را حفظ کنند. ابوحنیفه نعمان بن ثابت (۸۰-۱۵۰ ه ق) از فقیهان و متکلمان برجسته عصر خویش بود. شافعی در وصف او گفته است: «جمله علمای عالم عیال ابوحنیفه اند در فقه.» (حامی، بی تا، ۹۳ به نقل از عطار نیشابوری، ۱۳۸۴، ۲۱۶) بررسی اندیشه های امام اعظم ابوحنیفه از جنبه های زیادی دارای اهمیت می باشد؛ ایشان ضمن اینکه مؤسس و بنیانگذار مذهب حنفی است که پیروان و طرفداران زیادی در اقصی نقاط دنیا و به ویژه در افغانستان دارد، در داشتن افکار و رفتار معتدل و در راستای همزیستی مسالمت آمیز به ویژه در برخورد با افراد و گروه های مخالف نیز شهره می باشند.

موقعیت خاص زمان امام ابوحنیفه از این جهت اهمیت دارد که گذار از یک دوره به دوره ای دیگر است. مشخصه چنین دوره های زمانی این است که در مدت کوتاه خلا سیاسی، کنشهای متقابل بین اندیشه ها و گروههای مختلف اجتماعی بیشتر می شود و به دنبال آن، یافتن راه حلهایی برای رهایی از وضع موجود دغدغه بسیاری از اندیشمندان می شود. (حامی و امینی، ۱۳۹۱، ص ۸۸)

"بر اساس روایات بسیار محدود حنفیان کلامی و عدل گرا و روایتهای منقول در منابع غیرحنفی (منابع کلامی، تاریخی، مناقب و غیره) و حتی پذیرش برخی روایتهای و قرائتهای حنفیان اهل سنت و جماعت و مکتب ماتریدی از اندیشه های کلامی ابوحنیفه، می توان اذعان کرد که وی در زمینه کلام راهی میانه را پیموده است." (خواتی، ۱۳۸۵، ص ۱۴۹). او با «نظریه ارجاء» می خواست "عمدتاً دیدگاه خوارج را تخطئه کند و در پی آن بود که راه تکفیر مسلمانان از سوی همکیشان شان را سد نماید. وی هیچ بی اعتنایی به ارزش عمل ندارد و عاصیان را نیز برخلاف جهمیه، به بهشت امیدوار نمی گرداند و حکم اخروی آنها را به خدا وا می گذارد." (خواتی، ۱۳۸۵، ۱۴۹ به نقل از اشعری و دیگران) این نوشتار در پی آن است تا با مطالعه موضع گیریهای بنیادی ابوحنیفه در مسائل ارجاء، ایمان، علم و جهل، جایگاه عقل و ... شیوه های ابوحنیفه در نفی افراط و افراطیگری را

تبیین نماید.

۲- هدف پژوهش:

محقق می‌کوشد تا با بررسی فقه سیاسی ابوحنیفه، اهتمام برای نفی افراط گرایی را در اندیشه ایشان مورد بررسی و تبیین قرار دهد. لذا هدف اصلی این پژوهش، مشخص کردن مبانی، اصول و پشتوانه نظری نفی افراط گرایی در اندیشه ابوحنیفه می‌باشد.

۳- روش پژوهش:

در این پژوهش از روش توصیفی-تحلیلی استفاده شده و اطلاعات و مواد اولیه تحقیق پس از گردآوری به روش کتابخانه‌ای، مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته است. از منابع مختلف کتابخانه‌ای شامل مقالات، کتب و پایگاههای معتبر علمی در شبکه اینترنت برای جمع‌آوری ادبیات و سوابق موضوع استفاده و سپس نسبت به طبقه‌بندی و بهره‌برداری از آنها اقدام شده است.

۴- ضرورت پژوهش:

یکی از اقدامات پیشگیرانه برای جلوگیری از ظهور افراط گرایی یا کاهش تمایل افراد به سوی عقاید افراط گرایانه، افزایش آگاهی عمومی از اندیشه‌ها و تفکرات شخصیت‌هایی است که ضمن برخورداری از جایگاه والای علمی، مذهبی و اجتماعی همواره در مسیر اعتدال و مدارا حرکت کرده‌اند. ابوحنیفه از آن دسته شخصیت‌هایی است که برجسته‌سازی عناصر فکری و فقهی‌اش می‌تواند ایده‌مدارا و نفی افراط گرایی را بارور نموده و زمینه ساز کاهش خشونت‌ها و نزاعهای مذهبی شود.

۵- پیشینه پژوهش:

درباره ابوحنیفه و اندیشه‌های فقهی و کلامی او تالیفات متعددی صورت گرفته است که در زیر به برخی از آنها اشاره می‌شود:

فلاح و علیخانی در مقاله‌ای با عنوان "نگاهی به اندیشه سیاسی ابوحنیفه" پس از اشاره

اجمالی به زندگی نامه و آثار ابوحنیفه، مبانی اندیشه سیاسی او را بر می شمرد. سپس با اشاره به شرایط حاکم و نحوه حکومت و رابطه مردم و جامعه به ویژگیهای فقه سیاسی ایشان اشاره می کند.

سپهری (۱۳۸۰) در کتابی با عنوان "پژوهشی درباره امامان اهل سنت: امام ابوحنیفه، امام مالک، امام شافعی و امام احمدبن حنبل" به بررسی چهار ائمه اهل سنت پرداخته است. در این کتاب که در ۴ فصل تدوین شده از تاریخ پیدایش مذاهب و ضرورت اجتهاد بحث شده است.

ابوزهره (۱۳۸۴) در کتابی با عنوان "ابوحنیفه حیات و عصره" به بررسی دوره زمانی حیات ابوحنیفه و ادله شرعی استنباط احکام فقهی و مکاتب موجود در دوره او می پردازد. فقه عبادی ابوحنیفه در این کتاب مورد توجه نویسنده می باشد.

الجدی (۱۹۶۶) در اثری با عنوان "ابوحنیفه بطل الحریه و التسامح فی الاسلام" به ویژگیهای شخصیتی و فکری ابوحنیفه در استخراج احکام فقهی و سیاسی پرداخته و ابوحنیفه را به علت استفاده از عناصر عقلانیت و شجاعت در صدور احکام فقهی منطبق با مقاصد شریعت ستوده است.

خواتی (۱۳۸۵) در مقاله اش با عنوان "جایگاه اهل بیت(ع) از دیدگاه ابوحنیفه" به بازخوانی رابطه او با اهل بیت پیامبر(ص) مخصوصا امام محمد باقر(ع) و امام جعفرصادق(ع) پرداخته و با مقایسه دیدگاههای آنها، تفاوتها و شباهتها را بیان نموده و با اشاره به شواهدی نتیجه گرفته است که رابطه آنها دوستانه و توأم با احترام بوده است.

دانایی فر و همکاران (۱۳۹۹) در مقاله ای با عنوان "تسامح درون دینی در اندیشه سیاسی ابوحنیفه" به بررسی تسامح در اندیشه سیاسی ابوحنیفه پرداخته و نتیجه گرفته است که تسامح و مدارای درون دینی در اندیشه سیاسی ابوحنیفه بسیار مهم بوده و رویکردهای او را در در زمینه ایمان، عقل گرایی، نظریه ارجاء، عرف و رویکرد آزاد اندیشی در این زمینه بسیار مهم می دانند.

موحد(۱۳۹۷) در مقاله اش ذیل عنوان "ضرورت احیای حنفیت برای مقابله با جریان تکفیری در افغانستان" ضمن ناکارآمد دانستن رویکردهای نظامی و امنیتی برای مقابله با پدیده تکفیر، تمرکز بر کارهای فکری و فرهنگی را تنها راه حل مناسب دانسته است و احیای اسلام سنتی با بازگشت به حنفیت اصیل را پیشنهاد می کند و معتقد است که سنت حنفی به دلیل بومی بودن، ظرفیت مهار جریان تکفیری را دارد؛ بدون آنکه حساسیتی ایجاد کند.

ابلاغ(۱۳۹۸) در کتاب "امام اعظم ابوحنیفه و افکار او" که در ۴ فصل تدوین شده است به شرح زندگی ابوحنیفه و مکاتب زمان او می پردازد. سپس به تحقیق در سند رسایل و آثار او پرداخته و خلاصه ای از تمام آثار او را بیان می کند. سپس در فصل ۴ مهمترین نظریات کلامی ابوحنیفه را به بررسی گرفته است.

۶- نوآوری پژوهش:

بیشتر مطالعات صورت گرفته در خصوص اندیشه ی ابوحنیفه مربوط به حوزه فقه عبادی ایشان بوده و کمتر به فقه سیاسی وی پرداخته شده است. اما این پژوهش به مطالعه ی فقه سیاسی ابوحنیفه می پردازد تا نفی افراط گرایی را در اندیشه ایشان مورد بررسی و تبیین قرار دهد. این تحقیق بر مبنای هدف، بنیادی-نظری است و نتایج آن می تواند به توسعه ی دانش در زمینه های مرتبط با موضوع یا حوزه ی مورد پژوهش، یاری رسانده و راهگشای سایر مطالعات و بررسی ها قرار گیرد.

۷- یافته های پژوهش:

۷-۱- مفهوم افراط گرایی:

افراط را در لغت " از حد در گذشتن و زیاده روی کردن"(معین، ۱۳۷۱: ج ۱، ص ۳۱۳) معنی کرده اند و از آنجا که با واژه "رادیکال" یا تندرو که از واژه یونانی رادیکس(Radi x) به معنای ریشه گرفته شده است، مترادف است به عنوان صفتی برای همه نگرشها و روشهایی به کار می رود که خواهان تغییر بنیادی و سریع در نهادهای

مختلف جامعه هستند. افراط گرایی در مفاهیم سیاسی و دینی به نوعی گرایش فکری اطلاق می شود که "از گرایش های جریان اصلی (مورد قبول) جامعه بسیار خارج باشد." (دانشنامه ویکی پدیا) و از آنجا که افراط گرایان نسبت به عقاید و راه و رسم خویش تعصب ناروا دارند و بر باطل شمردن عقاید و رسوم دیگران اصرار دارند، درواقع از جاده اعتدال، عقلانیت و شریعت خارج شده اند. زیرا "در اعتدال حاکمیت عقل و شرع قبول شده است اما در افراط گرایی این مساله صادق نیست. مقتضای عقلانیت این است که انسان تنها شیفته حقیقت باشد و هیچ گزاره ای را بدون پشتوانه منطقی و برهان نپذیرد. در مقابل، افراط گرایی مستلزم خودشیفتگی است. معیار حق و باطل در نگاه فرد افراط گرا، فهم خود اوست." (بهشتی، ۱۳۹۳، ص ۸) نتیجه این تعصب می تواند رفتاری ظالمانه و خشونت آمیز باشد.

خداوند در قرآن مجید که محور شریعت و عقلانیت است در وصف کسانی که در اندیشه دیگران تدبر و تامل می کنند و بر اساس منطق، بهترین اندیشه را انتخاب می کنند؛ می فرماید: "آنانی را که سخن دیگران را می شنوند و بهترینش را پیروی می کنند، مژده ده. اینان را خدا هدایت کرده و صاحبان خرد نابند." (زمر/ ۱۸)

۷-۲- ابوحنیفه و جریان مرجئه:

در زمان ابوحنیفه در مورد ایمان، کفر و نقش عمل در ایمان مومن سه نظر مختلف وجود داشت: خوارج قائل به ارتباط محکم بین ایمان و عمل بودند تا جایی که «مرتکب گناه کبیره را کافر می دانستند.» (اشعری، ۱۳۶۹ق، ج ۱، ص ۴۹) مرجئه، ایمان و عمل را جدا از هم می دانستند و با اعتقاد به زیادت و نقصان ناپذیری ایمان، مرتکب گناه کبیره را کافر نمی دانستند. اهل حدیث ارتکاب گناه کبیره را موجب کفر نمی دانستند اما ایمان و عمل را ملازم هم دانسته و معتقد به زیادت و نقصان ایمان بودند.

دیدگاه تکفیری خوارج موجب فتنه و آشوب در میان مسلمین شده و بر شدت اختلافات داخلی مسلمین می افزود. آنها «تحت تاثیر واژه هایی چون ایمان، لاحکم الاالله و برائت

جوئی از ستمگران، خون مسلمانان را مباح دانسته و سرزمین های اسلامی را به خون افراد سرشناس رنگین ساختند.» (ابوزهره، ۱۳۸۴، ۱۱۲) مرجئه با تساهل ورزی افراطی در برابر حاکمان ستمگر، به حمایت از ستمگران و فاسقان متهم شدند. دیدگاه اهل حدیث با آنکه مقبولیت بیشتری داشت اما ظاهر گرایی افراطی و انعطاف ناپذیری آنها مانع عمده برای تعامل با مردم و حکومت بود.

«مرجئه» که از کلمه «ارجاء» مشتق شده است از جریانهای مهم قرون اولیه اسلام است که مجموعه ای از انگیزه های سیاسی و ایدئولوژیک از جمله واکنش به تندروی های «خوارج» موجب ظهور و گسترش آن گردید.

در فضای پرتنش آن زمان که گسستهای دینی-اجتماعی دامنگیر امت اسلامی بود، موضع گیری ابوحنیفه در باره مسئله ایمان و کفر، او را به زعم مخالفانش در صف مرجئه قرار داد. اما درست آن است که او را از مرجئان میانه رو بدانیم. (پاکتچی، ج ۵، ص ۳۸۲-۳۸۳) زیرا هرچند که او مانند پیشینیان مرجئه، قائل به تاثیر عمل در ایمان نبود اما بر ارزش عمل تاکید فراوان داشت و قیام علیه حاکم جائز مسلمان را نه تنها به صراحت رد نکرد بلکه «خروج علیه امامی که مرتکب گناه کبیره می شود را واجب میدانست.» (عودی، ۱۳۹۱: ۲۵) وی همواره از معترضان سیاسی حکام اموی و عباسی و در مواردی از حامیان مادی و معنوی قیام بود. او در نامه اش به عثمان بنی از اتهام ارجای افراطی براءت جسته و نظریه میانه خویش را بروز می دهد. وی در این نامه همه اهل قبله را مؤمن دانسته و تارک فریضه را مؤمن گنهکار میدانند و بخشش یا عذاب او را کار خداوند می داند. (ابلاغ، ۱۳۹۸، ص ۲۳۵) ابوحنیفه در نظریه ارجائش به دنبال سد نمودن باب تکفیر مسلمانان از سوی همکیشان شان بود و با تاکید بر ارزش عمل، برخلاف جهیمیان، عاصیان را به بهشت امیدوار نمی کرد و حکم اخروی آنها را به خدا وا می گذاشت. (پاکتچی، ص ۳۸۳ به نقل از سعد و ابوالحسن اشعری و) ایشان هیچ گناهی را زایل کننده ایمان دینی نمی دانست و معتقد بود "هیچ شخصی را از امت محمد به خاطر ارتکاب گناه کبیره نمی توانیم کافر بگوییم." (قاری الحنفی، بی تا، ص ۲۱۰). نقل قول

دیگری هم در این زمینه وجود دارد که در منابع متعدد از زبان ابوحنیفه نقل شده به این صورت که، "هیچیک از اهل قبله را کافر نمی‌پنداریم." (محمد بن حسن، موطأ، ص ۳۲۵). عمل دینی را نیز در صورت شک به خدای تعالی فاقد فایده می‌دانست. از نظر ایشان تنها کسی که گناهی را حلال شمرد یا کافری را کافر نداند، کافر می‌شود. (قاری الحنفی، بی تا، ص ۳۲۵)

نظریه زیادت و نقصان ناپذیری ایمان ابوحنیفه دارای مصلحت سنجی اجتماعی است. نظریه خوارج در باب ایمان، زمینه را برای تکفیر مسلمانان از سوی یکدیگر و در نتیجه ایجاد گسست اجتماعی بین مسلمانان فراهم کرده بود و ابوحنیفه به دنبال پیشگیری از گسیختگیهای اجتماعی - دینی بود. او در عین اینکه بر ارزش عمل صالح در زندگی فردی و ارزش عدالت در زندگی اجتماعی تأکید دارد، بر خلاف خوارج، در زندگی فردی عمل را با همه ارزش آن، جدا از حقیقتی به نام ایمان می‌شمارد و بدون آنکه به مسلمان عاصی وعده بهشت داده باشد، او را مؤمن و برادر دینی دیگر افراد جامعه می‌شمارد و بدین ترتیب ولایت را جایگزین برائت خوارج می‌سازد. با این دیدگاه می‌توان گفت که نظریه ارجاء ابوحنیفه می‌توانست در آن روزگار پراشویی که با ضعف خلافت مرکزی و ظهور حرکت‌های مختلف نظامی با انگیزه‌های گوناگون مذهبی و سیاسی همراه بود، بدون آنکه مسلمانان را در بعد فردی بر عصیان جری سازد، در بعد اجتماعی آنان را گرد محور «برادر ایمانی» و «ولایت» گرد هم آورد. (پاکتچی، ۱۳۷۲، ص ۳۸۵)

۳-۷- وسعت ایمان و نفی افراط گرایی

ابوحنیفه از ایمان تعریف بسیار وسیعی داشت و همه افراد حتی ستمکاران و فاسقان را به محض اقرار اجمالی به آنچه پیامبر اسلام (ص) آورده است (اقرار اجمالی و بدون تفسیر به «ما جاء به الرسول»)، در بر می‌گرفت. (پاکتچی، ج ۵، ص ۳۸۵) با این تعریف، برداشتهای دینی گروه‌های مختلف را در ایمان و کفر مؤثر نمیدانست لذا بسیاری از کسانی که از دیدگاه مکاتب دیگر کافر و از جامعه اسلامی خارج خوانده می‌شد، به دامن

جامعه برگردانده و عضوی از جامعه سیاسی مسلمان محسوب می شد. این فراز از عبارت منسوب به او: "کسی که به زبان تصدیق بورزد اما قلب و عقلش منکر باشد، در نزد خداوند کافر است اما در پیشگاه مردم، مسلمان شناخته می شود چه این که مردم نمی دانند در دل این شخص چه می گذرد و بر آن هاست که بر ظاهر چنین شخصی حکم بکنند و نکوشند به اسرار درونی وی پی ببرند." (الغزی، بی تا، ص ۳۷) می فهماند که او اقرار و تصدیق را برای ایمان و تسلیم و انقیاد در برابر اوامر الهی را برای اسلام کافی می دانست لذا همه مسلمانان در ایمان برابرند و آنچه که درجات ایمان را مشخص می کند تقوا یا عمل دینی است که خارج از توان و درک انسانهاست و تنها مرجع در این مورد خداوند متعال می باشد. این برداشت می تواند به ما در فهمیدن این دیدگاهش کمک کند که: "ایمان پدیده ای تجزیه ناپذیر است و زیادت و نقصان نمی پذیرد." چه بسا ابوحنیفه می خواست با طرح این دیدگاه، مانع انحصارگرایی و امتیازطلبی مسلمانان عرب شود و مسلمانان را صرف نظر از نسب، نژاد و تقدم و تاخر در ایمان آوردن و مسلمان شدن در یک مرتبه قرار دهد.

او حتی مرتکب گناه کبیره را نیز مادام که به حلیت گناه رأی نداده باشد، کافر نمی دانست بلکه او را در زمره ی مؤمنان فاسق جای می داد. (قاری الحنفی، بی تا، ص ۳۲۵) ابوحنیفه کسی را که در بلاد کفر و شرک و از روی جهالت صرفاً به ایمان و اقرار اکتفا کرده اما هیچ گونه عمل دینی انجام نداده، مؤمن می داند. (ابی المطیع البلخی، بی تا) وی نه تنها خود درباره ی مؤمنان فاسق و گناهکار حمل به کفر و جهنم نمی کرد بلکه با توسل به حدیث پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) از کسانی که برای دیگر مسلمانان حکم به جهنم و بهشت می کردند بیزاری می جست و سرنوشت اخروی مؤمنان را به خدا حواله می کرد. (همان)

فراخ دانستن دایره ایمان، بعدها نیز در مکتب باقی ماند و بر آن تأکید شد. حکیم سمرقندی که حنفی مذهب بود؛ کتاب السواد الأعظم را برای اهل خراسان نوشت تا بنا به گفته خود، راه راست را بر آنها بنمایاند، در مسئله چهارم می گوید:

«هیچ کسی را از اهل قبله کافر مخوانید بگناه». (سمرقندی، ۱۳۴۸، ص ۳۶-۳۵)

۴-۷- ابوحنیفه و توصیه به علم آموزی

در آموزه های اسلامی بر فراگیری علم و دانش بسیار تاکید شده است وجود آیات و روایات متعدد که به طرق مختلف، مسلمانان را تشویق به علم آموزی می کنند حتی اگر دور و با سختی های فراوان باشد، عدم برابری افراد آگاه و ناآگاه و ... نمونه هایی از آن است.

با توجه به اهمیت فراوان فراگیری علم و دانش، امروزه یکی از شاخصه های اصلی توسعه یافتگی جوامع، نرخ با سواد و بی سواد آنهاست و در کشورهای توسعه یافته، نرخ با سواد به لحاظ کمی و کیفی بسیار بالا است؛ لذا بسیاری از معضلاتی که کشورهای توسعه یافته با آنها مواجه اند در این کشورها یا وجود ندارد و یا بسیار کم است. نتیجه تحقیقی که توسط مؤسسه صلح ایالات متحده منتشر شد بیان می کند که: " گروه های افراط گرا در کشورهای شکننده ای رشد می یابند که نیازهای اساسی افراد در آن تحقق پیدا نمی کند. می توان انطباق بسیاری میان مناطق ارتکاب عملیات تروریستی با مناطقی یافت که دچار کمبود شدید توسعه یافتگی هستند." (Steadman, ۲۰۲۰) با توجه به اهمیت آموزش در جلوگیری از گسترش افراطیت، یونسکو نیز به اقدامات پیشگیرانه مبتنی بر آموزش تاکید می کند. (UNESCO Website, ۲۰۲۱)

دانش موتور محرکه عقلانیت و اعتدال در برابر بی سواد و جهل است زیرا فرد فاقد دانش، خالی الذهن بوده و راحت تر تحت تاثیر تبلیغات دیگران قرار می گیرند. همچنین آنها قدرت به چالش کشیدن اقوال و آراء و مقابله به مثل را نداشته و راحت تر تحت تاثیر قرار گرفته و آماده حرکت های رادیکال و افراطی می شوند.

با توجه به وجود سفارش های متعدد دینی در مورد اهمیت علم آموزی، ابوحنیفه نیز به عنوان یک اندیشمند و فقیه مسلمان، یکی از راه های برون رفت مسلمانان از مشکلات موجود و گرفتار نشدن در دام افراطیت را تلاش برای فراگیری علم می دانست و بر آن

تاکید می کرد: "در العالم والمتعلم (ص ۳۲ به بعد) از لزوم تحصیل آگاهی بر علوم دینی و یافتن بینش در تشخیص فرقه ها سخن به میان آمده و علم با عمل اندک مفیدتر از جهل با عبادت بسیار دانسته شده است. همچنین در «الفقه الا کبر» (ص ۶-۷) آگاهی بر مسائل اعتقادی پر ارزشتر از علم به فروع فقهی دانسته شده است." (پاکتچی، ۱۳۷۲، ۲۱۳۰) او تلاش برای آگاهی های دینی را به قدر وسع و توانایی توصیه و تکلیف به مالایطاق را نفی می کرد و معتقد بود که: "خداوند از بندگان درباره آنچه نمی داند، پرسش نمی کند و غور آنان را در آنچه نمی دانند، نیز دوست نمی دارد." (همان)

۵-۷- ابوحنیفه و کاربرد عقل (رای و قیاس) در نفی افراط گرایی

عقل در لغت به معنای بازداری، نهی، خودداری، حبس (جوهری، ۱۴۰۷، ج ۵ ص ۱۷۶۹ / فیومی، ۱۹۲۷، م، ص ۴۲۲) و نقیض جهل آمده است. (ابن فارس، ۱۴۰۴، ج ۴، ص ۶۹) شایعترین کاربرد عمومی این واژه به معنای نیرویی است که نیک را از بد تشخیص می دهد. واژه عقل امروزه کاربردهای متنوع تری یافته و در بسیاری مواقع به معنای دریافت ها و دانسته های بشری است که مستقل از وحی بدست می آید.

تردیدی نیست که عقل و خرد بشری توانایی فهم دین با درجه اعتبار بالا را دارد؛ زیرا عقل و خرد از مهم ترین ابزارهای ادراکی بشر است که ارزش و اعتبار آن گاهی برتر از ابزارهای ادراکی دیگر نظیر حس است و حتی می تواند تکیه گاه و تایید کننده آنها باشد. (شاکرین، ۱۳۸۵، ص ۳۷) ضمن اینکه ریشه بسیاری از آموزه های دینی از سنخ مسائل عقلی است و ناتوانی عقل از فهم دین و آموزه های آن، به معنی لغو بودن این گونه آموزه های دینی خواهد بود. برای مثال برهانهای خداشناسی در قرآن، مسئله توحید، پاره ای از مطالب مربوط به اوصاف و افعال الهی و... از این سنخ است.

دعوت قرآن به تعقل و تدبیر در آموزه های خود مؤید این مطلب است که عقل و خرد می تواند آن مطالب را هرچند در سایه آموزش های قرآن درک نماید. اهمیت عقل در نصوص دینی به حدی است که یکی از حجت های الهی قلمداد شده است.

پذیرش رای و قیاس از سوی ابوحنیفه به عنوان یکی از منابع معتبر استنباط احکام شرعی و گشایش باب اجتهاد (صرف نظر از نقدهای تخصصی که به آن وارد شده است) به خاطر نمایندگی از سنت عقلایی در دستگاه فقهی عامه اسلامی و گشودن باب مصلحت اندیشی عقلایی در امور سیاسی و اجتماعی اهمیت داشت. احتمالاً یکدست نبودن شرایط اجتماعی ابوحنیفه نیز در این موضوع دخیل بوده و ایشان برای ایجاد یک جامعه یکدست و ایجاد همی نشینی میان عقل و دین، بهره گیری از رای و عقل را تجویز کردند. (حامی، بی تا، ۹۹)

برخلاف تصور عده ای، قیاس درمقابل نص یا حدیث معتبر نبود بلکه طبق روایت نقل شده توسط ابوداود و ترمذی، قیاس بعد از نبود حکم شرعی در کتاب و سنت رسول الله (ص) (و بنا به روایت نسایی در صورت نبود حکم در اقوال صالحین (صحابه) اعتبار می یابد. (ابوداود سجستانی، سنن، ج ۳، ص ۳۰۳ و ترمذی، سنن، ج ۳، ص ۶۱۶ و نسایی، سنن، ۱۴۰۶، ج ۸، ص ۲۳۰-۲۳۱) ابوحنیفه در کاربرد قیاس به ضوابطی پایبند بود و از کاربرد آن در مسائل تعبدی پرهیز می می کرد.

ابوحنیفه با تاکید بر عقلگرایی و پیمودن راه میانه و پرهیز از افراط و تعصب مذهبی، با رهبران و پیروان سایر مذاهب و ادیان، رفتاری محترمانه و دوستانه داشت. نفی توهین و خشونت در فرهنگ فقهی او را می توان با نگاهی به دیدگاهش درباره جهاد با مخالفان دین به دست آورد و از آنجا که هرگونه تعرض غیردفاعی به کفار را حرام می دانست و به شدت با دستاویز قراردادن کفر و شرک برای آغاز اقدامات خشونت آمیز مخالف بود، می توان نتیجه گرفت که با دستاویز قراردادن اختلافات مذهبی برای اقدامات خشونت آمیز هم مخالف بود. (دانایی فر و همکاران، ۱۳۹۹، ص ۷۰۷)

سید جمال الدین اسد آبادی در اهمیت عقل و رهایی از تعصبات ناروا که افراطیگری را به دنبال می آورد، چنین می گوید: «برای مطابقت با شرایط علمی دنیای مدرن باید اعتقادات را به محل عقل سنجید و کلام خدا را در جهت آزادی سیاسی و بی نیازی

اقتصادی و حقوق حقه انسانی آنها فهمید. مسلمانی که بدینسان از بند خرافات و تعصبات ناروا رها می شود و به حقایق دینی خود آگاهی می یابد و امکانات جدید آن را در می یابد نه فقط تعدی غیر انسانی را به شخصیت خود نمی پذیرد بلکه عملاً با اتحاد با دیگر برادران مسلمان شائق می شود و از این رهگذر اسلام را به عالی ترین درجه قدرت می رساند.» (مجتهدی، ۱۳۶۳، ۱۹)

۸- نتیجه:

بررسی عقاید و اندیشه های ابوحنیفه در مؤلفه های مورد تحقیق (نظریه ارجاء، ایمان و عقلگرایی) نشان می دهد که او از گرایشهای افراطی اجتناب داشته و با بهره گیری از عنصر عقل و تدقیق در آیات و روایات، سعی در حفظ اعتدال و میانه روی داشت و با دعوت مردم به مشی در این مسیر تلاش می کرد از گسیختگیهای اجتماعی-دینی جلوگیری نماید. در نظریه ارجاء معتدلش در پی آن بود تا با حفظ ارزش عمل در زندگی افراد بدون آنکه به فرد عاصی وعده بهشت دهد تا بر عصیان جری شود، او را برادر دینی سایر افراد جامعه می شمرد تا مودت و دوستی جایگزین براءت، نفاق و دشمنی خوارج شود. ضمن اینکه با این نظر، تفتیش عقاید را نیز در اسلام مردود دانست. تعریف وسیع از دایره ایمان در همین راستا بود تا افراد بیشتری زیر چتر دین رحمانی اسلام قرار گیرد. او اقرار اجمالی به آنچه پیامبر خدا(ص) آورده بود و تصدیق اسلام را موجب بهره مندی از حقوق اسلامی (حفظ مال، جان، ناموس و آبرو) می دانست.

ابوحنیفه از تعمیق اختلافات مذهبی مسلمانان نگران بود به همین خاطر مردم را به کسب علم و دانش و تعقل و تدبر در مسائل دعوت می کرد تا در دام فرقه های افراطی گرفتار نشوند. او با استفاده از عقل در استنباط احکام دینی تلاش کرد زمینه های دگم اندیشی را که منجر به افراط و خشونت می شد از بین ببرد و در زمینه استنباط خودش از مسائل دینی که آن را "رای" می نامید، می گفت: «این سخن ما، رای است و بهترین سخنی

است که به آن دست یافته ایم، پس هر که سخن بهتری آورد، به صواب نزدیک تر است.» این به آن معنی است که او در پذیرش آرای مخالفانش مادامی که اثبات می شد که در چارچوب عقل و دین است، ابایی نداشت.

بنابراین گسترش و انتشار اصول فکری و فقهی ابوحنیفه در کمرنگ شدن افراط گرایی در جوامع اسلامی می تواند کمک قابل توجهی نماید و از گسترش خشونت های دینی و تکفیر جلوگیری کند.

منابع:

- ۱- قرآن کریم، سوره زمر، آیه ۱۷ و ۱۸.
- ۲- ابلاغ، عنایت الله، مترجم: فضیلت، فضل من الله، امام اعظم ابوحنیفه و افکار او، کابل، ریاست تدقیق و مطالعات علوم اسلامی وزارت ارشاد، حج و اوقاف، ۱۳۹۸، ص ۲۳۵
- ۳- ابن فارس، ابوالحسین احمد بن زکریا، معجم مقاییس اللغة، تحقیق عبدالسلام محمد هارون، قم، مکتب الاعلام الاسلامی، ۱۴۰۴ق.
- ۴- اشعری، سعد، المقالات والفرق، ص ۶؛ ابوالحسن اشعری، مقالات الاسلامیین، ص ۱۳۸؛ رجال کشی، ص ۱۹۰؛ خطیب بغدادی، تاریخ بغداد، ج ۱۳، ص ۳۸۲؛ شمس الدین ذهبی، سیر اعلام النبلاء، ج ۵، ص ۲۳۳؛ شهرستانی، الملل و النحل، ج ۱، ص ۱۲۶؛ دایرة المعارف بزرگ اسلامی، مدخل «ابوحنیفه»، ص ۳۸۳، خواتی، محمدشفق، جایگاه اهل بیت در اندیشه ابوحنیفه، طلوع نور، ۱۷، ۱۳۸۵، ص ۱۴۹.
- ۵- اشعری، ابوالحسن، مقالات الاسلامیین و اختلاف المصلین تحقیق محمد محی الدین عبدالمجید، ج ۱، قاهره، مکتبه النهضة المصریه، ۱۳۶۹ ق، ص ۴۹.
- ۶- بوداوود سجستانی الأزدی، سلیمان بن الأشعث، سنن، ج ۳، المحقق: محمد محی الدین

- عبدالحمید، بیروت، دارالفکر، ص ۳۰۳.
- ۷- ابوزهره، محمد، ابوحنیفه حیات و عصره، قاهره، دارالفکر العربیه، ۱۳۸۴.
- ۸- الغزی، تقی الدین، الطبقات السنیة فی تراجم الحنفیه، بی تا، ص ۳۷.
- ۹- بلخی، ابی المطیع، الشرح المیسر للفقہ الأیسط المنسوب لأبی حنیفه روایه ابی مطیع البلخی عن أبی حنیفه، نسخه الکترونیکی
<http://wwwislammessag.combookswwbook-larg-texe.pho> ،
 نگاهی به اندیشه سیاسی ابوحنیفه
- ۱۰- بهشتی، احمد، افراط گرایی نقطه مقابل عقلانیت و شریعت، عقل و دین، ۶، ش ۱۱، ۱۳۹۳، ص ۸.
- ۱۱- پاکتچی، احمد، «ابوحنیفه»، دایرةالمعارف بزرگ اسلامی، ج ۵، تهران، مرکز دایره المعارف بزرگ اسلامی، ۱۳۷۲، ص ۳۸۲-۳۸۳
- ۱۲- الترمذی السملی، محمد بن عیسیٰ أبوعیسیٰ، سنن، ج ۳، محقق: أحمد محمد شاکر و آخرون، بیروت، التراث العربی، ص ۶۱۶.
- ۱۳- جعفری و ذاکریان امیری، رؤیا و مهدی، نقش آموزش کودکان در مقابله با افراط گرایی، مجله حقوقی بین المللی، شماره ۶۶، بهار و تابستان ۱۴۰۱، ص ۲۹۱.
- ۱۴- الجوهری، اسماعیل بن حماد؛ الصحاح فی اللغة و العلوم؛ ج ۵، تحقیق احمد بن عبدالغفور عطار؛ ج ۴، بیروت، دارالعلم للملایین، ۱۴۰۷ ق.
- ۱۵- حامی، محبوبه & امینی، لیلا، تاثیر شرایط اجتماعی بر مرجعیت عرف در اندیشه ابوحنیفه، پژوهش در تاریخ، ۳، ۴، ۱۳۹۱، ص ۸۸.
- ۱۶- خواتی، محمدشفق، جایگاه اهل بیت در اندیشه ابوحنیفه، طلوع نور، ۱۷، ۱۳۸۵، ص ۱۴۹.

۱۷- دانایی فر، محمد و همکاران، تسامح درون دینی در اندیشه سیاسی ابوحنیفه، فصلنامه علمی جامعه شناسی سیاسی ایران، ۳، ۱۱، ۱۳۹۹، ۷۰۷.

۱۸- دانشنامه ویکی پدیا. (www.ki pedi a.org)

۱۹- سرخی، بوبکر محمد بن سهل، المبسوط، بیروت: دارالمعرفه، ۱۴۰۶ ق، الجزء الخامس، ص ۱۰؛ محمد بن حسن الطوسی، الخلاف، تحقیق: سید علی الخراسانی و... قم: مؤسسه النشر الاسلامی، الطبعة الاولى، ۱۴۱۷ق، المجلد ۴، ص ۲۵۱-۲۵۲.

۲۰- سمرقندی، ابوالقاسم اسحاق بن محمد حکیم، السواد الأعظم، به اهتمام: عبدالحی حبیبی، تهران: انتشارات بنیاد فرهنگ ایران، ۱۳۴۸، ص ۳۶-۳۵.

۲۱- شاکرین، حمیدرضا؛ براهین اثبات وجود خدا در نقدی بر شبهات جان هاسپرز؛ چ ۱، تهران، مؤسسه فرهنگی دانش و اندیشه معاصر، ۱۳۸۵.

۲۲- شریف، میان محمد، تاریخ فلسفه در اسلام، ترجمه: زیر نظر نصرالله پورجوادی، تهران: مرکز نشر دانشگاهی، چاپ اول، جلد ۲، ۱۳۶۵، ص ۱۲۸.

۲۳- عطار نیشابوری، فریدالدین، تذکره الاولیاء، تصحیح: رنولدالین نیکلسون، تهران، نشر علم، چ ۱، ۱۳۸۴.

۲۴- عودی، ستار و همکاران، خوارج، مجموعه کتابخانه دانشنامه جهان اسلام (۴۴)، چاپ اول، تهران، نشر کتاب مرجع، ۱۳۹۱.

۲۵- فلاح، رستم و علیخانی، علی اکبر، نگاهی به اندیشه سیاسی ابوحنیفه، سایت راسخون،

۲۶- الفیومی، المصباح المنیر؛ چ ۷؛ القاهرة، وزارة المعارف، ۱۹۲۷ م.

۲۷- قاری الحنفی، ملاعلی، شرح کتاب فقه الاکبر، تحقیق علی محمد دندل، بیروت، دارالکتب العلمیه، بی تا.

۲۸- مجتهدی، کریم، سید جمال الدین اسدآبادی و تفکر جدید، تهران، نشر تاریخ ایران، ۱۳۶۳.

۲۹- محمد بن حسن، موطأ، ص ۳۲۵

۳۰- معین، محمد، فرهنگ معین، ج ۱، چ ۸، تهران، انتشارات امیرکبیر، ۱۳۷۱، ص ۳۱۳.

۳۱- نسایی، ابو عبدالرحمن، سنن، المحقق: عبدالفتاح أبوغده، حلب: مكتب المطبوعات الاسلاميه، ۱۴۰۶ ق، الطبعة الثانية، الجزء الثامن، صص ۲۳۱-۲۳۰.

۳۲- Steadman, Leanne Erdberg, "The Role of Aid and Development in the Fight Against Extremism: International Assistance Can Undercut Radicalization by Addressing the Grievances That Extremists Use to Recruit, United States Institute of Peace, February ۴, ۲۰۲۰, At: <https://www.usip.org/publications/۰۲/۲۰۲۰/role-aid-and-development-fight-against-extremism>, last seen ۲۰۲۱/۹/۱۰.

۳۳- UNESCO, "Preventing Violent Extremism", at: <https://en.unesco.org/preventingviolentextremism>, last seen ۹/۱۰/